

اکونامه

تحلیلی فرهنگی اجتماعی



موسسه فرهنگی اکو

ECOCULTURAL INSTITUTE
Herodotusism - Tehran

شماره ۱۲ - شهریور ۱۴۰۵



مؤسسه فرهنگی اکو

ECO CULTURAL INSTITUTE
Headquarters - Tehran

اکونامه

ماهنامه الکترونیک بازتاب رویدادهای فرهنگی و تعاملات منطقه‌ای حوزه اکو

سال دوم، شماره ۱۲ – شهریور ۱۴۰۵

بام مشترک فرهنگ، نبض تمدن خاور زمین

مؤسسه فرهنگی اکو (ECI)، قلب تپنده سازمان همکاری اقتصادی (ECO) است؛ جایی که اقتصاد به پژواک فرهنگ پیوند می‌خورد. این مؤسسه نه یک دیوار، بلکه پلی میان ده ملت کهن، بر فراز تاریخ، زبان، هنر و اندیشه می‌باشد.

در این بام مشترک، فرهنگ نه در مرزها محدود می‌شود و نه در زمان فرسوده؛ بلکه زنده و جاری است، و در گفت‌وگوی تمدن‌ها نفس می‌کشد. ما حافظان حافظ، راویان رودکی، و هم‌نفس با مولانا هستیم؛ در جغرافیایی که از کوه‌های آناتولی تا دشت‌های خراسان امتداد دارد.

مؤسسه فرهنگی اکو، با رسالت گسترش همدلی فرهنگی، بستری برای تبادل هنری، پژوهش‌های تاریخی، و خلق روایت‌های نو از میراث کهن فراهم می‌آورد. اینجا، فرهنگ نه گذشته‌ای دور، بلکه آینده‌ای مشترک است.

با کمال مسرت، انتشار ماهنامه اکونامه را به عنوان گامی نوین در راستای تقویت پیوندهای فرهنگی، هنری و فکری میان کشورهای عضو اکو اعلام می‌داریم. این نشریه، بستری پویا برای بازتاب غنای تمدنی و فرهنگی منطقه اکو فراهم می‌آورد و با هدف معرفی میراث مشترک، ترویج گفت‌وگو و هم‌افزایی میان ملت‌هایی که تاریخ، ارزش‌ها و آرمان‌های مشترک دارند، طراحی شده است. مؤسسه فرهنگی اکو بر این باور است که شناخت متقابل، احترام به تنوع فرهنگی و تقویت همکاری‌های منطقه‌ای، پایه‌های صلح، همزیستی مسالمت‌آمیز و توسعه پایدار را استوار می‌سازد.

اکونامه نه تنها رسانه‌ای برای انعکاس فعالیت‌ها، برنامه‌ها و ابتکارات مؤسسه فرهنگی اکو است، بلکه فضایی برای تعامل دوسویه با مخاطبان فرهیخته خود ایجاد می‌کند. ما از اندیشمندان، هنرمندان و دوستداران فرهنگ دعوت می‌کنیم تا با ارائه دیدگاه‌ها، تجربیات و پیشنهادهای خود، در غنابخشی به محتوای این نشریه و تقویت شبکه‌ای از هم‌اندیشان و خلاقان منطقه مشارکت فعال داشته باشند. این تعامل، به‌عنوان نیرویی پیش‌برنده، به پیوند هرچه عمیق‌تر ملت‌های منطقه یاری می‌رساند.

این نشریه، با نگاهی به آینده، بستری برای گفت‌وگوهای سازنده و همکاری‌های پایدار فراهم می‌آورد تا از این رهگذر، شهد شکوفایی فرهنگی و تقویت دوستی‌های دیرپا در منطقه اکو باشیم.

مؤسسه فرهنگی اکو، با تعهد به این چشم‌انداز، از همه شما دعوت می‌کند تا در این سفر فرهنگی همراه ما باشید و با مشارکت فعال خود، به غنای این حرکت جمعی بیفزایید. باشد که اکونامه به‌عنوان پلی میان قلب‌ها و اندیشه‌ها، نقشی ماندگار در تقویت همبستگی فرهنگی منطقه ایفا نماید.

موسسه فرهنگی اکو





فهرست مطالب

سال ۱۴۰۵

۴۶	تاجیکستان؛ فراتر از تاجیک — پامیری‌ها و یغنابی‌ها.....
۴۸	ترکیه؛ آناتولی به‌عنوان تقاطع هفت اقلیم فرهنگی.....
۵۰	ترکمنستان؛ پنج قبیله، یک پرچم، یک زبان مشترک نقش.....
۵۲	ازبکستان؛ شش مکتب کلاه‌دوزی و قرق‌لپاق‌های صحرا.....
۵۴	۷. لباس مشترک؛ میراثی فراتر از مرزها.....
۵۴	۸. آیا سنت باید بدون تغییر باقی بماند؟.....
۵۴	۹. موزه یا زندگی؟.....
۵۵	۱۰. لباس آینده چه شکلی خواهد داشت؟.....
۵۵	ده کشور، ده روایت؛ کشور و روایت محوری.....
۶۱	فصل دوم.....
۶۱	رویدادها و تازه‌های فرهنگی موسسه اکو (گزارش فعالیت‌ها، نشست‌ها، نمایشگاه‌ها و همکاری‌های اخیر).....
۶۲	کنفرانس بین‌المللی «سواد رسانه‌ای» در مؤسسه فرهنگی اکو برگزار شد.....
۶۴	بازدید هیأت شورای عالی رادیو و تلویزیون ترکیه از مرکز پخش برنامه‌های کودک و نوجوان ایران.....
۶۴	زمینه‌های همکاری میان نهادهای تنظیم‌گر رسانه‌ای ایران و ترکیه بررسی شد.....
۶۵	هیئت شورای عالی رادیو و تلویزیون ترکیه از موزه سینمای ایران بازدید کرد.....
۶۶	هیئت شورای عالی رادیو و تلویزیون ترکیه از دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران بازدید کرد.....
۶۷	نشست بین‌المللی «سیمای اندیشه آبای در آئینه اکو» برگزار شد.....
۷۰	دکتر محمد حسن: احیای جامعه از احیای انسان آغاز می‌شود.....
۷۱	پیام تبریک مؤسسه فرهنگی اکو به مناسبت روز استقلال جمهوری قرقیزستان.....
۷۲	همایش علمی «رابعه بلخی – چهره درخشان نظم عهد سامانیان» برگزار شد.....
۷۳	مؤسسه فرهنگی اکو، فرارسیدن روز استقلال جمهوری ازبکستان را تبریک می‌گوید.....
۷۳	نشست فرهنگی «معرفی ترکیه» در مؤسسه فرهنگی اکو برگزار شد.....
۸۰	چهارمین شماره خبرنامه مؤسسه فرهنگی اکو منتشر شد.....
۸۱	نمایشگاه عکس «تاجیکستان در مسیر رشد و شکوفایی» در مؤسسه فرهنگی اکو افتتاح شد.....
۸۴	پیام تبریک موسسه فرهنگی اکو به مناسبت استقلال تاجیکستان.....
۸۴	حضور رئیس مؤسسه فرهنگی اکو در بیست‌ونهمین کنفرانس کایفور در ازبکستان.....
۸۵	رایزنی مؤسسه فرهنگی اکو و ازبکستان برای توسعه همکاری‌های فرهنگی.....
۸۶	رایزنی مؤسسه فرهنگی اکو و ازبکستان درباره گردشگری فرهنگی.....
۸۷	پیوند هنر و دیپلماسی فرهنگی در قلب تهران؛ آغاز هفته فیلم اکو با چشم‌اندازی به تکرر و یگانگی انسان.....
۹۵	فصل سوم.....

۱۳	فصل اول.....
۱۳	لباس و پوشش سنتی؛ هویت، اقلیم، آیین، تفاوت نسل‌ها و بازگشت سنت به مد معاصر.....
۱۴	لباس؛ چیزی بیش از آنچه می‌پوشیم.....
۱۴	۱. هویت؛ وقتی لباس می‌گوید «من کیستم».....
۱۵	لباس؛ نقشه‌ای از یک جامعه.....
۱۵	۲. اقلیم؛ وقتی جغرافیا لباس را طراحی می‌کند.....
۱۶	از ماده اولیه تا لباس.....
۱۶	۳. آیین؛ وقتی لباس از پوشش به مراسم وارد می‌شود.....
۱۷	لباس عروسی؛ جایی که گذشته دوباره ظاهر می‌شود.....
۱۷	۴. میراث واقعی کجاست؟ لباس یا دانشی که پشت آن قرار دارد؟.....
۱۸	زنان؛ حافظان بخش بزرگی از میراث پوشاک.....
۱۸	۵. نسل‌ها؛ آیا نسل جوان لباس سنتی را کنار گذاشته است؟.....
۱۹	۶. سنت در مد معاصر؛ وقتی گذشته دوباره طراحی می‌شود.....
۲۰	ده کشور، ده روایت.....
۲۰	افغانستان؛ لباس به‌مثابه نقشه‌ای از تنوع.....
۲۶	جمهوری آذربایجان؛ یک قوم، ده منطقه، چند اقلیت.....
۳۰	ایران؛ فسیفسای پوشاک یک فلات.....
۳۶	قزاقستان؛ زبان بصری زندگی کوچ‌نشینی.....
۴۰	قرقیزستان؛ نمد، نمد و باز هم نمد.....
۴۲	پاکستان؛ یک کشور، چندین نظام پوششی مستقل.....

رویدادها، برنامه‌ها و اخبار فرهنگی منطقه اکو و مروری بر رویدادهای آتی۹۵

بررسی و حفاظت از محوطه‌های تاریخی و باستانی افغانستان۹۶

توجه به هنرهای تجسمی و تقدیر از هنرمندان افغانستان۹۶

برگزاری کارگاه استانداردسازی شیوه نگارش پشتو و دری۹۶

گسترش فعالیت‌های کتاب و نشر در افغانستان.....۹۶

برگزاری جشنواره «کتاب کابل»۹۷

تقویت همکاری‌ها برای حفاظت از میراث فرهنگی بامیان۹۷

برگزاری نمایشگاه صنایع‌دستی قزاق‌های افغانستان در بلخ.....۹۷

ادامه مرمت مناره تاریخی جام.....۹۷

تأکید بر حفاظت از میراث باختری افغانستان.....۹۷

نگرانی درباره وضعیت برخی آثار تاریخی افغانستان۹۷

برگزاری نخستین جشنواره بین‌المللی فیلم لاپچین.....۹۸

برگزاری پنجمین جشنواره بین‌المللی فیلم کودکان و نوجوانان «سلام».....۹۸

برگزاری جشن روز شهر لاپچین با برنامه‌های فرهنگی و هنری.....۹۸

برگزاری جشنواره انجیر گالا و معرفی میراث فرهنگی آبشرون.....۹۹

حضور آذربایجان در ششمین بازی‌های جهانی عشایر.....۹۹

افتتاح نمایشگاه «بازتاب‌های گذشته» درباره میراث باستان‌شناختی آذربایجان۹۹

افتتاح سومین جشنواره بین‌المللی اپرای فیدان حاجی‌یوا.....۱۰۰

برگزاری نمایشگاه «افسانه انار» در موزه ملی فرش آذربایجان.....۱۰۰

معرفی فرهنگ و میراث آذربایجان در مالزی۱۰۰

معرفی میراث فرهنگی و هنر مراکش در باکو.....۱۰۰

برگزاری رویدادهای فرهنگی و هنری در آستانه روز ملی سینما.....۱۰۱

ثبت رکورد جدید در مخاطبان سینما۱۰۱

برگزاری دومین رویداد ملی گالری ترمه.....۱۰۱

برگزاری نمایشگاه سی‌وسومین دوره فرش دستباف ایران.....۱۰۱

حضور هنرمندان قزاقستان در چهلمین جشنواره صنایع‌دستی بوداپست۱۰۲

افتتاح نودوسومین فصل تئاتر ملی اپرا و باله آبای با اجرای باله «آق‌بالا»۱۰۲

برگزاری جشنواره کتاب «جشن کتاب شرق ۲۰۲۶»۱۰۲

برگزاری جشنواره بین‌المللی قومی «نوای ژاییک» در اورال۱۰۲

برگزاری پنجمین جشنواره سراسری کتاب ۲۰۲۶.....۱۰۲

برنامه‌های روز سینمای قزاقستان و بزرگداشت صدمین سالگرد عبدالله قارصاقبایف۱۰۲

برگزاری ششمین بازی‌های جهانی کوچ‌نشینان و برنامه‌های فرهنگی و میراثی آن۱۰۳

برگزاری جشنواره بین‌المللی فیلم و حضور چهره‌های سینمای جهان در بیشکک.....۱۰۳

معرفی و پاسداشت میراث موسیقی قرقیزستان در آستانه روز استقلال.....۱۰۳

۱. برگزاری جشنواره تئاتر سندی «وِس—ذاری ۲۰۲۶»۱۰۴

بازگشت پنجمین جشنواره فیلم اروپا به پاکستان.....۱۰۴

۱۱افتتاح ساختمان جدید تئاتر ملی تاجیکستان در دوشنبه.....۱۰۵

برگزاری نمایشگاه «مدرن‌ما» از آثار سبزه‌علی شریف در موزه ملی تاجیکستان.....۱۰۵

ارائه کتاب «آریایی‌ها و شناخت تمدن آریایی» در دوشنبه.....۱۰۵

برگزاری مراسم سی‌وپنجمین سالگرد استقلال تاجیکستان.....۱۰۶

برگزاری جشنواره فرهنگی ـ هنری «راه فرهنگ چاناک‌قلعه»۱۰۶

برگزاری دومین دوره جشنواره «راه فرهنگ ترکیه» در قیصریه۱۰۶

آغاز سی‌وسومین جشنواره بین‌المللی اپرا و باله آسپندوس۱۰۷

برگزاری جشنواره هنر و فرهنگ بوزجادا۱۰۷

برگزاری مرحله نهایی رقابت «چالسانا، باغشی».....۱۰۷

برگزاری جشنواره تئاتر ترکمنستان و اجرای نمایش‌های جدید.....۱۰۷

حضور موسیقی‌دانان ترکمنستان در جشنواره بین‌المللی موسیقی کلاسیک تسیناندالی۱۰۷

برگزاری مرحله نهایی مسابقه تلویزیونی «یانلان، دییاریم!»۱۰۸

برگزاری رقابت مد و هنرهای سنتی «اوربان نومد» و ارائه مجموعه «گَناتلی زمان».....۱۰۸

نمایشگاه‌های مجازی موزه هنرهای زیبای ترکمنستان.....۱۰۸

افتتاح مرکز هنرهای معاصر تاشکند.....۱۰۹

برگزاری «هفته موزه‌ها» در ۱۱۴ موزه دولتی ازبکستان.....۱۰۹

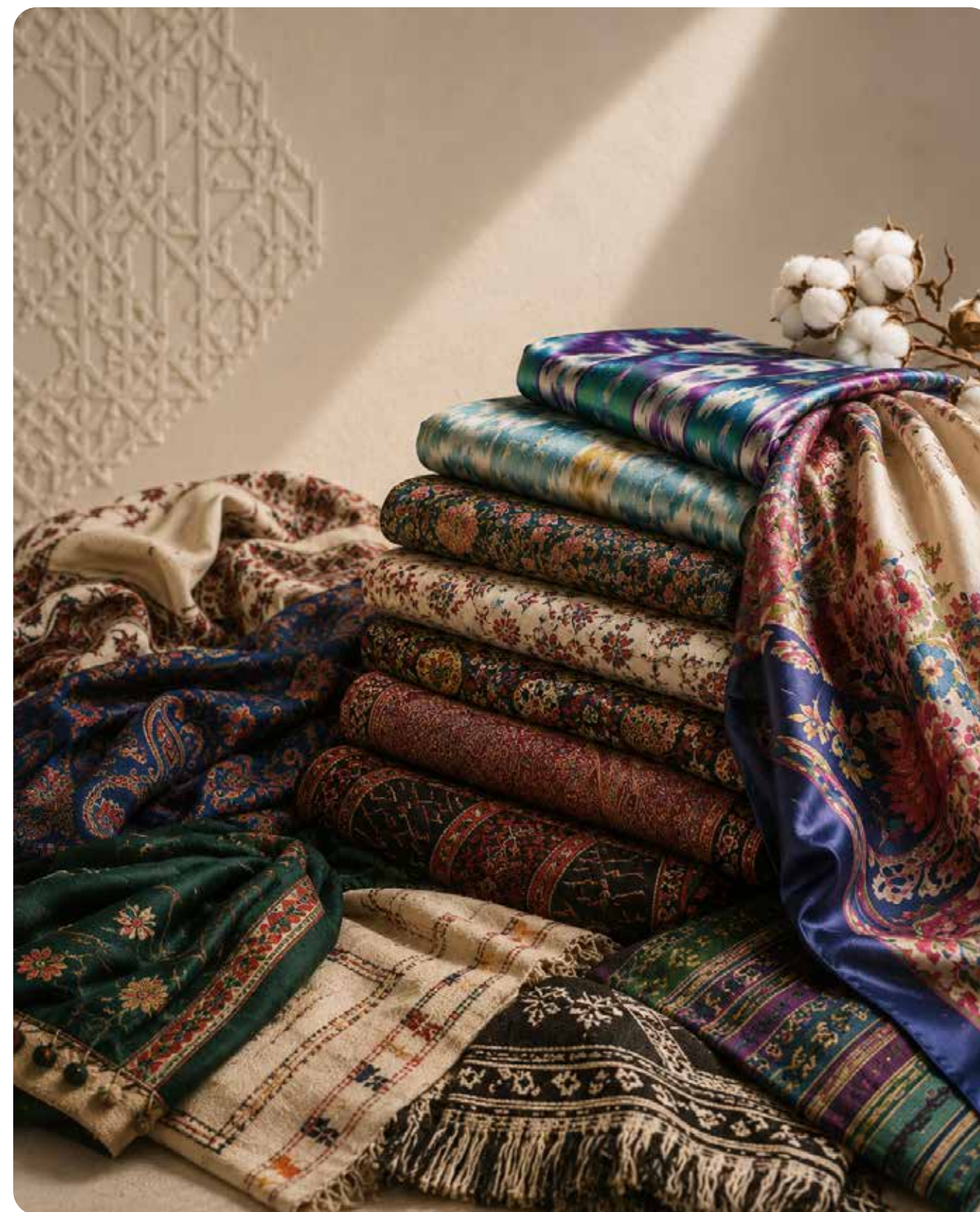
آغاز مدرسه تابستانی مطالعات ازبک در همکاری با دانشگاه آکسفورد.....۱۰۹

آغاز ساخت موزه ملی ازبکستان و توسعه یک مرکز فرهنگی بزرگ در تاشکند.....۱۰۹

تقویم رویدادهای فرهنگی کشورهای عضو اکو.....۱۱۰

فصل اول

لباس و پوشش سنتی؛ هویت، اقلیم، آیین،
تفاوت نسل‌ها و بازگشت سنت به مد معاص



لباس؛ چیزی بیش از آنچه می‌پوشیم

انسان لباس می‌پوشد تا بدن خود را بیوشاند، از سرما و گرما محافظت کند و برای زندگی روزمره آماده باشد؛ اما در هیچ جامعه‌ای لباس فقط یک نیاز فیزیکی باقی نمانده است. لباس می‌تواند دربارهٔ جایی که انسان از آن آمده، جامعه‌ای که به آن تعلق دارد، سن، جنسیت، وضعیت اجتماعی، مناسبت، باورها و حتی خاطرات جمعی او سخن بگوید. به همین دلیل، مطالعهٔ پوشاک یکی از راه‌های شناخت فرهنگ مادی جوامع است.

در منطقهٔ اکو، این موضوع اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. از کوهستان‌های افغانستان و آسیای مرکزی تا فلات ایران، استپ‌های قزاقستان، آناتولی و مناطق مختلف پاکستان، تفاوت در جغرافیا، شیوهٔ زندگی، مواد اولیه، تاریخ و تنوع جوامع، نظام‌های متنوعی از پوشش را به وجود آورده است؛ بنابراین نمی‌توان از «یک لباس سنتی» برای هر کشور سخن گفت و انتظار داشت تمام تنوع فرهنگی آن کشور را نمایندگی کند. پوشاک افغانستان، برای نمونه، در منابع مردم‌شناختی با تفاوت‌های جغرافیایی، محل سکونت، گروه‌های قومی، وضعیت اجتماعی و مراحل زندگی پیوند خورده است [۱۸]. در ایران نیز منابع تخصصی از پوشش‌های متفاوت گروه‌های قومی و منطقه‌ای، از قشقایی و بلوچ تا گروه‌های آذری، کردی، ترکمنی و دیگر جوامع سخن می‌گویند [۱۵, ۱۷]. از این منظر، لباس را باید یک زبان فرهنگی دانست؛ زبانی که پیش از سخن گفتن، دربارهٔ هویت فرد و جامعهٔ او اطلاعات می‌دهد.

۱. هویت؛ وقتی لباس می‌گوید «من کیستم»

هویت فرهنگی همیشه در کتاب‌ها، زبان و آیین‌ها ثبت نمی‌شود. گاهی یک تکه پارچه، یک نقش، یک کلاه یا شیوهٔ بستن یک روسری می‌تواند نشانه‌ای از تعلق فرهنگی باشد. این ویژگی در

بسیاری از کشورهای اکو دیده می‌شود.

در افغانستان، تنوع لباس با تنوع قومی و جغرافیایی پیوند نزدیکی داشته است. منابع مردم‌شناختی نشان می‌دهند که پوشش می‌توانسته هویت فردی و گروهی، وضعیت اجتماعی و اقتصادی و حتی مرحله‌ای از چرخهٔ زندگی فرد را بازتاب دهد. پوشش سر نیز در بسیاری از مناطق دارای ویژگی‌های متمایزکننده بوده است [۱۸].

در ایران نیز تنوع پوشاک محلی، تصویری از تنوع اجتماعی و جغرافیایی کشور است. مطالعهٔ پوشاک قشقایی نشان می‌دهد که لباس این جامعه در پیوند با تاریخ کوچ‌نشینی، ساختار اجتماعی و هویت گروهی شکل گرفته و تغییرات سیاسی و اجتماعی نیز بر آن اثر گذاشته است [۱۵]. حتی برخی عناصر پوشش، مانند کلاه ویژهٔ مردان قشقایی، در دوره‌هایی به نماد احیای هویت و قدرت گروهی تبدیل شده‌اند: این کلاه – «دوکوشی» (do-gushi)، کلاهی نم‌دین از قرن نوزدهم – پس از آنکه پوشش قومی در دوران رضاشاه (۱۳۰۷ تا ۱۳۲۰ خورشیدی) ممنوع و سپس احیا شد، به نماد بازبایی قدرت، خودمختاری و هویت گروهی قشقایی برای همهٔ مردان این ایل تبدیل شد [۱۶].

در قزاقستان نیز منابع رسمی، لباس سنتی را عنصری مرتبط با تاریخ، شیوهٔ زندگی، سن، وضعیت اجتماعی و منطقه می‌دانند [۱۹]. در اینجا لباس فقط برای محافظت از بدن در شرایط سخت استپ طراحی نشده، بلکه در آن نشانه‌های اجتماعی و فرهنگی نیز جای گرفته است.

این مسئله در جمهوری آذربایجان به‌روشنی در کلاغایی دیده می‌شود؛ روسری ابریشمی سنتی که یونسکو آن را در نوامبر ۲۰۱۴، طی نشست نهم کمیتهٔ بین‌دولتی، با عنوان کامل «هنر و نمادشناسی سنتی ساخت و پوشش کلاغایی» در فهرست میراث فرهنگی ناملموس بشریت ثبت کرد [۱]. تولید کلاغایی در دو کانون تاریخی متمرکز است: شهر شکی و روستای باسقال در ناحیهٔ اسماعیلی، جایی که بافندگانش از قرن نوزدهم شهرت جهانی

داشتند – چنان‌که در سال ۱۸۶۲ بافنده‌ای باسقالی به نام نصیرِ عبدالعزیز به‌خاطر کلاغایی و پارچهٔ ابریشمی ملایم و گانووز (پارچهٔ ابریشمی درخشان بسیار نازک) در نمایشگاه بین‌المللی لندن مدال نقره گرفت [۲].

در هنر کلاغایی، نه‌تنها تولید پارچه، رنگرزی با مواد گیاهی و تزئین با قالب‌های چوبی یا فلزی به نام «قالیب» اهمیت دارد، بلکه رنگ روسری نیز، طبق ثبت یونسکو، با مناسبت‌های اجتماعی مختلف – از عروسی و سوگواری تا فعالیت‌های روزمره و جشن‌ها – پیوند دارد [۱]. نقش غالب روی آن، «بوته»، را برخی پژوهشگران به دورانی پیش از اسلام و آیین‌های آتش برمی‌گردانند [۲]. دانش این هنر نیز عمدتاً به شکل غیررسمی و در خانواده‌ها منتقل شده و هر خانواده می‌تواند سبک و نقش خاص خود را داشته باشد [۱].

بنابراین، وقتی زنی کلاغایی – که وزنش معمولاً حدود ۱۲۵ گرم است [۲] – بر سر می‌گذارد، با یک تکه پارچهٔ ساده روبه‌رو نیستیم؛ با شیئی روبه‌رو هستیم که ماده، مهارت، نماد، مناسبت و هویت را هم‌زمان در خود جمع کرده است.

لباس؛ نقشه‌ای از یک جامعه

اگر لباس‌های سنتی کشورهای اکو را کنار هم بگذاریم، یک نکته خیلی زود آشکار می‌شود: تنوع پوشاک تقریباً به اندازهٔ تنوع جغرافیایی و اجتماعی منطقه است.

در پاکستان، کتاب Colours of the Indus: Costume and Textiles of Pakistan نوشتهٔ نسرین عسکری و رزمری کریل، که توسط انتشارات M. Holberton با همکاری موزهٔ ویکتوریا و آلبرت در لندن در سال ۱۹۹۷ منتشر شد و هم‌زمان با نمایشگاهی از ۹ اکتبر ۱۹۹۷ تا ۲۹ مارس ۱۹۹۸ در همین موزه ارائه شد [۳]، پوشاک و منسوجات پاکستان را به تفکیک مناطق بررسی می‌کند؛ از سند و بلوچستان تا پنجاب و مناطق شمال‌غربی. این اثر به‌جای

جست‌وجوی یک «لباس پاکستانی واحد»، بر تنوع تاریخی و منطقه‌ای منسوجات و پوشاک تأکید دارد. در بررسی این مجموعه، از انواع گوناگون بافندگی، چاپ پارچه، گلدوزی، لباس، شال، پارچه‌های پنبه‌ای و ابریشمی و شیوه‌های تزئین سخن گفته می‌شود. همین تنوع نشان می‌دهد که پوشاک پاکستان را باید در رابطه با منطقه و جامعهٔ تولیدکنندهٔ آن مطالعه کرد، نه صرفاً با یک عنوان ملی.

همین منطق دربارهٔ ترکیه نیز صادق است. پوشش سنتی آناتولی یک لباس واحد نیست؛ بلکه مجموعه‌ای از نظام‌های پوششی منطقه‌ای است که تحت تأثیر جغرافیا، شیوهٔ زندگی، مواد اولیه، سنت‌های محلی و تاریخ شکل گرفته‌اند. از همین رو، لباس سنتی یک کشور را بهتر است «نقشهٔ فرهنگی» آن کشور بدانیم، نه «یونیفرم ملی» آن.

۲. اقلیم؛ وقتی جغرافیا لباس را طراحی می‌کند

پیش از آنکه لباس به یک نماد فرهنگی تبدیل شود، باید یک نیاز واقعی را پاسخ دهد. سرما، گرما، باد، بارندگی، کوهستان، بیابان و شیوهٔ حرکت انسان‌ها، همه بر شکل لباس تأثیر می‌گذارند. در آسیای مرکزی، این ارتباط را می‌توان به‌خصوص در پوشاک جوامع کوچ‌نشین مشاهده کرد.

در قزاقستان، استفادهٔ تاریخی از پشم، نمد، پوست، چرم و خز با شرایط محیطی استپ و شیوهٔ زندگی کوچ‌نشینی ارتباط داشته است. مواد اولیهٔ لباس از استپ می‌آمدند: پشم گوسفند و شتر، چرم اسب، گاو و بز، خز روباه و گرگ، و نمد دست‌ساز؛ جادهٔ ابریشم نیز بعدها ابریشم، پنبه و فلزکاری را از چین، ایران و بیزانس افزود [۱۹].

در قرقیزستان نیز نمد جایگاه ویژه‌ای دارد. حتی آق‌کالپاک، کلاه سنتی مردان قرقیز، از نمد سفید ساخته می‌شود. یونسکو در سال ۲۰۱۹، در ثبت

این میراث [۴]، نه فقط خود کلاه، بلکه دانش و مهارت‌های نمدمالی، برش، دوخت و گلدوزی آن را مورد توجه قرار داده است [۵].

در ترکمنستان نیز پورتال رسمی دولت این کشور (turkmenistan.gov.tm) نشان می‌دهد که در گذشته برای تولید پوشاک از مواد اولیه‌ای مانند ابریشم (بازشده از پیلۀ کرم ابریشم)، پارچهٔ پنبه‌ای، پشم گوسفند و پشم شتر استفاده می‌شده است [۲۰]. مجموعه‌های موزه‌ای ترکمنستان نیز لباس‌های مناطق مختلف کشور را در بر می‌گیرند و نشان می‌دهند که پوشاک سنتی در ارتباط با منطقه، سن و موقعیت اجتماعی شکل گرفته است [۲۰].

در افغانستان نیز تنوع جغرافیایی و شیوه‌های زندگی روستایی، شهری و کوچ‌نشینی بر پوشش اثر گذاشته است. منابع مردم‌شناختی از استفاده از پنبه، پشم، ابریشم، پوست و دیگر مواد در انواع مختلف پوشاک سخن می‌گویند [۱۸].

بنابراین، لباس سنتی را می‌توان نوعی فناوری بومی نیز دانست؛ فناوری‌ای که پیش از طراحی صنعتی، راه‌حل‌های محلی برای زندگی در محیط‌های متفاوت ارائه می‌کرد.

از ماده اولیه تا لباس

اما اقلیم تنها عامل تعیین‌کننده نیست. مواد اولیه‌ای که یک جامعه در اختیار دارد نیز در شکل‌گیری فرهنگ پوشاک نقش دارند. پنبه، پشم، نمد و ابریشم در بخش بزرگی از منطقهٔ اکو سابقه طولانی دارند. در این میان، ابریشم جایگاه ویژه‌ای دارد، زیرا مرزهای امروزی کشورها نمی‌تواند مسیر تاریخی آن را توضیح دهد.

یونسکو در دسامبر ۲۰۲۲، طی نشست هفدهم کمیتهٔ بین‌دولتی در رباط مراکش، «پرورش کرم ابریشم و تولید سنتی ابریشم برای بافندگی» را به‌عنوان پرونده‌ای هفت‌کشوری در فهرست میراث

فرهنگی ناملموس بشریت ثبت کرد. کشورهای عضو اکو شامل افغانستان، جمهوری آذربایجان، ایران، ترکیه، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان در این پرونده حضور دارند [۸].

طبق تعریف یونسکو، این میراث از نگهداری کرم ابریشم در طول چرخهٔ زندگی و کاشت درختان توت برای تغذیهٔ آن آغاز می‌شود، با بازکردن نخ از پيله و ریسندگی ادامه می‌یابد و به شست‌وشو و رنگرزی نخ می‌رسد. محصول نهایی تنها پارچه نیست؛ قالی، فرش و پرده نیز از این نخ بافته می‌شوند و در مناسبت‌هایی چون عروسی، مراسم سوگواری و گردهمایی‌های خانوادگی به کار می‌روند [۹].

اهمیت این موضوع برای منطقهٔ اکو بسیار فراتر از تولید پارچه است. ابریشم نشان می‌دهد که چگونه ماده اولیه، فناوری، تجارت، پوشاک و تبادل فرهنگی در طول تاریخ از مرزهای سیاسی عبور کرده‌اند. لباسی که امروز آن را متعلق به یک فرهنگ می‌دانیم، ممکن است در تار و پود خود داستانی بسیار بزرگ‌تر از مرزهای یک کشور داشته باشد.

۳. آیین؛ وقتی لباسی از پوششی به مراسم وارد می‌شود

لباس در بسیاری از جوامع زمانی بیشترین اهمیت را پیدا می‌کند که انسان وارد یک «لحظهٔ خاص» از زندگی می‌شود. عروسی، جشن، سوگواری، مراسم مذهبی، جشن‌های ملی و مناسبت‌های خانوادگی، موقعیت‌هایی هستند که در آن‌ها پوشش می‌تواند معنایی متفاوت از لباس روزمره پیدا کند. در تاجیکستان، اطلس و آدراس در مراسم رسمی، جشن‌ها، تعطیلات سنتی، گردهمایی‌های اجتماعی و دیگر مناسبت‌ها پوشیده می‌شوند، و همچنان در مدرسه، محیط کار و خانه نیز کاربرد روزمره دارند [۱۰].

در چَکان، هنر گلدوزی تاجیکستان که یونسکو در

سال ۲۰۱۸ ثبت کرد [۶]، ارتباط لباس و آیین حتی آشکارتر است. در منطقهٔ ختلان، پیراهن چَکان از لباس‌های مهم عروس به شمار می‌رود و داماد نیز کلاهی گِرد به نام «توقی» با گلدوزی چَکان بر سر می‌گذارد. گلدوزی هر نقش چَکان می‌تواند تا دو هفته زمان ببرد [۷]. این لباس‌ها در جشن‌ها و تعطیلات سنتی نیز مورد استفاده قرار می‌گیرند.

در قزاقستان نیز پوشش عروس، به‌ویژه ساوکلِه، جایگاه ویژه‌ای در لباس سنتی داشته است. این سربند مخروطی و نم‌دین با ارتفاع حدود ۷۰ سانتی‌متر، با پارچهٔ گران‌قیمت، گوهر، مروارید و نقره تزئین می‌شود؛ گران‌ترین نمونه‌های آن در گذشته معادل صد اسب ارزش‌گذاری می‌شدند [۱۹].

در افغانستان نیز منابع مردم‌شناختی تأکید می‌کنند که تهیه و پوشیدن لباس جدید برای جشن‌های خانوادگی، مذهبی و فصلی اهمیت داشته است [۱۸].

این نمونه‌ها یک واقعیت مشترک را نشان می‌دهند: لباس در لحظات مهم زندگی، به بخشی از خودِ آیین تبدیل می‌شود.

لباس عروسی؛ جایی که گذشته دوباره ظاهر می‌شود

شاید بتوان لباس عروسی را یکی از بهترین نمونه‌های رابطهٔ میان سنت و زندگی معاصر دانست. انسان مدرن ممکن است در زندگی روزمره لباس کاملاً مدرن بپوشد؛ اما در عروسی، گاهی به سراغ لباس، پارچه یا نقش‌هایی می‌رود که نسل‌های پیش از او نیز استفاده کرده‌اند. چرا؟ زیرا مراسم عروسی فقط یک رویداد شخصی نیست؛ لحظه‌ای است که خانواده، جامعه، گذشته و آینده در یک نقطه به هم می‌رسند.

در تاجیکستان، استفاده از اطلس در لباس عروس

و پیراهن چَکان در جهیزیه، نمونه‌ای روشن از این پیوند است [۷, ۱۰]. در جمهوری آذربایجان نیز کلاغایی سرخ، طبق سنت خواستگاری، پارچه‌ای است که خانوادهٔ داماد پس از دریافت رضایت خانوادهٔ عروس هدیه می‌دهد [۲].

از این رو می‌توان گفت: هرچه یک آیین برای جامعه مهم‌تر باشد، احتمال آنکه لباس در آن نقش نمادین پیدا کند بیشتر است.

۴. میراث واقعی کجاست؟ لباس یا دانشی که پشت آن قرار دارد؟

اینجا شاید مهم‌ترین تغییر نگاه اتفاق می‌افتد: وقتی از «حفظ لباس سنتی» صحبت می‌کنیم، معمولاً ذهنمان به سمت نگهداری یک لباس در موزه می‌رود. اما اگر لباس را از جامعه‌ای که آن را تولید و استفاده می‌کند جدا کنیم، چه چیزی باقی می‌ماند؟ یک شیء.

میراث واقعی ممکن است جای دیگری باشد: در دانش بافنده، دست خیاط، مهارت گلدوز، شیوهٔ رنگرزی، انتخاب نقش، شناخت مواد و رابطهٔ استاد و شاگرد. یونسکو دقیقاً به همین دلیل در بسیاری از پرونده‌های مرتبط با پوشاک، به‌جای ثبت صرف یک شیء، دانش و مهارت تولید آن را ثبت کرده است.

در قرقیزستان، آق‌کالپاک – که در سال ۲۰۱۹ طی نشست چهاردهم کمیتهٔ یونسکو در بوگوتای کلمبیا ثبت شد [۴] – فقط یک کلاه ثبت‌شده نیست؛ مجموعه‌ای از دانش و مهارت‌های نمدمالی، برش، دوخت و گلدوزی است که از طریق زنان صنعتگر، آموزش شفاهی، کارورزی عملی و کارگاه‌های مشترک منتقل می‌شود [۵].

در تاجیکستان، تولید اطلس و آدراس شامل مراحل متعددی از تهیهٔ مواد اولیه تا ریسندگی، رنگرزی

و بافندگی دستی است – کاری که برای تنها ۵۰ سانتی‌متر پارچه تا ۵۰ هزار نخ و گاه تا ۱۰ روز کار یک صنعتگر ماهر لازم دارد [۱۱]. این دانش در خانواده‌ها، مراکز تولید، مدارس و کالج‌ها منتقل می‌شود و یادگیری کامل مهارت بافندگی می‌تواند چند ماه زمان ببرد [۱۰].

در چَکان نیز دختران مهارت را از مادران، مادربزرگ‌ها و خواهران بزرگ‌تر می‌آموزند و نظام استاد–شاگرد نیز در انتقال آن نقش دارد؛ صنعتگران محصولات‌شان را در بازارها و مغازه‌های لباس می‌فروشنند و این کار منبعی مهم برای درآمد مستقل زنان است [۷].

در جمهوری آذربایجان نیز ساخت کلاغایی عمدتاً به شکل خانوادگی و از طریق شاگردی غیررسمی منتقل شده است. هر خانواده حتی می‌تواند ویژگی‌های سبکی و نقش‌های خاص خود را داشته باشد [۲, ۳].

پس: میراث لباس، خود لباس نیست. میراث، دانشی است که امکان تولد دوبارهٔ لباس را فراهم می‌کند.

زنان؛ حافظان بخش بزرگی از میراث پوشاک

در بسیاری از نمونه‌های منطقهٔ اکو، زنان فقط مصرف‌کنندهٔ پوشاک سنتی نیستند؛ آن‌ها حاملان اصلی دانش تولید آن نیز هستند. در قرقیزستان، آق‌کالپاک عمدتاً توسط زنان صنعتگر ساخته و دانش آن نسل به نسل منتقل می‌شود [۵].

در تولید سنتی ابریشم نیز یونسکو به تقسیم دانش و کار میان اعضای جوامع اشاره می‌کند و این فعالیت را بخشی از سنت‌های اجتماعی و اقتصادی جوامع مرتبط با ابریشم می‌داند [۸].

در هنر قالی‌بافی فارس در ایران نیز یونسکو ثبت کرده است که زنان نقش مهمی در طراحی، انتخاب

رنگ و بافت قالی دارند و مهارت‌ها از طریق آموزش عملی و شفاهی منتقل می‌شود؛ مادران دختران را در مهارت‌های مربوط به مواد، ابزار و بافندگی آموزش می‌دهند و مردان نیز در بخش‌هایی مانند پشم‌چینی و آماده‌سازی دار نقش دارند.

این نمونه‌ها نشان می‌دهند که اگر بخواهیم تاریخ پوشاک را بنویسیم، نمی‌توانیم فقط دربارهٔ لباس‌ها بنویسیم. باید دربارهٔ افرادی که آن‌ها را می‌سازند نیز صحبت کنیم.

۵. نسل‌ها؛ آیا نسل جوان لباسی سنتی را کنار گذاشته است؟

یکی از ساده‌ترین و در عین حال نادرست‌ترین روایت‌ها دربارهٔ سنت این است: «نسل جوان دیگر لباس سنتی نمی‌پوشد.» اما واقعیت پیچیده‌تر است. ممکن است نسل جوان لباس سنتی را کمتر از نسل‌های پیش بپوشد، اما این به معنای قطع کامل ارتباط با آن نیست. گاهی لباس سنتی از زندگی روزمره خارج و وارد مراسم می‌شود. گاهی پارچهٔ سنتی باقی می‌ماند اما فرم لباس تغییر می‌کند. گاهی فقط نقش یا رنگ سنتی حفظ می‌شود. و گاهی یک عنصر کوچک، مانند کلاه، گلدوزی یا پارچه، وارد لباس کاملاً معاصر می‌شود. در ازبکستان، پورتال رسمی گردشگری (uzbekistan.travel) نشان می‌دهد که پوشش زنان طی دهه‌های ۱۹۰۰ تا ۱۹۵۰ از پوششی کاملاً بسته به پوششی بازتر با رنگ‌های زنده تغییر کرده است؛ امروز نیز پوشاک سنتی در شهرها بیشتر در مراسم و مناسبت‌های سنتی دیده می‌شود، در حالی که در مناطق روستایی هنوز می‌تواند بخشی از پوشش روزمره و مناسبتی باشد [۲۱].

در تاجیکستان نیز اطلس و آداس همچنان برای بسیاری از زنان نشانه‌ای از هویت فرهنگی به شمار می‌روند [۱۰]. در قزاقستان، سنت «شاپان کیگیزو» – یعنی پوشاندن یا هدیه دادن چپان به‌عنوان نشان احترام – یکی از مهم‌ترین آیین‌های میهمان‌نوازی

ایتالیا، روسیه، قزاقستان و تاجیکستان صادر می‌کند [۱۲].

نمونهٔ بسیار معاصرتری در ترکیه دیده می‌شود: «Antep İşi»، یا گلدوزی نخ‌کشیدهٔ غازی‌آنتپ، در ۱۱ دسامبر ۲۰۲۵، طی نشست بیستم کمیتهٔ یونسکو در دهلی‌نو، با عنوان کامل «Antep İşi, Drawn Thread Embroidery of Gaziantep» در فهرست میراث فرهنگی ناملموس بشریت ثبت شد – سی‌ودومین عنصر ترکیه در فهرست‌های یونسکو [۱۳]. این هنر که سنتاً با نخ سفید روی پارچهٔ سفید انجام می‌شود، تکنیکی چندصدساله است که با کشیدن و بریدن نخ‌های پارچه نقش می‌سازد؛ صنعتگران‌ش آن را «رقص سوزن و نخ» می‌نامند، چراکه در هر نقش به‌اندازهٔ یک نخود، سوزن ممکن است تا نُه بار از یک سوراخ عبور کند. تاریخاً این گلدوزی بخشی از جهیزیهٔ دختران بود و در صندوق‌ها نگهداری می‌شد؛ امروز، در کنار پارچه و نخ سفید، گونه‌های رنگی نیز تولید می‌شوند و این هنر روی لباس و اقلام روزمره کاربرد یافته است [۱۴].

این مثال مهم است، زیرا نشان می‌دهد سنت لزوماً به معنای تکرار عین‌به‌عین گذشته نیست. گاهی سنت زنده می‌ماند، چون امکان تغییر دارد.

قزاقی همچنان زنده است، و طراحان معاصر از چپان، کمزول، گلدوزی و نقش‌های سنتی در طراحی‌های جدید بهره می‌گیرند [۱۹].

پس مسئله این نیست که: «آیا جوانان لباس سنتی می‌پوشند؟» پرسش دقیق‌تر این است: «نسل جوان با میراث پوشاک خود چه می‌کند؟» ممکن است پاسخ این باشد: آن را عیناً تکرار نمی‌کند؛ بلکه بازتعریف می‌کند.

۶. سنت در مد معاصر؛ وقتی گذشته دوباره طراحی می‌شود

رابطهٔ سنت و مد الزاماً رابطه‌ای خصمانه نیست. سنت می‌تواند ماده اولیهٔ طراحی معاصر باشد. یک طراح ممکن است پارچهٔ سنتی را حفظ کند اما فرم لباس را تغییر دهد. ممکن است نقش یک گلدوزی سنتی را روی یک لباس شهری بیاورد. ممکن است از یک کلاه یا سربند قدیمی الهام بگیرد. یا ممکن است یک پارچهٔ سنتی را از لباس رسمی به کیف، کفش، شال یا اکسسوری منتقل کند.

در قزاقستان، منابع به‌شکل مشخص از استفادهٔ طراحان معاصر از عناصر پوشش سنتی در لباس‌های امروزی سخن می‌گویند [۱۹].

در ازبکستان نیز اطلس و آداس نمونه‌ای از استمرار فناوری و زیبایی‌شناسی پارچهٔ سنتی در دورهٔ معاصر هستند. مرکز توسعهٔ صنایع‌دستی مرغلان، که از سال ۲۰۰۷ در شهر مرغلان فرغانه فعالیت می‌کند، در سال ۲۰۱۷ طی نشست دوازدهم کمیتهٔ یونسکو در جزیرهٔ جیجوی کرهٔ جنوبی، در «سیاههٔ شیوه‌های خوب صیانت» یونسکو ثبت شد؛ سیاهه‌ای که – برخلاف فهرست نمایندگی – به‌جای ثبت خودِ عنصر فرهنگی، بر تجربه‌های موفق صیانت تمرکز دارد [۱۲]. این مرکز امروز از طریق آموزش، نمایشگاه و جشنواره، نسل جدید صنعتگران را تربیت می‌کند و محصولاتش را حتی به ترکیه، آمریکا، فرانسه،

ده کشور، ده روایت

افغانستان؛ لباس به مثابه نقشه‌ای از تنوع

افغانستان کشوری کوهستانی در تقاطع امپراتوری‌های تاریخی است و همین موقعیت، جامعه‌ای بسیار متنوع از نظر قومی ساخته: قانون اساسی معلق ۲۰۰۴ به‌طور رسمی ۱۴ قوم را به رسمیت می‌شناخت – پشتون، تاجیک، هزاره، ازبک، ترکمن، بلوچ، پشه‌ای، نورستانی، ایماق، عرب، قرقیز، قزلباش، گوجر، براهویی – و برخی برآوردها تا ۴۶ گروه قومی را ذکر می‌کنند. بیش از ۹۹ درصد جمعیت مسلمان‌اند؛ اکثریت سنی حنفی، و ۱۰ تا ۱۵ درصد شیعه (عمدتاً هزاره‌ها).

پراکندگی جغرافیایی اصلی چنین است: پشتون‌ها عمدتاً در جنوب و جنوب‌شرق؛ تاجیک‌ها در شمال‌شرق، شمال‌غرب و مناطق شهری (از جمله کابل)؛ هزاره‌ها در مرکز کوهستانی (هزاره‌جات)؛ ازبک‌ها در شمال؛ ایماق‌ها در غرب؛ ترکمن‌ها در امتداد مرز ترکمنستان؛ بلوچ‌ها در جنوب‌غرب؛ و نورستانی‌ها و پشه‌ای‌ها در شمال‌شرق کابل. این پراکندگی جغرافیایی مستقیماً در تفاوت مواد اولیه، فرم لباس و شیوه پوشش هر قوم اثر گذاشته است.

پشتون‌ها – بزرگ‌ترین قوم، لباس کوچی‌ها. پشتون‌ها حدود ۴۰ تا ۵۰ درصد جمعیت را تشکیل می‌دهند و در دو سوی خط دیورند (مرز مورد مناقشه افغانستان-پاکستان، ۱۸۹۶) زندگی می‌کنند. نظام اخلاقی «پشتون‌والی» – ناموس، مهمان‌نوازی، شجاعت – بر رفتار اجتماعی آنان حاکم است.

مردان: شلوار گشاد (پرتوگ یا شلوار) با بند کمر، پیراهن تا زانو (کمیض)، جلیقه (وسکت). کلاه‌گرد (خوالی/رخ‌چینه) که معمولاً عمامه (پگری/لونگی)



دور آن پیچیده می‌شود؛ در جنوب افغانستان کلاه‌ها اغلب جلوبازند، به تقلید از کلاه‌های بلوچی. یک پتوی مستطیلی بزرگ (چادر نازک یا پتوی ضخیم) روی یک یا هر دو شانه انداخته می‌شود که هم‌زمان کاربرد گرمایشی، سجاده و زیرانداز دارد.

زنان: شلوار (پرتوگ)، پیراهن آستین‌بلند با دامن پرچین (کمیض) – معمولاً به رنگی متضاد با شلوار (رایج‌ترین رنگ شلوار: سبز میانه) – جلیقه، و پوشش سر (شال/چادر). لباس‌های جشن از ابریشم یا مخمل، اغلب قرمز پررنگ؛ در تابستان، پارچه‌های چایی نخی و رایون با رنگ‌های روشن ترجیح داده می‌شود. ویژگی متمایز لباس پشتون – چه شهری چه کوچی – پانل‌های منجوق‌دوزی روی شانه‌ها و خط اتصال بالاتنه و دامن است. مدال‌های نم‌دین گلدوزی‌شده به نام «گل پیراهن» روی شانه، سینه و کمر دوخته می‌شوند که نمادهای شگون، برکت و باروری دارند و همیشه جفت‌جفت به کار می‌روند.

کوچی‌ها (عمدتاً پشتون‌های عشایری): مردان شلوار و پیراهن سفید تا زانو با کلاه و عمامه بزرگ سفید؛ لباسی خاص به نام «کوسای» – پالتوی نم‌دین با آستین‌های بلند و توخالی که در جنوب افغانستان رایج بوده. زنان کوچی رنگ‌های تیره‌تر می‌پوشند؛ لباس‌هایشان آستین و دامن بسیار پهن‌تر دارد و لبه بالاتنه، دامن و آستین با نوارهای فلزی دوخته‌شده تزئین می‌شود؛ طلسم، آویز و منگوله نیز به آن اضافه می‌شود.

تاجیک‌ها – پوشش ساده‌تر، تأکید بر پارچه نه گلدوزی. تاجیک‌ها (فارسی/دری‌زبان، غیرپشتون و غیرهزاره) عمدتاً در شمال‌شرق، غرب و مراکز شهری زندگی می‌کنند.

مردان: شلوار (تنبان) با بند، پیراهن تا زانو (پیرهن/کمیض)، کلاه گلدوزی‌شده (کلاه).

زنان: شلوار با پاچه راست از اطلس، نخ یا مواد مصنوعی سفید یا پاستلی؛ پیراهن آستین‌بلند و

دامن نسبتاً بلند. برخلاف بسیاری از اقوام دیگر، لباس زنان تاجیک معمولاً با گلدوزی یا حاشیه فلزی تزئین نمی‌شود؛ در عوض تأکید روی خود پارچه است – بافته یا چاپ‌شده با طرح‌های هندسی و گلدار. زنان تاجیک معمولاً یا چادری (بورقع) کاملاً فراگیر می‌پوشند یا چادر – پارچه‌ای حدود دو متری از زرژرت یا گاز که با تور، قلاب‌بافی یا سوزن‌دوزی حاشیه‌دوزی می‌شود. آنان موهایشان را به رشته‌های متعدد می‌بافند و در کیسه‌ای گلدوزی‌شده (کیسه گیس) نگه می‌دارند. در برخی مناطق شمالی، زنان تاجیک لباسی شبیه ازبک‌ها می‌پوشند: شلوار تنگ ایکات و پیراهن ایکات براق.



هزاره‌ها – میراث مغولی، مذهب شیعه، پارچه بَرک. هزاره‌ها ادعا می‌کنند از سپاه مغول قرن سیزدهم نسل می‌برند – زبان فارسی‌شان هنوز واژه‌های مغولی دارد. آنان زمانی بخش بزرگ‌تری از کشور را در اختیار داشتند اما قرن‌ها توسط پشتون‌ها به کوهستان‌های مرکزی (هزاره‌جات) رانده شدند. اکثریت هزاره‌ها شیعه‌اند – تفاوتی که آنان را از اکثریت سنی سایر اقوام افغانستان جدا می‌کند.

سیاه (تلپک). نسخهٔ گران‌قیمت‌تر و کوچک‌تر آن، «قره‌قلی» (پوست برهٔ آستراخان) است – همان کلاهی که حامد کرزی (رئیس‌جمهور پیشین افغانستان) آن را مشهور کرد.

زنان: شلوار زیرین (بلاق)، پیراهن (کوپنک)، پوشش سر. برخی گروه‌ها روبند (باشماق)، کمربند (سال قوساق/بیل قوساک)، کت داخلی (چابیت یا کورته) و برای بیرون، کت دوم (چیرپی) نیز می‌پوشند. ویژگی برجستهٔ لباس زنان ترکمن، حجم زیورآلات نقره‌ای – و اخیراً طلایی – است که روی سر، جلو و پشت بالاتنه و روی بازو و دست پوشیده می‌شود و به‌وضوح جایگاه اجتماعی-اقتصادی فرد را نشان می‌دهد.

عنصر مهم دیگر، طلسم است – برای مردان، زنان و کودکان: تکه‌پارچه‌ای حاوی متنی از قرآن که به لباس دوخته می‌شود، یا آویزهای فلزی با شکل یا نوشتهٔ خاص؛ هدف، محافظت در برابر



ترکمن‌ها – جواهرات نقره، طلسم و کلاه قره‌قلی. ترکمن‌ها به شاخه‌ای از ترکی عُز غربی سخن می‌گویند و در امتداد مرز ترکمنستان زندگی می‌کنند.

مردان: شلوار گشاد نخ (بلاق)، پیراهن (کوپنک)، روی آن قبای آستین‌تنگ (دون) از ابریشم راه‌راه که با کمربند (قوساق) بسته می‌شود. کلاه‌گرد کوچک (بورک)، گاه با عمامه یا کلاه استوانه‌ای پوست برهٔ

گردن می‌سازد. در گذشته برخی زنان هزاره صورت را با روبند می‌پوشاندند. لباس‌های امروزی معمولاً آستین‌های تنگ دارند و تا زانو یا وسط ساق می‌رسند؛ در مراسم‌ها و جشن‌ها، همین مدل پیراهن را از مخمل بنفش، و گاه قرمز، می‌دوزند و می‌پوشند.

ازبک‌ها – ایکات و گلدوزی، دو سبک متفاوت زنانه. ازبک‌ها ترک‌تبار آسیای مرکزی‌اند و عمدتاً در شمال افغانستان زندگی می‌کنند. ویژگی مشخصهٔ پوشاک ازبکی – چه مردانه چه زنانه – استفاده از پارچهٔ ایکات و گلدوزی است.

مردان (سنتی): شلوار و تونیک بلند نخ که پاچه و سرآستین‌شان گلدوزی می‌شد؛ روی آن یک یا چند قبا (چپان)، اغلب از ایکات، پوشیده می‌شد که تا زیر زانو می‌رسید تا بخش تزئین‌شدهٔ شلوار نمایان بماند؛ چپان بیرونی با کمربند بسته می‌شد. کلاه‌گرد نوکتیز به‌همراه عمامهٔ سفید کامل می‌شد. لباس مدرن ازبک عمدتاً غربی است، اما در مناسبت‌ها همچنان کت ایکات یا گلدوزی‌شده روی شلوار و پیراهن پوشیده می‌شود؛ کلاه‌گرد نوکتیز سنتی هنوز با گلدوزی مشخص می‌شود.

زنان: دو سبک اصلی وجود دارد. نوع اول: شلوار ایکات و پیراهن ایکات؛ دختران کلاه کوچکی (اغلب مخملی) می‌پوشند، و سربند زن شوهردار پیچیده‌تر است – روسری یا کلاهی پوشیده‌شده با شال بزرگ سفید یا کمرنگ. در مناسبت‌ها، کتی از ایکات یا پارچهٔ سادهٔ گلدوزی‌شده روی پیراهن پوشیده می‌شود. نوع دوم، محافظه‌کارانه‌تر: شلوار گشاد و پیراهنی پهن با گلدوزی گل‌های رنگارنگ بزرگ، همراه با کت جلو باز و کمردار؛ روی آن، کتی بلند با آستین‌های کاذب که از شانه آویزان می‌شود؛ شال بزرگ (چادر) سر و بدن را می‌پوشاند.

مردان: شلوار (در گذشته از «بَرک»، پارچهٔ پشمی مخصوصی که هزاره‌ها به خاطرش شهرت داشتند)، پیراهن نخ (کمیض/پیرهن)، پالتو یا قبا (نوعی از چوغای هندی-شمالی)، و از اواسط قرن بیستم، کلاه گلدوزی‌شده؛ پیش‌تر کلاهی ساده با حاشیهٔ خزدار می‌پوشیدند. کمربند پارچه‌ای (کمری) دور کمر بسته می‌شود؛ ممکن است عمامه (لونگوتِه) روی کلاه و بسته به فصل، شال نخ یا پشمی نمدی (سال-ای هزارگی) روی شانه ببندازند. جوراب‌های بافتنی رنگارنگ نیز رایج است.

زنان: شلوار، پیراهن تا ساق پا با آستین بلند و پُرچین، بسیار گشاد در کمر، به‌همراه پوشش سر. گاه جلیقه‌ای با دکمه، منجوق، سکهٔ نقره و صدف تزئین می‌شود. روسری گاه به شکل بالشتکی صاف روی سر تا می‌شود و انتهایش نوعی حجاب پشت



چشم‌زخم، بیماری و ارواح خبیث است.

بلوچ‌ها – گلدوزی چهارتکه و کلاه آینه‌کاری‌شده. بلوچ‌ها در جنوب افغانستان نزدیک مرزهای ایران و پاکستان زندگی می‌کنند و در دورهٔ میانه از شمال‌غرب ایران به این منطقه مهاجرت کرده‌اند؛ بسیاری هنوز کوچ‌نشین یا نیمه‌کوچ‌نشین‌اند. مردان (تاریخی): پیراهن بلند سفید یا نیلی (جامه) دکمه‌شده روی شانهٔ راست، رویش «گُرتی» – ردای نخی هندی‌تبار، چین‌دار در کمر. امروز پوشش اصلی «شلوار کمیض» رایج در افغانستان و پاکستان است، با شال بزرگ نخی روی شانه (پُشتی)؛ در هوای سرد، قبا، جلیقه (صدری) و پتوی پشمی (سال) اضافه می‌شود. کلاه (توپِی) با گلدوزی ابریشمی یا نخی ظریف، گاه با آینه‌های کوچک (شیشه)، و جلوی کلاه به‌گونه‌ای شکل می‌گیرد که پیشانی هنگام سجده (چون بلوچ‌ها سنی‌اند) به زمین برسد – کلاه مشابه در قندهار (پشتون‌ها) نیز پوشیده می‌شود. عمامهٔ بلوچی (پگ/لونگی) با پیچ‌های متعدد و بزرگ بسته می‌شود، ظاهری متفاوت از عمامهٔ پشتون.

زنان: شلوار بلند تا مچ پا (شلوار)، پیراهن گشاد تا مچ پا (پسک)، و شال یا روپوش بزرگ (چادر). ویژگی مشخص لباس زنان بلوچ، گلدوزی چهارپانلی است: یقهٔ بزرگ روی سینه، دو پانل روی سرآستین، و جیب مستطیلی باریک از کمر تا لبهٔ دامن – که در گذشته کاملاً دستی بود و امروز عمدتاً ماشینی.

نورستانی‌ها – از «سیاه‌پوش» تا کلاه پکول. منطقهٔ کوهستانی نورستان، شرق کابل، پیش‌تر «کافرستان» نام داشت؛ نامش به «نورستان» (سرزمین نور) تغییر کرد وقتی ساکنانش در اواخر قرن نوزدهم به اسلام گرویدند. کوهستانی‌بودن و سرمای شدید زمستان، بر شکل پوشش این قوم اثر مستقیم گذاشته است.

مردان (تاریخی): پوستین بز با پشم سیاه رو به بیرون – از همین‌جا لقب «سیاه‌پوش» گرفتند؛ برخی شلوار پشمی سفید تا زیر زانو با پاپیچ

سیاه شبیه پوتین می‌پوشیدند، و روی این‌ها تونیک بلندی با کمربند نقره‌کوب. امروز عمدتاً شلوار کمیض محلی یا لباس غربی رایج است. ویژگی متمایز پوشش نورستانی امروز، کلاه «پکول» (یا کلاه چترالی/نورستانی) است – کلاهی پشمی نم‌دین با تاجی صاف و لبه‌ای تاشده. این کلاه در دههٔ ۱۹۶۰ میان غربی‌های مقیم افغانستان بسیار محبوب شد.

زنان (تاریخی): شلوار و پیراهنی با بازشدگی جلوی گردن، اغلب از ابریشم یا نخ تیره، با گلدوزی نخ فلزی دور یقه. زنان نورستانی امروز پیراهنی کم‌ردار



با یقه می‌پوشند – ویژگی‌ای استثنایی در پوشاک افغانستان – همراه با شلوار هم‌رنگ، گاه با گلدوزی روی سرآستین، و چادر یا چادری بزرگ.

ایماق‌ها – رنگ‌های روشن در غرب کشور. ایماق‌ها گروه‌های فارسی‌زبان سنی نیمه‌کوچ‌نشین و یکجانشین غرب افغانستان‌اند (از جمله طایفهٔ تیموری)، با اقتصادی مبتنی بر دامداری، قالی‌بافی و فرهنگ عشایری. زنان ایماق لباس‌های به‌شدت رنگارنگ می‌پوشند و آزادی اجتماعی نسبتاً بیشتری نسبت به بسیاری از زنان روستایی افغانستان دارند؛ مردان شنل و کلاه گرد می‌پوشند.

گلدوزی؛ زبان مشترک

با اینکه هر قوم افغانستان سبک گلدوزی خاص خود را دارد، خود هنر گلدوزی رشته‌ای است که تقریباً همهٔ آنان را به هم پیوند می‌دهد. تولید گلدوزی عمدتاً کار دختران و زنان در خانه است؛ از اواخر قرن بیستم، گلدوزی ماشینی در کارگاه‌های خیاطی نیز به‌دست مردان رایج شد. از این هنر برای تزئین لوازم خانه (رومیزی، حوله، پرده)، یراق اسب، و پوشاک مردان و زنان استفاده می‌شود – هرچند لباس زنان معمولاً پرکارتر و رنگارنگ‌تر است.

مشهورترین گلدوزی مردانه، «خمک» قندهار است – گلدوزی سفید ظریف با کوک ساتن روی پارچهٔ نخی یا ابریشمی سفید، که سنتاً از پشت پارچه دوخته می‌شود تا رو و پشت کار یکسان به‌نظر برسد؛ گونه‌های مشابه در هرات و میان نورستانی‌ها نیز دیده می‌شود و با گلدوزی «چیکن‌کاری» لکهنوی هند شمالی قابل مقایسه است.

کلاه‌های کوچک مردانه، زنانه و کودکانه یکی از رایج‌ترین محل‌های استفادهٔ گلدوزی است؛ هر قوم – حتی هر روستا – سبک، نقش و رنگ خاص خود را دارد. نقش‌مایه‌ها شامل خورشید و ستاره، اشکال هندسی (دایره، مربع، گل‌سرخی، نقش یونانی)، عناصر گیاهی (برگ بادام، ساقهٔ

خریزه، انار، گل لاله و فلفل – نماد باروری)، و عناصر جانوری (شاخ قوچ، دم شیر) است؛ گاه اشیائی مانند طلسم یا قوری هم به کار می‌رود.

زنان پشتون و بلوچ آینه‌های کوچک (شیشه) نیز در گلدوزی به کار می‌برند – ایده‌ای که ریشه در شمال هند دارد.

چادری/بورقع – پوشش، حفاظت، و نماد جهانی چادری (یا بورقع) افغانستان یکی از محدود پوشاک‌هایی است که به نماد جهانی بدل شده – مانند کilt اسکاتلندی یا کیمونوی ژاپنی. زنان مسلمان در پاکستان و شمال هند بیش از ۴۰۰ سال است این‌گونه لباس را می‌پوشند؛ نسخهٔ افغانستانی نزدیک به آن، حدود ۲۰۰ سال قدمت دارد و ریشه در رسم پوشاندن کامل زن در انتظار عمومی دارد؛ نپوشیدن آن، نشانهٔ کمبود آبرو و منزلت خانواده تلقی می‌شد.

از نظر فنی، «بورقع» پاکستانی – کلاه، بخش شنل‌مانند با توری چشم، و پانلی جداگانه پایین جلو – با «چادری» افغانستانی که چین‌های فشرده و منظم دارد و پانل توری چشم مستقیماً به کلاه متصل است (بدون پانل جداگانه)، تفاوت فنی دارد.





لنکران، شکی – که هرکدام اقتصاد و بازار پارچهٔ خودشان را داشتند؛ اما این تفاوت‌ها عمدتاً در نوع پارچه و تزئین بود، نه در برش و فرم اصلی لباس.

مردان – یکدستی نسبی در سراسر کشور. برخلاف زنان، لباس مردانه در تقریباً همهٔ مناطق جمهوری آذربایجان شبیه هم بود و عمدتاً جایگاه طبقاتی فرد را نشان می‌داد، نه منطقهٔ او. لایه‌های پوشش مردانه از داخل به بیرون: پیراهن ساده (اوست‌کۆینک یا چپکن) از کرباس درشت، سفید یا آبی‌تیره؛ رویش «آرخالیق» – جلیقه یا نیم‌تنهٔ بلند و چسبان با چین در کمر، از ابریشم، ساتن، کشمیر یا مخمل بسته به جایگاه اجتماعی صاحبش؛ روی آن «چوخا» – ردای شانه‌دوز با چین‌های عمودی که در کمر جدا می‌شود (لباسی مشترک با گرجستان، چین و داغستان در سراسر قفقاز)، از پارچهٔ ضخیم یا تیرمه؛ در قرن هجدهم، «آبا» (ردایی از پشم یا ابریشم) عمدتاً مختص ملاها و بزرگان بود؛ و برای زمستان، «کورک» – پوستین گوسفندی تا مچ پا. پاپاق – کلاه پوست بره یا قره‌قل – مهم‌ترین نشانهٔ هویت مردانه بود: نماد استواری، ناموس و کرامت مرد. از دست دادن پاپاق ننگ محسوب می‌شد؛ دزدیدن آن، عملی خصمانه علیه صاحبش بود؛ و به‌زمین‌زدنش، توهینی بزرگ. شکل پاپاق طبقهٔ اجتماعی صاحبش را نشان می‌داد: «موتال پاپاق» (پاپاق چوپان) – مخروطی، از پشم بلند برهٔ ساده، برای عوام؛ «شیش پاپاق» (پاپاق بیگ) – مخروطی یا نوک‌تیز، از پوست وارداتی بخارا، مخصوص بیگ‌ها و ثروتمندان؛ و «داغا پاپاق» – با تاج مخملی، رایج در ناحیهٔ نوخا (شکی امروزی). مردان تقریباً هرگز پاپاق را از سر بر نمی‌داشتند – جز پیش از نماز – و ظاهرشدن بدون پوشش سر در انظار عمومی نامناسب تلقی می‌شد. زیر پاپاق، کلاhek کوچک «آراخچین» پوشیده می‌شد؛ برای سفر و زمستان، «باشلیق» (کلاهی با دو نوار بلند دور گردن) از پشم یا شتر (باشلیق پشم شتر در شیروان بسیار باارزش بود) با آستر ابریشمی رنگی استفاده می‌شد.

در دوران طالبان (۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱)، پوشیدن چادری برای زنان شهری، از یک رسم اجتماعی به الزامی قانونی با مجازات تبدیل شد.

لباس عروسی – رنگ‌ها و معنای آن‌ها

مهمانان عروسی افغان معمولاً لباس نو با فرم سنتی می‌پوشند؛ مهمانان زن تمام زیورآلات خود را به تن می‌کنند. عروس‌ها سنتاً قرمز یا سبز می‌پوشند، هرچند بسیاری از عروس‌های امروزی لباس سفید به‌سبک غربی را ترجیح می‌دهند. رنگ حاشیهٔ تزئینی روی شلوار عروس باید با حاشیهٔ لباس و پوشش سر هماهنگ باشد. عروس و داماد اغلب چند بار در طول روز عروسی لباس عوض می‌کنند – گاه لباس سفید غربی به لباس قومی سنتی تعویض می‌شود. در کابل و شهرهای بزرگ، جشن‌ها در تالارهای عروسی با گاه بیش از هزار مهمان برگزار می‌شود؛ مردان و زنان در سالن‌های جداگانه می‌نشینند.

جمهوری آذربایجان؛ یک قوم، ده منطقه، چند اقلیت

جمهوری آذربایجان برخلاف افغانستان از نظر قومی نسبتاً یک‌دست است: طبق سرشماری ۲۰۱۹، ۹۴/۸ درصد جمعیت آذری‌ترک‌اند و اکثریت قاطع آنان شیعه‌مذهب‌اند – تفاوتی مهم که پوشاک و آیین‌های جمهوری آذربایجان را از همسایهٔ ترکیهٔ سنی‌مذهب متمایز می‌کند. اما همین درصد کوچک باقی‌مانده، تنوعی واقعی می‌سازد: لزگی‌ها (۱/۷٪، شمال، مرز داغستان روسیه)، تالش‌ها (۰/۹٪، جنوب، مرز ایران)، آوارها (۰/۵٪)، و گروه‌های کوچک‌تری چون تسآخورها، اودی‌ها، تات‌ها، کردها و یهودیان کوهستان.

نکتهٔ کلیدی دربارهٔ پوشاک سنتی جمهوری آذربایجان این است: تفاوت منطقه‌ای عمدتاً در لباس زنان دیده می‌شود، نه مردان. این تفاوت ریشه در دوران خانات مستقل قرن هجدهم دارد – باکو، قوبا، شاماخی، قره‌باغ، نخجوان، گنجه،

آوارها و تسآخورها (شمال، پیوند زبانی و فرهنگی با داغستان) و اودی‌ها (روستای نیچ) نیز هرکدام سنت پوشش محلی خود را دارند که عمدتاً در قالب لباس‌های فولکلوریک محلی امروز باقی مانده است.



ابريشم – پایهٔ اقتصادی این تنوع. از قرن هفدهم، جمهوری آذربایجان بزرگ‌ترین تولیدکنندهٔ ابریشم خاورمیانه بود. ولایت شیروان بزرگ‌ترین منطقهٔ نوغان‌داری بود؛ شاماخی، باسقال، گنجه، شکی و شوشا نیز از دیگر کانون‌های مهم بودند. از میان پارچه‌های تولیدی و صادراتی می‌توان به زربفت، خارا، ساتن، تافته، قانوویز، مخمل، دارایی، ماهوت، شال، تیرمه، میدقال و بز اشاره کرد – تنوعی که به‌خوبی توضیح می‌دهد چرا لباس هر منطقه ظاهر متفاوتی داشت، با اینکه اقتصاد نساجی مشترکی پشت همهٔ آنان بود.

لباس عروسی – رنگ قرمز و نماد آن

رنگ قرمز در فرهنگ آذربایجانی نماد برکت و خوشبختی است؛ به همین دلیل، عروس‌ها سنتاً جامهٔ عروسی سرخ می‌پوشیدند. امروز، در باکو، بسیاری از عروس‌ها لباس سفید (تحت تأثیر غرب) می‌پوشند اما کمربندی از ابریشم قرمز دور کمر می‌بندند – ترکیبی از سنت و مدرنیته که رنگ نمادین را حفظ می‌کند حتی زمانی که فرم لباس تغییر کرده است.

اقلیت‌های قومی – پوشش‌هایی که «آذری» نیستند. پوشاک جمهوری آذربایجان تنها به آذری‌ها محدود نمی‌شود:

لزگی‌ها (شمال، مرز داغستان، جامعهٔ ایلی-برابری‌خواه به نام «جاماعت»): زنان لباس‌های پررنگ با یقه و لبهٔ آستین به‌شدت گلدوزی‌شده می‌پوشند؛ پوشش مردانه شامل کت‌های بلند و کلاه‌هایی با پوست یا پشم حیوانی است – بازتابی از اقلیم سخت کوهستانی.

تالش‌ها (جنوب، مرز ایران، قومی ایرانی‌تبار): رسم متمایزی در بستن روسری دارند – روسری هم دور کمر بسته می‌شود (باوری عامیانه: محافظت از اندام‌های تولیدمثلی زن در برابر سرما) و هم روی سر؛ زنان مسن‌تر معمولاً موی خود را کامل می‌پوشانند، در حالی که زنان جوان‌تر جلوی سر را باز می‌گذارند و آن قسمت را به شیوه‌ای خاص می‌آرایند.

در حالت عمومی نسبتاً ساده توصیف شده، اما لباس طبقات اشرافی و مرفه شهر ظرافت و تجملی خاص خود را نشان می‌داد – طیفی از سادگی روستایی تا پرداخت مجلل درباری، برخلاف تصویر یکدست «دامن بلند». پیراهن‌های زنانهٔ شاماخی نیز، مانند شوشا، بلندتر از نمونه‌های نخجوانی بافته می‌شدند.

• گنجه: رنگ‌های تند و پررنگ، گلدوزی سنگین، مخمل، به‌واسطهٔ تجارت با نقش‌های الهام‌گرفته از ایران.

• شکی: کانون تولید ابریشم – لباس‌ها سبک‌تر، با ابریشم دست‌بافت درخشان و نخ طلا.

پوشش کلی زنانه شامل پیراهن آستین‌گشاد، شلوار گشاد تا مچ پا، و پیراهن زنگوله‌ای هم‌قد آن بود. رویش «آرخالیق» یا «کولجه» بافته‌شده با آستین بلند، چسبان در پشت و سینه با شکاف پهن جلو، و کمربند تنگ می‌بستند. در هوای سرد، جلیقهٔ لایی‌دار بدون آستین پوشیده می‌شد. «باحاری» – لباس بالاتنهٔ لایی‌دار زمستانی با کمر چسبان و پایین گشاد و آستین آرنجی – مخصوص باکو، قره‌باغ و لنکران بود.

نکتهٔ جالب دربارهٔ تزئین: سکه‌های طلایی که به لبهٔ دامن و یقه دوخته می‌شدند، تزئین صرف نبودند – در صورت نیاز، همان سکه‌ها قابل خرج‌کردن بودند؛ یعنی لباس زنانه گاه نوعی «پس‌انداز قابل‌حمل» هم بود. جواهرات شامل دانه‌های طلا و نقره، دکمه‌هایی به شکل دانهٔ جو، سکه، آویز و گردنبند بود؛ زنان جوان برخلاف زنان مسن‌تر لباس‌های روشن با گل‌های تند می‌پوشیدند. برای بیرون از خانه، «چادرا» (روپوش بلند) و «روبند» (نقاب صورت) پوشیده می‌شد. از میان همهٔ عناصر پوشش زنانه، کلاغایی – که پیش‌تر به‌تفصیل به آن پرداختیم – تنها موردی بود که در سراسر مناطق مشترک بود، هرچند رنگ و نقشش می‌توانست بین شکی و باسقال تفاوت داشته باشد.

زنان – نقشهٔ منطقه‌ای واقعی. اینجاست که جغرافیا و تاریخ خانات، لباس را واقعاً متفاوت می‌کند:

• قازاخ (شمال‌غرب): پیراهن بلند با شکاف‌های جانبی.

• قره‌باغ: «چپکن» چسبان با آستین بلند و کمر باریک؛ در اواخر قرن نوزدهم، یقهٔ ایستاده به سبک «نوقای یاخا» با گالون و گلدوزی، حاشیه‌شده با سکه‌های نقره و طلا؛ «پوللو چپکن» (چپکن سکه‌دوز) با سطحی پوشیده از سکه. طرح‌ها ظریف‌تر با گلدوزی طلایی و رنگ‌های ملایم‌تر.

• نخجوان: به‌دلیل اقلیم سخت (سرماي شدید و گرمای شدید)، شلوار گشاد و دامن تا زانو از پشم و نمد؛ زنان مرفهٔ نخجوان و گنجه اغلب «کولجه»‌های بلند با گلدوزی غنی می‌پوشیدند.

• شوشا: این شهر که مرکز فرهنگی خانات قره‌باغ بود، از قرن هجدهم به تولید طرح‌های خاص خود دست زد و در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم به کانون مد پوشاک آذربایجانی تبدیل شد؛ اصطلاحاتی چون «آرخالیق کوتاه قره‌باغ»، «کفش قالا» و «کلاه‌های قره‌باغ» از همین دوره به یادگار مانده‌اند. پیراهن‌های زنانهٔ شوشا برخلاف نخجوان (که کوتاه و تا زانو بود) بلند بافته می‌شدند، ویژگی‌ای که شوشا و شاماخی را از نخجوان متمایز می‌کرد. از میان پوشش‌های رایج زنانهٔ قره‌باغ، «کوردو» – جلیقه‌ای بدون آستین و اغلب لایی‌دار یا پوست‌دار – به همراه «کولجه» (دامن چین‌دار) در کنار پیراهن و چپکن پوشیده می‌شد. شوشا در کنار باکو، گنجه، شاماخی، شکی و نخجوان همچنین یکی از مراکز مهم جواهرسازی جمهوری آذربایجان بود.

• شاماخی: به‌عنوان مرکز ولایت شیروان، شاماخی یکی از بزرگ‌ترین کانون‌های تولید ابریشم و کلاغایی بود. پوشاک ملی شاماخی

لرها و بختیاری‌ها – چوقای راه‌راه و کوچ فصلی. لرها و بختیاری‌ها در لرستان، چهارمحال‌وبختیاری، کهگیلویه‌وبویراحمد و بخش‌هایی از خوزستان و اصفهان پراکنده‌اند؛ بختیاری‌ها خود به دو شاخهٔ چهارلنگ و هفت‌لنگ تقسیم می‌شوند و لباسشان بین فصل تابستان و زمستان (بسته به مسیر کوچ از دشت خوزستان تا ییلاق چهارمحال) تغییر می‌کند.

عنصر متمایز لباس مردانهٔ لری، «چوقا» است – ردایی راست، بی‌آستین، تا زانو، از پشم سفید طبیعی با راه‌راه‌های نیلی عمودی؛ امروز اغلب روی کت غربی پوشیده می‌شود. مردان بختیاری شلوار گشاد و تیره (دَبیت) با کمربندی از پارچهٔ سفید پیچیده دور کمر می‌پوشند – در چین‌های همین کمربند، اشیای باارزش مثل چاقو و پیپ حمل می‌شود؛ کلاه نم‌دینِ گرد (کُلاه نم‌دی) بدون لبه کامل‌کنندهٔ پوشش است. بختیاری‌های مرفه کلاه‌های کُرکی بلندتر («خسروی») و چوقای «کیارسی» می‌پوشیدند؛ طبقات کم‌درآمدتر از مواد ساده‌تر استفاده می‌کردند – نشانی دیگر از اینکه لباس، جایگاه اجتماعی را روایت می‌کند. کفش سنتی از نوع «گیوهٔ ملکی» با نوک چرمی خمیده به بالاست.

زنان لر و بختیاری دامن‌های لایه‌لایهٔ رنگارنگ (تا ۸ تا ۱۰ متر پارچه فقط برای حاشیهٔ مخملی یک دامن) با جلیقهٔ هم‌رنگ و روسری بلند گلدوزی‌شده می‌پوشند؛ بازوبند با منجوق رنگی – عمدتاً برای عروسی – تزئین می‌شود. زنان مسن‌تر لباس تیره‌تری به‌نشانهٔ احترام به سن خود می‌پوشند.



کردها – یک زبان، چند لهجهٔ پوششی. کردهای ایران در چهار منطقهٔ اصلی زندگی می‌کنند – کردستان، کرمانشاه، آذربایجان غربی، و جیبی کوچک در خراسان شمالی (قوچان) – و لباسشان در هرکدام کمی متفاوت است.

مردان (کردستان، کرمانشاه، آذربایجان غربی): پیراهن یقه‌گرد (کراس) با سرآستین گشاد (سورانی)؛ روی آن جلیقهٔ دکمه‌دار به‌سبک نظامی (کاوا) یا نسخهٔ بی‌دکمهٔ آن (چوکا)؛ شلوار گشاد که در مچ تنگ می‌شود (پانتول) – هرچه از مهاباد به سمت کرمانشاه برویم، گشادی پایین شلوار کمتر می‌شود. کمربند پارچه‌ای عریض (پشتند، ۶۰ تا ۷۰ سانتی‌متر پهنا و ۳ تا ۴ متر طول) دولا تا شده و از کمر تا سینه پیچیده می‌شود. پوشش سر: عمامه (پِچ) ۲ تا ۳ متری پیچیده‌شده دور کلاهک (کلاو).

زنان: پیراهن بلند رنگارنگ (کراس)، شال یا روسری بزرگ (کلاغی) – همان واژه‌ای که در آذربایجان به کلاغایی معروف است؛ در کردستان به روسری ابریشمی بزرگ زنانه و گاه مردانه اطلاق می‌شود)، جلیقهٔ مشکی گاه با پولک و سکه‌های طلای کوچک. زنان مسن‌تر رنگ‌های تیره‌تر (آبی مخملی، پارچهٔ چاپی زمینه‌تیره) می‌پوشند و شالی گل‌دار تیره روی شانه می‌اندازند.

تنوع منطقه‌ای دقیق‌تر: در قوچان (خراسان شمالی، دور از کردستان اصلی)، کردهای کرمانج پیراهن قرمز ساتنی با نوار گلدوزی‌شده دور یقه و سرآستین می‌پوشند و شلوارشان به‌جای پانتول کردستان، سادهٔ مشکی است. در همان منطقه، طایفهٔ لاینی، دو روسری بزرگ (یکی قرمز روی یکی مشکی) با نوار نقره‌کوب زیر چانه می‌بندند و ژاکتشان (کولاجا) از ابریشم با سکه‌های دوخته‌شده روی سینه است. کلاه‌های مردانهٔ داراغز (نزدیک ازبکستان و ترکمنستان) بیضی‌شکل و پوست‌بره‌ای‌اند یا از پارچهٔ سیاه/مخمل با حاشیهٔ پوست بره تزئین می‌شوند.

ایران؛ فسیفسای پوشاک یک فلات

ایران احتمالاً پیچیده‌ترین کشور این فصل از نظر پوشاک است – نه فقط به‌خاطر تعداد اقوام، بلکه به‌خاطر یک رویداد تاریخی مشخص که مسیر همهٔ آنان را تغییر داد: در سال ۱۳۰۷ (۱۹۲۸)، رضاشاه پوشش قومی و ایلی را برای مردان ممنوع کرد و لباس یکسان سبک اروپایی (کت، شلوار، کلاه) را اجباری ساخت – قانونی که تا سقوطش در ۱۳۲۰ (۱۹۴۱) پابرجا بود. پیامد این ممنوعیت را در سراسر ایران می‌بینیم: بسیاری از لباس‌های روزمرهٔ پیشین ایلی (مثل چوقای قشقایی) به «لباس آیینی و مناسبتی» تبدیل شدند، درست همان الگویی که در بخش‌های پیشین دربارهٔ «سنت در برابر مد» گفتیم – با این تفاوت که در ایران، این گذار یک علت مشخص و مستند تاریخی دارد.

از نظر مذهبی نیز نکتهٔ مهمی هست: اکثریت ایرانیان شیعه‌اند، اما بخش قابل‌توجهی از اقوام حاشیه‌ای – کردها، بلوچ‌ها، بخشی از ترکمن‌ها – سنی‌مذهب‌اند؛ این تفاوت مذهبی گاه در جزئیات پوشش (مثل الگوهای رنگ در مراسم) اثر می‌گذارد.

آذری‌های ایران – همسایهٔ نزدیک جمهوری آذربایجان، اما نه یکسان. آذربایجان‌های شرقی و غربی ایران با جمهوری آذربایجان قومیت مشترک دارند، اما نسخهٔ ایرانی پوشاکشان مسیر جداگانه‌ای رفته. لباس زنانه شامل «آرخالیق» با دامن کوتاه چین‌دار یا صاف است که با کمربند طلا، نقره یا چرم نقره‌کوب (کَمَر) بسته می‌شود؛ انواع دیگرش «نیمتنه»، «دون» و «زیوین» نام دارند. تنوع پارچه – پشم، ابریشم، پنبه – ثروت پیشین صنایع نساجی آذربایجان ایران را نشان می‌دهد: مخمل گل‌دار (گوللو مخمر)، زربفت طلایی و تیرمهٔ راه‌راه پشمی برای لباس‌های گران‌قیمت، با حاشیه‌دوزی طلا یا نقره روی سرآستین. مخمل هنوز برای ژاکت‌ها محبوب است، هرچند امروز نخ‌های مصنوعی برق‌دار جای زربفت و ساتن سنتی را گرفته‌اند.



اعراب خوزستان – دیشداشه، عبا و شيله. مردان عرب خوزستان «دیشداشه» (ردای بلند، نسخهٔ تابستانی از پنبهٔ سبک، نسخهٔ زمستانی از پارچهٔ ضخیم‌تر) می‌پوشند؛ پوشش سر شامل پارچه‌ای مربعی تاشده به‌صورت مورب روی سر است – برخلاف بسیاری از اعراب دیگر منطقه، اعراب ایرانی معمولاً «عقال» (حلقهٔ نگه‌دارندهٔ روسری) به کار نمی‌برند. عبا (ردای رویی) دو نسخه دارد: تابستانی از پنبهٔ بافشل، و زمستانی از پشم یا موی شتر (بهترین نوعش)؛ پوشیدن عبا عمدتاً رسم مردان مسن‌تر، به‌ویژه در زمستان است.

زنان عرب خوزستان شلوار زیرین (شلوار)، پیراهن بلند (لباس)، روپوش گشاد رویی (سوب)، پوشش سر (شيله) و روپوش بیرونی (عبایه) می‌پوشند. شيله – روسری نازک ابریشمی مشکی – با گیرهٔ طلا یا نقره («چَلَب») محکم می‌شود. زنان میانسال‌تر پارچهٔ مشکی محکم‌تری دور سر می‌پیچند.

فارس‌ها – قوم اکثریت که کمتر «قومی» دیده می‌شود. نکتهٔ پارادوکسیکال دربارهٔ فارس‌ها این است: چون زبان و فرهنگشان هستهٔ رسمی و آموزشی کشور را شکل داده، پوشش «فارس» کمتر به‌عنوان یک لباس قومی مجزا مطالعه شده – برخلاف کردها یا بختیاری‌ها که مرزهای پوششی‌شان واضح است. آنچه امروز «لباس سنتی ایرانی» نامیده می‌شود، در واقع بیشتر میراث دورهٔ قاجار (۱۷۸۵ تا ۱۹۲۵) است: برای مردان، قبای بلند، شال کمر، و کلاه نمدی یا

ترکمن‌های ایران – ابریشم قرمز و رنگ‌شناسی عامیانه. ترکمن‌های ایران (طوایف گوکلان، یموت، تکه و ناخور) در «ترکمن‌صحرا»، استان گلستان و بخش‌هایی از خراسان زندگی می‌کنند. زنان لباسی به‌نام «کوپنک» (پیراهن بلند یقه‌گرد قرمز) می‌پوشند و رویش ردایی بلند و پرتزئین سکه‌دوزی («چود» یا «چاپان») می‌اندازند؛ مردان «دون» (تونیک بلند) با شلوار گشاد پنبه‌ای («بلق») و کلاه پوست برهٔ ضخیم («تلیک») یا نسخهٔ گلدوزی‌شدهٔ «بورک» می‌پوشند.

نکتهٔ جالب اینجاست که رنگ در فرهنگ ترکمن معنای مشخصی دارد: قرمز – رنگ غالب لباس زنان – نماد شور، آتش و طراوت تلقی می‌شود و حتی برای زنان مسن‌تر «حس جوانی و زندگی» به همراه دارد. تولید پارچهٔ ابریشمی سنتی («تارا») هنوز در کارگاه‌های خانگی زنان مسن ترکمن ادامه دارد: پارچه‌ای به عرض ۳۰ تا ۴۰ سانتی‌متر و طول ۲/۵ تا ۵ متر، با راه‌راه قرمز و زرد، رنگ‌شده با مواد گیاهی طبیعی مثل گردو، روناس و پوست انار. زنان مسئول نگهداری کرم ابریشم‌اند و مردان برگ توت را از درخت جمع می‌کنند – تقسیم‌کاری مشابه آنچه در بخش «از ماده اولیه تا لباس» دربارهٔ ابریشم منطقهٔ اکو گفتیم.



گیلک‌ها و مازندرانی‌ها – پوشش کرانهٔ مازندران. در منطقهٔ مازندران، از اواسط قرن نوزدهم، مردان کلاه‌های بلند مخروطی یا نیم‌مخروطی نمدی می‌پوشیدند – به‌شکل «گلدان واژگون»، از نمد یا مقوا با روکش پوست گوسفند، بز یا پارچهٔ نخی. دهقانان زمستان این کلاه بلند و تابستان فقط کلاهک ساده می‌پوشیدند. طی قرن نوزدهم، ارتفاع کلاه‌ها کم‌کم کاهش یافت و مدل مخروطی جای خود را به نسخهٔ استوانه‌ای گرد داد. زنان دامن‌های رنگارنگ با بلوز سفید و روسری «لَچَک» می‌پوشیدند – پوششی عملی و متناسب با اقلیم مرطوب و کار در شالیزار.



قشقایی‌ها – کلاه دوگوشی، از ممنوعیت تا نماد هویت. قشقایی‌ها ایل ترک‌تباری در فارس‌اند که در تاریخ کوچ‌نشینی زاگرس ریشه دارند. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، کلاه نمدین «دوگوشی» آنان از ۱۳۰۷ تا ۱۳۲۰ ممنوع بود؛ پس از آن، ردای پیشین روزمره («آرخالوق») به جامهٔ آیینی تبدیل شد و چوقا عملاً از استفاده افتاد. امروز مردان قشقایی، لباسی شبیه اشراف قاجار می‌پوشند: پیراهن سفید بی‌یقه، ردای بلند پارچه‌ای با یقه‌های روی‌هم، و کمربند.

زنان قشقایی با دامن‌های لایه‌لایهٔ بلند و بسیار رنگارنگ (اغلب با طرح‌های لوزی و زیگزاگ که علامت شناسایی این ایل است) و روسری بلندی که زیر چانه سنجاق می‌شود، شناخته می‌شوند؛ پیراهن‌هایشان تا زانو با دو شکاف بلند در دو طرف هماهنگ با دامن چین‌دار زیرین است.



بلوچ‌ها – پیوند با دو کشور همسایه. پوشش بلوچ‌های سیستان و بلوچستان همان الگویی است که در بخش افغانستان دیدیم – چون قوم بلوچ در سه کشور ایران، پاکستان و افغانستان زندگی می‌کند: گلدوزی چهارپانلی مشخص زنانه (یقه، دو سرآستین، جیب بلند از کمر تا دامن)، کلاه مردانهٔ آینه‌کاری‌شده (شیشه)، و شلوار و پیراهن گشاد. آنچه ویژهٔ بلوچستان ایران است، رنگ‌های ابریشمی درخشان‌تر و ظرافت سوزن‌دوزی‌ای است که آن را به یکی از گران‌ترین پوشاک‌های محلی ایران تبدیل کرده است.

پوستی؛ برای زنان، در دورهٔ ناصری، دامن‌های کوتاه چین‌دار («شلیته») که زیر آن شلوار پوشیده می‌شد – مدلی که به‌روایتی از تأثیر باله‌های اروپایی که ناصرالدین‌شاه در سفرهایش دیده بود الهام گرفته شده بود. پوشش محلی فارس در نقاط مختلف فلات مرکزی تفاوت‌های خرد دارد؛ اصفهان – به‌واسطهٔ موقعیت جغرافیایی‌اش در مرکز کشور و هم‌مرزی با فارس، بختیاری‌نشین، آذری‌نشین و مناطق ارمنی‌نشین – یکی از بهترین نقاطی است که این آمیختگی پوششی در آن قابل مطالعه است؛

در کنار فارس‌ها، بختیاری‌ها، ترک‌ها، ارمنیان و گرجیان نیز در همین استان ساکن‌اند. پس از ممنوعیت پوشش قومی توسط رضاشاه (۱۳۰۷) و به‌ویژه پس از کشف حجاب اجباری (۱۳۱۴)، لباس شهری فارس تقریباً کاملاً به سبک اروپایی (کت‌وشلوار برای مردان، مانتو یا لباس غربی برای زنان) تغییر کرد – روندی که نقطهٔ مقابلش را در فصل‌های پیشین، دربارهٔ احیای پوشش قومی قشقایی، دیدیم. امروز، عملاً هیچ‌کس در تهران یا اصفهان لباس «سنتی فارس» به‌معنای دقیق کلمه نمی‌پوشد.

زرتشتیان یزد و کرمان – پوشاکی که هم دین است، هم قومیت. جامعهٔ زرتشتی ایران، عمدتاً در یزد و کرمان، از معدود گروه‌هایی در این فصل است که پوشاکشان هم‌زمان هویت مذهبی و هویت قومی-تاریخی را حمل می‌کند – و درست به همین دلیل با هیچ‌کدام از گروه‌های پیشین این فصل قابل مقایسهٔ مستقیم نیست.

پوشش مقدس (برای هر دو جنس): هر زرتشتی، مرد یا زن، پس از مراسم آیینی گذار به بزرگسالی («سدره‌پوشی»، معادل نوجوته در جامعهٔ پارسیان هند)، دو قطعه لباس مقدس دریافت می‌کند که زیر لباس روزمره پوشیده می‌شود: سدره – پیراهن سفید نخی ساده، گشاد، تا زانو، بدون یقه، با جیب نمادین کوچکی روی سینه به نام

«گریبان» – محل نگهداری نمادین «کردار نیک». گُستی (یا گُشتی) – کمربندی بافته‌شده از ۷۲ رشتهٔ پشمی – عدد ۷۲ اشاره به ۷۲ فصل کتاب یسنای اوستا دارد – که دور کمر پیچیده و با گره‌های آیینی بسته می‌شود. سنتاً این کمربند توسط زنان خانواده‌های موبد بافته می‌شود. نپوشیدن این دو قطعه در باور زرتشتی معادل «برهنه در برابر نیروهای اهریمنی ماندن» تلقی می‌شود؛ به همین دلیل، برخلاف بسیاری از پوشاک‌های این فصل که صرفاً نشانهٔ تعلق فرهنگی‌اند، سدره و کستی وظیفهٔ آیینی محسوب می‌شوند و پوشیدنشان تکلیف دینی است، نه انتخاب سلیقه‌ای.

پوشش روزمره و محلی (زنان): برای قرن‌ها، مردان زرتشتی ایران لباسی تقریباً یکسان با همسایگان مسلمانشان می‌پوشیدند، اما زنان زرتشتی یزد پوششی کاملاً متمایز داشتند – شامل چهار عنصر اصلی: شلوار راه‌راه (شلوار)، پیراهن گشاد (پیراهن)، کلاهک مثلثی (لچک) از پارچهٔ زری، مخمل یا ابریشم که موها را می‌پوشاند، و روپوش بزرگ مستطیلی سر («بج» یا «مکنون») – شالی ابریشمی حدود ۲/۷ متری با گلدوزی سنتی که سینه‌به‌سینه از مادر به دختر منتقل می‌شد و روی لچک و شال کوچک زیرین انداخته و زیر چانه گره می‌خورد؛ یک سرش روی سینه می‌افتاد و طرف چپش با سنجاق به روسری وصل و تا زیر زانو آویزان می‌شد.

نکتهٔ مهم دیگر دربارهٔ زرتشتیان یزد: زنان روستایی زرتشتی، برخلاف زنان مسلمان همان منطقه، سنتاً «چادر» را طوری دور گردن و سر می‌پیچیدند که تمام صورت و بخشی از مو نمایان بماند. از نظر رنگ، تنوع رنگی لباس زرتشتیان – که ریشه در سلیقهٔ تاریخی این جامعه دارد – یکی از بارزترین ویژگی‌های پوشش زنانهٔ آنان بوده؛ در همان حال، لقب قدیمی «سفیدجامگان» به مردان زرتشتی نیز اشاره دارد که تمایل به پوشیدن لباس کاملاً سفید داشتند. امروز، پوشاک سنتی زرتشتی عمدتاً در مراسم مذهبی و آیینی به کار می‌رود، نه در زندگی



روزمره – الگویی که این فصل بارها در اقوام دیگر هم دیده: از لباس روزمره به لباس آیینی.

اقلیت‌های مسیحی – ارمنیان اصفهان و آشوری‌های ارومیه. ارمنیان ایران، که بخش بزرگشان در محلهٔ تاریخی جلفای نو در اصفهان (بنیان‌گذاری‌شده در ۱۶۰۶ توسط شاه‌عباس صفوی) و بخشی نیز در آذربایجان شرقی (جلفای مرزی) ساکن‌اند، و آشوری‌های ارومیه در آذربایجان غربی، هرکدام میراث پوششی کلیسایی و قومی جداگانه‌ای دارند که ریشه در سنت مسیحی شرقی (ارتدوکس ارمنی و کلیسای آشوری شرق) دارد. با این حال، در قرون اخیر، پوشش روزمرهٔ این دو جامعه به‌شدت با پوشش شهری اطرافشان – اصفهانی یا آذری – همگرا شده و امروز عمدتاً تنها در آیین‌های کلیسایی (لباس روحانیون، لباس عروسی کلیسایی) تمایز پوششی مشخصی باقی مانده، نه در پوشش روزمره.

مواد و رنگ؛ نخی که این تنوع را به هم وصل می‌کند

اگر این فصل را از بالا نگاه کنیم، یک الگوی مشترک در همهٔ گروه‌های ایرانی دیده می‌شود که پیش‌تر هم بارها به آن اشاره کردیم: پوشاک سنتی، سلسله‌مراتب اجتماعی و اقتصادی را دقیقاً به همان اندازه‌ای روایت می‌کند که هویت قومی را روایت می‌کند. از تفاوت جنس چوقای بختیاری‌های مرفه و کم‌درآمد، تا تفاوت پارچهٔ آرخالیق آذری‌های ثروتمند و فقیر، تا محدودیت مواد اولیهٔ لباس زرتشتیان یزد به‌دلیل فقر تاریخی این جامعه – رنگ، جنس پارچه و میزان تزئین همیشه هم‌زمان دو چیز را می‌گفتند: «من از کجا آمده‌ام» و «جایگاه اقتصادی من چیست».

دهکده‌های ویژه – نمونهٔ ابیانه

فراتر از تقسیم‌بندی قومی-زبانی، برخی روستاهای منفرد ایران پوشش کاملاً منحصربه‌فرد خود را حفظ کرده‌اند. ابیانه در استان اصفهان نمونهٔ شاخص است: زنان روستا هنوز روسری گلدار

سفید با گل‌های ریز صورتی («چادر گلی» یا روسری آبیانه‌ای) و دامن‌های چین‌دار رنگی می‌پوشند – پوششی که نه به یک قوم بزرگ، بلکه به یک روستای واحد و تاریخ طولانی سکونتش در همان نقطه تعلق دارد.



قزاقستان؛ زبان بصری زندگی کوچ‌نشینی

قزاقستان، برخلاف تصور رایج، از نظر جمعیتی کاملاً یک‌دست نیست: تنها حدود ۷۰ درصد جمعیت قزاق‌اند؛ باقی را روس‌ها (حدود ۱۵٪)، ازبک‌ها، اویغورها، تاتارها، آلمانی‌ها، اوکراینی‌ها، کره‌ای‌ها (اسکان‌داده‌شده در دوران استالین) و دونگان‌ها تشکیل می‌دهند – که هرکدام میراث پوششی مستقل خودشان را دارند، اغلب هم‌پوشان با فصل‌های دیگر این نوشتار (مثلاً ازبک‌ها با بخش ازبکستان). آنچه در این بخش «پوشش قزاقستان» می‌نامیم، مشخصاً پوشاک قوم قزاق است.

قزاق‌ها از قرن شانزدهم اسلام سنی حنفی را پذیرفتند، اما این پذیرش هرگز باورهای پیشااسلامی – نیاکان‌پرستی، شمنیسم و جان‌گرایی ترکی-مغولی – را کاملاً کنار نزد؛ پوشاک سنتی قزاق دقیقاً محل تلاقی این دو لایه است: حجاب و پوشش محتاطانهٔ زنانه از اسلام می‌آید، اما طلسم‌های محافظ (تومار) دوخته‌شده به لباس و نقش‌مایه‌های جانوری/طبیعی گلدوزی، میراث مستقیم باورهای پیش از اسلام‌اند.

سه ژوز، سه سبک

جامعهٔ قزاق تاریخاً به سه اتحادیهٔ ایل‌ی («ژوز») تقسیم می‌شد که هرکدام ردپای خود را در پوشاک برجای گذاشتند: ژوز بزرگ (جنوب و جنوب‌شرق، نزدیک شیمکنت و ترکستان) به‌دلیل مجاورت با جادهٔ ابریشم، از ابریشم سنگین‌تر و گلدوزی با تأثیر ایرانی استفاده می‌کرد؛ ژوز میانه (مرکز و شرق) نقش‌های هندسی‌تر و کلاه پوستی از پوست گرگ – متناسب با اقلیم قاره‌ای سخت‌تر – ترجیح می‌داد؛ و ژوز کوچک (غرب، نزدیک آکتائو و دریای خزر) عناصری از سنت ترکمنی و قره‌قالپاقی، از جمله سبک خاص کمربند و جواهرات نقره، وام گرفته بود. حتی نوع «تیماق» (کلاه پوستی زمستانی) بین طایفهٔ آرغین و قیپچاق تفاوت داشت – یعنی کلاه، تنها نشانهٔ قومیت کلی «قزاق» نبود، بلکه نشانهٔ طایفهٔ دقیق فرد هم بود.

مردان – لایه‌ها و نظام دقیق کلاه. مردان قزاق دو نوع پیراهن زیرین (بدون زیرپوش)، شلوار زیرین و رویی، و ردای گشاد کمربندبسته می‌پوشیدند. در قرن هجدهم، شلوار رویی («شالباز») از پارچهٔ دست‌بافت موی شتر یا چرم دوخته می‌شد. «شاپان» – ردای بلند و باز از جلو – مهم‌ترین قطعهٔ پوشش مردانه بود، چون جایگاه اجتماعی صاحبش را نشان می‌داد؛ روی پیراهن و شلوار پوشیده می‌شد و می‌توانست از نظر ضخامت و رنگ متفاوت باشد. همان‌طور که پیش‌تر گفتیم، سنت «شاپان کیگیزو» (هدیه یا پوشاندن شاپان به مهمان) هنوز نماد احترام در فرهنگ قزاقی است.

نظام کلاه مردانه بسیار دقیق و رده‌بندی‌شده بود: «تاکیه» (کلاهک نازک تابستانی، گلدوزی‌شده یا ساده، با تاج چهارگوش یا گرد) زیر کلاه‌های دیگر هم پوشیده می‌شد؛ «قلپاق» (کلاه نم‌دین بلند و نوک‌تیز تابستانی، سفید با حاشیهٔ سیاه یا رنگی – نسخهٔ گران‌قیمت‌ترش «آییر قلپاق» با پارچهٔ نفیس یا گلدوزی طلایی گیاهی)؛ و برای زمستان، «تیماق» – کلاه پوستی با لبه‌های گوش‌پوش، از پوست روباه، گرگ یا گوسفند، که هرچه صاحبش رده بالاتر بود، بزرگ‌تر و مزین‌تر بود. اشراف و بیگ‌ها کلاه «تِپِتِی» با حاشیهٔ پهن پوست سمور آبی می‌پوشیدند، در برابر کلاه‌های سادهٔ پوست گوسفند مردم عادی – تفاوتی که به‌روشنی نابرابری اقتصادی را در سر افراد به نمایش می‌گذاشت. کمربند چرمی («کیسه») با تزئینات فلزی، محل آویختن چاقو یا کیسهٔ توتون بود.

قزاق‌ها نسبت به کلاه خود حساسیت آیینی دارند: هرگز کلاه دیگری را نمی‌پوشند و کلاه خودشان را به کسی نمی‌دهند – باور رایج این است که این کار بدشانسی و بیماری منتقل می‌کند یا خوشبختی صاحب کلاه را از او می‌گیرد. کلاه باید با احتیاط برداشته و در جای امن گذاشته شود؛ هرگز نباید روی زمین یا صندلی انداخته شود.

زنان – لباسی که سن، وضعیت تأهل و ثروت را

هم‌زمان اعلام می‌کند. پوشش زنان قزاق شاید دقیق‌ترین نمونهٔ این فصل از «لباس به‌عنوان زبان اجتماعی» باشد: یک ناظر آگاه، تنها با نگاه به کلاه و لباس یک زن قزاق، می‌توانست سن و مرحلهٔ زندگی، وضعیت تأهل، ثروت خانوادگی، و حتی طایفه و منطقهٔ او را تشخیص دهد.

دختران و زنان مجرد لباس‌های رنگ روشن و چسبان با چین و گلدوزی می‌پوشیدند – تأکیدی بر جوانی و ظرافت. روی پیراهن، تونیک زانودار آستین‌دار با یقهٔ ایستادهٔ باز و گیرهٔ کمر، یا «بشمت» بدون آستین از پنبهٔ ضخیم، پشم، ابریشم یا مخمل (رنگ‌های قرمز، سبز و تمشکی بیشترین ارزش را داشتند) پوشیده می‌شد. در قرن نوزدهم، مدل «ژاق کویلیک» رایج شد: بالاتنهٔ چسبان و دامن گشاد.

سربند دختران و زنان مجرد، «بوریک»، کلاهی گرد یا نیم‌گنبدی با حاشیهٔ پوست (در گذشته از گرگ، امروز عمدتاً سمور آبی، روباه یا سگ‌آبی) و پر جغد («اوکی») در بالای آن بود. جغد در باور قزاقی حیوانی مقدس و محافظ زنان و کودکان تلقی می‌شود؛ پر آن طلسمی در برابر بدشانسی به‌شمار می‌رفت. کیفیت و میزان تزئین بوریک، ثروت خانواده را نشان می‌داد؛ بوریک دختران مجرد و زنان متأهل از نظر مدل با هم فرق داشت.

عروس، همان‌طور که پیش‌تر گفتیم، تاجی به‌نام «ساوکه» بر سر می‌گذاشت – سربندی مخروطی و نم‌دین با ارتفاع تا ۷۰ سانتی‌متر که هرچه بلندتر بود، نشانهٔ احترام بیشتر عروس به خانوادهٔ داماد بود، تلقی می‌شد. تزئیناتش شامل مروارید، گوهر، پوست حیوانات یا سکه بود؛ در بالای آن، دسته‌ای پر از جغد شاخ‌دار (بوف) نصب می‌شد. آویزهای بلند کناری («ژاقتاو») تا کمر یا پایین‌تر می‌رسیدند و خود با چین‌های ریز تزئین می‌شدند. روی ساوکه، شال‌های گلدوزی‌شده انداخته و نقابی به جلوی آن وصل می‌شد. خانواده‌های کم‌درآمدتر به‌جای گوهر واقعی ساوکه را از پارچه یا ساتن با مهرهٔ شیشه‌ای می‌ساختند.



کویلیک» بدون توجه به جنسیت پوشانده می‌شد که پس از این آیین با پیراهن ساده نوزادی جایگزین می‌شد. نخستین تفاوت جنسیتی واقعی، در یک‌سالگی و در نحوه اصلاح مو ظاهر می‌شد: پس از تراشیدن موی نوزادی، برای پسران دسته‌ای مو بالای سر («آیدار») و برای دختران زلفی کنار شقیقه («تولیم») باقی گذاشته می‌شد. پر جغد به گهواره نوزادان و سربند دختران بسته می‌شد – همان باور محافظتی‌ای که در بوریگ زنانه هم دیدیم.

پارچه، ابریشم و طلسم

مواد اولیه لباس مستقیماً از دل استپ می‌آمد: پشم گوسفند و شتر، چرم اسب، گاو و بز، خز روباه و گرگ، و نم‌دست‌ساز. جاده ابریشم بعدها ابریشم، پنبه و فلزکاری را از چین، ایران و بیزانس افزود – دقیقاً همان تبادل فرهنگی‌ای که در بخش «از ماده اولیه تا لباس» درباره ابریشم منطقه اکو توضیح دادیم.

در کنار پوشاک، طلسم («تومار») – اغلب مثلثی‌شکل و حامل نشان طایفه‌ای («تانبا»، شبیه نشان خانوادگی) یا کلماتی از الفبای باستانی ترکی مانند «قوت» (برکت) و «باق» (خوشبختی) – دور گردن آویخته یا به لباس دوخته می‌شد. پر جغد شاخ‌دار حتی به دم‌برا (ساز سنتی) هم بسته می‌شد تا نوازنده را از چشم‌زخم محافظت کند.

از سرکوب شوروی تا احیای پس از استقلال.

نکته تاریخی مهمی که پوشاک قزاق را از بسیاری همسایگانش متمایز می‌کند: جنگ داخلی روسیه و سیاست‌های بعدی شوروی باعث شد تقریباً نیمی از جمعیت قزاق کشته یا مجبور به فرار به چین و مغولستان شوند – رویدادی که انتقال صنعتگری سنتی را مختل کرد و بسیاری از تفاوت‌های پوششی منطقه‌ای را از بین برد. پس از استقلال در ۱۹۹۱، جنبش احیای هویت قومی شکل گرفت و علاقه به پوشاک سنتی – برای جشن‌ها، عروسی‌ها و به‌ویژه جشن نوروز – دوباره زنده شد؛ هفته‌های مد با محوریت طلسم و نقش‌مایه‌های سنتی («هفته مد تومار») امروز در آلماتی و شهرهای دیگر برگزار می‌شود.



به‌کار می‌رفت. برای استفاده روزمره‌تر، «شائولان» (شال بلند تزئینی برای مناسبت‌های رسمی) و «اورامال» (روسری مربعی ساده روزمره، نماد ادب و بلوغ) نیز رایج بودند.

جواهرات زنانه – دستبند نقره («بیلزیک»)، انگشتر، آویز سینه («اونیرژیک») – هم ثروت و هم وضعیت تأهل را نشان می‌داد؛ در گذشته، زنی که هیچ زیوری بر بازو نداشت، گاه «ناپاک» تلقی می‌شد. نقره در باور قزاقی خاصیت طلسمی هم داشت. کودکان – بدون تفاوت جنسیتی تا یک‌سالگی. لباس نوزادان قزاق – و حتی طلسم‌های دوخته‌شده به آن – تا مدت‌ها هیچ تفاوتی بین پسر و دختر نداشت. نوزاد پس از تولد در پارچه‌ای تمیز پیچیده می‌شد؛ پیش از مراسم «چهل‌روزی» (قرقی‌نان شیغارو)، پیراهنی آیینی به‌نام «ایت

پس از سال اول ازدواج، عروس ساوکل را با کلاه کوچک‌تر گلدوزی‌شده «قصابا» تعویض می‌کرد؛ و به‌محض تولد اولین فرزند، سربند نهایی و پایدار او – کیمشک – جایگزین می‌شد: پوششی سفید که سر، گردن و شانه (و گاه سینه) را می‌پوشاند، با بریدگی مخصوص صورت و حاشیه گلدوزی‌شده. رنگ سفید کیمشک نمادین است: نشانه پاک‌ی و تقدس جایگاه زن.

جزئیات کیمشک – شکل، تزئین، طول قسمت شانه – از منطقه‌ای به منطقه دیگر و با افزایش سن زن تغییر می‌کرد؛ تا دهه ۱۹۳۰، کیمشک اصلی‌ترین سربند زنان قزاق در سراسر کشور بود. روی کیمشک، زنان مسن‌تر و مادر بزرگ‌ها روسری سفید («آق ژاولیق») نیز می‌بستند – پوششی که به‌طور خاص برای بزرگداشت مادران و مادر بزرگان

طلسم‌ها و دانه‌های مرجان («شورو») تزئین می‌شد – دقیقاً همان کارکرد محافظتی که در بخش قزاقستان دربارهٔ پر جغد دیدیم: باور به محافظت کودک در برابر چشم‌زخم و نیروهای شر.

مواد – نمد به‌عنوان فناوری بومی. پوشش سنتی قرقیز عمداً ساده و کاربردی طراحی شده بود، چون مستقیماً از اقلیم و شرایط طبیعی نشئت می‌گرفت: برای قرقیزهای کوهستانی، اولویت اول گرم‌نگه‌داشتن بدن بود؛ لباس زمستانی از نمد، پوست و خز حیوانات اهلی و وحشی دوخته می‌شد. پارچه‌های دست‌بافت پشمی و نخی نیز رایج بود. اما موادی مثل ابریشم، مخمل، زربفت، نخ و مروارید – که در پوشش‌های تشریفاتی و زنانهٔ باکیفیت‌تر دیده می‌شود – از طریق تجارت پایاپای با اقوام یکجانشین همسایه (عمدتاً ازبک‌ها) به دست می‌آمد، چون در اقتصاد کوچ‌نشینی قرقیز به‌طور بومی تولید نمی‌شد. ثروتمندان قرقیز با



هرچه الچک بلندتر و پیچیده‌تر، نشانهٔ اصالت خانوادگی و ثروت بیشتر زن بود.

نکتهٔ جالب دربارهٔ الچک، کارکرد عملی پنهانش بود: برای زنان کوچ‌نشین، این حجم پارچه خودش یک کالای باارزش به‌شمار می‌رفت؛ در مواقع ضروری، زن می‌توانست بخشی از الچک خود را ببُرد – مثلاً برای قنناق‌کردن نوزاد یا بستن زخم.

الچک از منطقه‌ای به منطقهٔ دیگر تفاوت داشت: در شمال (اقلیم سردتر)، زنان الچک سفید را با پارچهٔ اضافی می‌پوشیدند که گردن و چانه را هم از باد و سرما محافظت می‌کرد؛ در جنوب (اقلیم گرم‌تر)، گردن پوشانده نمی‌شد، اما زیر روسری، پارچهٔ مخصوصی به‌نام «اورومدور» به‌شکلی خاص پیچیده می‌شد تا صورت را از آفتاب حفظ کند. با گسترش کار زنان در مزارع در دههٔ ۱۹۲۰ (دوران شوروی)، کار با الچک حجیم در زیر آفتاب دشوار شد و به‌تدریج روسری‌های ساده‌تر جایگزینش شدند؛ امروز الچک عمده‌تاً در جشن‌ها، مراسم و فیلم‌هایی مانند «کورمانجان داتکا» (۲۰۱۴)، دربارهٔ ملکهٔ تاریخی قرقیز) دیده می‌شود.

پیش از الچک، دختران قرقیز کلاهک ساده («توپو») یا کلاه پوستی («تبتی») با تزئین پر پرنده، نقره، مروارید و مرجان می‌پوشیدند. برای مراسم، کلاه مخروطی‌پردار به‌نام «شوکولو» – با ردیف پرهای بلند در بالای آن – پوشیده می‌شد؛ زنان همچنین گیس‌های بلند خود را در نوارهای مخملی لوله‌ای‌شکل به‌نام «چاچکاپ» پنهان می‌کردند. عنصر مشخصهٔ دیگر پوشش زنان متأهل، بلامچی بود: دامنی با شکاف جلو که روی پیراهن یا ردای اصلی بسته می‌شد و به‌شدت گلدوزی‌شده بود. برای مراسم، پیراهن‌های چین‌دار روی آستین و دامن، همراه با جلیقهٔ گلدوزی‌شده، رایج بود؛ روی همهٔ این‌ها، ردای پُرتزئین («چپکن») یا نسخهٔ ساده‌تر «چاپان» پوشیده می‌شد.

کودکان – نقره، طلسم و مرجان. لباس کودکان و دختران قرقیز به‌طور خاص با دکمه‌های نقره‌ای،



معمولاً از شش‌سالگی به بعد پوشیده می‌شود و امروز حتی روزی رسمی به‌نام «روز آق‌کالپاک سفید قرقیزی» به آن اختصاص یافته است. زیر آق‌کالپاک، کلاهک‌های ساده‌تری چون «توپو» و «تاکیه» پوشیده می‌شد؛ برای زمستان، کلاه پوستی «تِپتی». به مهمانان محترم، گاه نسخهٔ گلدوزی‌شدهٔ آق‌کالپاک یا ردای نم‌دین بلند و پرتزئین «چپکن» هدیه داده می‌شد – رسمی که هنوز هم در آیین‌های میهمان‌نوازی قرقیزی زنده است.

زنان – الچک، تا ۴۰ متر پارچه روی سر. اگر ساوکلّه قزاقی نمونهٔ برجستهٔ پوشش قزاقستان بود، همتای قرقیزی آن – و شاید یکی از خیره‌کننده‌ترین پوشش‌های سنتی این‌نوشتار – الچک است: نوعی عمامهٔ بزرگ زنان متأهل، از پارچهٔ سفید نازک، که می‌توانست تا ۳۰ تا ۴۰ متر طول داشته باشد و با مهارت خاصی دور سر پیچیده می‌شد.

قرقیزستان؛ نمد، نمد و باز هم نمد

قرقیزستان از نظر جمعیتی حدود ۷۳ درصد قرقیز است؛ بزرگ‌ترین اقلیت، ازبک‌ها (نزدیک ۱۵٪) هستند که عمده‌تاً در جنوب کشور – استان‌های اوش، جلال‌آباد و باتکن، در دل درهٔ فرغانه – زندگی می‌کنند؛ روس‌ها (حدود ۶٪، عمده‌تاً بیشکک و درهٔ چوی)، دونگان‌ها (مسلمانان چینی‌تبار)، اویغورها، تاتارها، قزاق‌ها، تاجیک‌ها و کره‌ای‌ها دیگر اقلیت‌های کشورند. تقریباً همهٔ این گروه‌ها سنی حنفی‌اند.

همین تقسیم جمعیتی، یک خط‌کش جغرافیایی مهم برای پوشاک ایجاد می‌کند: شمال (بیشکک، درهٔ چوی، ایسیک‌کول) میراث کوچ‌نشینی قرقیزی خالص‌تر و تأثیر دوران شوروی بیشتری دارد؛ جنوب (اوش، جلال‌آباد) به‌واسطهٔ همسایگی و آمیختگی با ازبک‌ها، به سمت پوشاک یکجانشین فرغانه‌ای – با ایکات، آدرس و چاپان – کشیده شده. زبان قرقیزی خودش هم این آمیختگی را نشان می‌دهد: لهجهٔ جنوب واژگان بیشتری از ازبکی وام گرفته، در حالی که لهجهٔ شمال وام‌واژهٔ روسی بیشتری دارد.

مردان – از پیراهن ساده تا سلسله‌مراتب کلاه نمدی. پوشش مردانهٔ کوچ‌نشینی قرقیز از پیراهن تنه (کونوک) و شلوار گشاد (شیم) شکل می‌گرفت. در هوای سرد، ردای پشمی نم‌دین (کمنتای یا چپکن) و برای زمستان، پوستین گوسفندی (تون) یا پوستین گران‌قیمت‌تر از پوست روباه، گرگ یا حتی پلنگ برفی (ایچیک، مخصوص ثروتمندان) روی آن پوشیده می‌شد. کمربند چرمی (کور) با کیسه‌های آویزان (کیسه)، یا برای مردان مرفه، کمربند پهن چرمی نقره‌کوب (کِمر کور)، دور کمر بسته می‌شد.

اما بی‌شک مهم‌ترین و مشهورترین نماد پوششی قرقیزستان – که پیش‌تر آن را به‌عنوان میراث ثبت‌شدهٔ یونسکو در سال ۲۰۱۹ معرفی کردیم – آق‌کالپاک است: کلاه بلند نم‌دین سفید که

پنجاب – فُلکاری و پگری. پنجابی‌ها بزرگ‌ترین و سیاسی‌ترین قوم پاکستان‌اند. مردان پنجابی «شلوار کمیض» به برش مستقیم، یا کرتا با شلوار، می‌پوشند؛ در مناطق روستایی، «دهوتی»، «لُنگی» یا «تَهمت» (پارچهٔ پیچیده دور کمر و پا) رایج است. عمامهٔ نازک («پگری») به‌ویژه در روستاها پوشیده می‌شود؛ کفش سنتی «خُصه» (نوعی گیوهٔ چرمی نوک‌بالا) یا صندل «چپِلِ پیشاوری» است.

عنصر متمایز پوشش زنان پنجابی، «فُلکاری» است – گلدوزی سوزنی رنگارنگ با نقش‌های هندسی و گیاهی که روی دوپاتا (روسری بلند)، گُرتی و پیراهن انجام می‌شود؛ زنان پنجابی معمولاً «غِرا را» یا شلوار چوریدار همراه با پیراهن رنگارنگ و دوپاتای فلکاری‌دوزی‌شده می‌پوشند؛ گیس بافته‌شده با نوار تزئینی «پرندا» تکمیل‌کنندهٔ آرایش موست.

سند – اجرک و کلاه سندی، نشانه‌ای که با هدیه‌دادن معنا پیدا می‌کند. فرهنگ سندی حول دو شیء نمادین می‌چرخد: اجرک و کلاه سندی (ٹوپي). اجرک، شالی چاپ‌شده به‌روش قالب چوبی (بلاک‌پرینت) با ترکیب رنگی مشخص – لاجوردی تیره، زرشکی و سفید – و نقش‌های تکرارشوندهٔ هندسی است؛ خودِ واژهٔ «اجرک» از عربی/فارسی «آجر» می‌آید (به‌معنای خشت، با پسوند تصغیر «-ک»)، اشاره‌ای به الگوی تکرارشوندهٔ آجرمانند طرح‌ها.

کلاه سندی، کلاhek گلدوزی‌شده با آینه‌های ریز، در کارگاه‌های دستی مناطق تهرپارکار، عمرکوت و سانگهار بافته می‌شود – هر منطقه سبک، گلدوزی و رنگ‌بندی خاص خودش را دارد.

نکتهٔ مهم دربارهٔ این دو شیء: کارکردشان فراتر از پوشاک روزمره است. در فرهنگ سندی، اهدای اجرک و کلاه سندی به مهمان، رسمی تشریفاتی و نشانهٔ احترام محسوب می‌شود – دقیقاً همان کارکردی که در بخش قزاقستان دربارهٔ «شاپان

لباس‌های پرتزئین از پارچهٔ گران‌قیمت از عوام متمایز می‌شدند – الگویی که در همهٔ کشورهای این نوشتار تکرار شده است.

ازبک‌های جنوب – پوششی که به بخشی دیگر تعلق دارد. ازبک‌های اوش و جلال‌آباد، به‌عنوان بزرگ‌ترین اقلیت قومی قرقیزستان، پوشش خاص خودشان را حفظ کرده‌اند که ریشه در سنت فرغانه دارد، نه سنت کوچ‌نشینی قرقیزی: چاپان یا قفتان – ردای پنبه‌ای گشاد، معمولاً با راه‌راه‌های رنگارنگ یا نقش‌دار، تا زانو – برای مردان؛ و برای زنان، ردایی مشابه از پارچهٔ ایکات (اطلس) یا مخمل. این پوشش دقیقاً همان چیزی است که در بخش ازبکستان به‌تفصیل به آن پرداختیم؛ حضورش در جنوب قرقیزستان یادآور این نکته است که مرزهای سیاسی امروز، مرزهای فرهنگی و پوششی واقعی منطقه را دقیقاً دنبال نمی‌کنند – نکته‌ای که در بخش «لباس مشترک؛ میراثی فراتر از مرزها» نیز به آن اشاره می‌شود.

پاکستان؛ یک کشور، چندین نظام پوششی مستقل

پاکستان از نظر تعداد اقوام رسمی، کمی فشرده‌تر از افغانستان یا ایران است – دولت ۱۷ گروه قومی اصلی را به رسمیت می‌شناسد: پنجابی‌ها (بزرگ‌ترین قوم)، پشتون‌ها، سندی‌ها، سرائیکی‌ها، مهاجر (فارسی‌زبانان و اردوزبانان مهاجرت‌کرده از هند در ۱۹۴۷)، بلوچ‌ها، براهویی‌ها، کشمیری‌ها، هزاره‌ها، بلتی‌ها، شینا، کوهستانی‌ها و چندین گروه کوچک‌تر شمالی. اکثریت قاطع مسلمان سنی‌اند، اما تنوع مذهبی واقعی وجود دارد: اسماعیلیان شیعه در هونزا و شمال گیلگیت-بلتستان، شیعیان دوازده‌امامی در بلتستان و میان هزاره‌های کوپته، و – جالب‌توجه‌ترین مورد این بخش – کالاش‌های چترال که اصلاً مسلمان نیستند و دینی باستانی و جان‌گرایانه دارند.

یا «سِهرّا»)، دست‌بند نخی («گانو») و شمشیر یا خنجر همراه دارد؛ عروس سندی «لَهنگا چولی» قرمز سنگین‌گلدوزی‌شده می‌پوشد.

پشتون‌های خیبرپختونخوا – پیوند مستقیم با بخش افغانستان. پوشش پشتون‌های پاکستانی – عمدتاً در خیبرپختونخوا و قبایل بلوچستان شمالی – همان الگویی است که در بخش افغانستان به‌تفصیل بررسی کردیم، چون قوم پشتون از دو سوی خط دیورند به هم پیوسته است: «خیت پرتوگ» (شلوار و پیراهن)، شلوار پیشاوری، «پرهِن و تنبان»، کلاه کوفی، کلاه پیشاوری، عمامه یا پکول. کفش سنتی، «چپِلِ پیشاوری» – صندل چرمی دست‌دوز – نمادی است که امروز حتی در مد جهانی هم شناخته می‌شود.

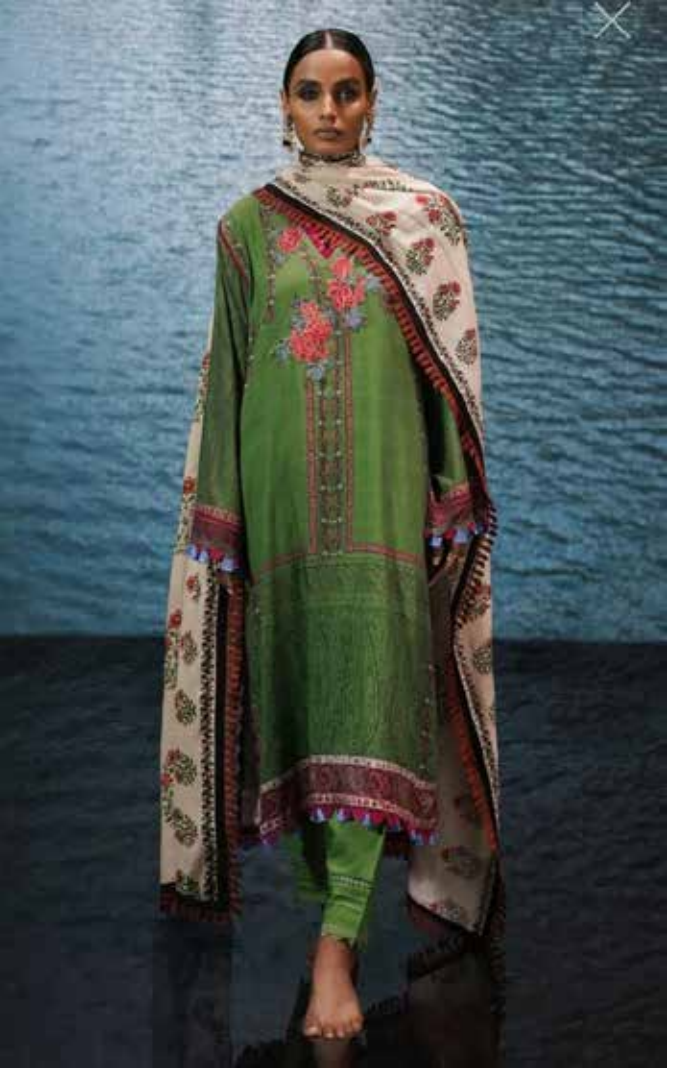
بلوچستان – عمامهٔ سفید در برابر آفتاب. پوشش بلوچ‌های پاکستانی نیز با آنچه در بخش‌های افغانستان و ایران دربارهٔ گلدوزی چهارپانلی زنانه و کلاه آینه‌کاری‌شدهٔ مردانه گفتیم یکسان است؛ تنها تفاوت قابل‌ذکر، عمامهٔ بلوچی پاکستان است که از پارچه‌ای بسیار بلند و اغلب سفید بسته می‌شود – انتخاب رنگ سفید مستقیماً کارکرد اقلیمی دارد: بازتاب نور آفتاب شدید بلوچستان.

کشمیر – فران، جایی که لباس با اقلیم گفت‌وگو می‌کند. در آزاد کشمیر و گیلگیت-بلتستان، اقلیم سرد کوهستانی مستقیماً فرم لباس را تعیین کرده است. «فران» – ردایی بلند و گشاد، پشمی یا ابریشمی، تا زیر زانو – لباس اصلی هر دو جنس است. نسخهٔ زنانه با گلدوزی سنگین و آستین‌های پهن‌تر تزئین می‌شود؛ مردان روی کلاه یا کلاhek، عمامهٔ سفید می‌بندند و کفش بدون بند («گرگابی») می‌پوشند. پارچه‌های نمادین کشمیری – شال‌مینا، شال‌توش (از پشم بز کشمیری) و جاماور (پارچهٔ پشمی گلدار) – از گران‌بهاترین منسوجات دست‌باف جهان به‌شمار می‌روند و کشمیر را به یکی از تاریخی‌ترین کانون‌های نساجی این بخش تبدیل می‌کنند.

کیگیزو» (هدیهٔ چپان) دیدیم. اهمیت این دو نماد چنان است که از سال ۲۰۰۹، «روز کلاه سندی» (که بعداً به «روز فرهنگی سند» تغییر نام یافت) به‌طور رسمی جشن گرفته می‌شود.

لباس عروسی سندی نیز کاملاً آیینی است: داماد شلوار کمیض سفید یا نیمه‌سفید با عمامهٔ «پتکو» (سفید، اجرک یا لنگی)، شال گلدوزی‌شدهٔ اجرک یا لنگی روی شانه، چادر قرمز یا صورتی گلدوزی‌شدهٔ اضافه، تاج مخصوص داماد («مور»





گیلگیت-بلتستان – موزائیکی از دوازده نظام پوششی مستقل. گیلگیت-بلتستان، به دلیل انزوای جغرافیایی دره‌های کوهستانی قراقرم و هندوکش، میزبان دست‌کم دوازده نظام فرهنگی-پوششی مجزاست – هونزا، نگر، یاسین، غذر، اسکردو (بلتستان) – که هرکدام زبان، آیین و سبک لباس خاص خود را دارند؛ جادهٔ ابریشم باستانی نیز عناصر ایرانی، چینی، آسیای مرکزی و جنوب آسیایی را به این ترکیب افزوده است.

مردان: کلاه «پکول» – همان کلاه پشمی نم‌دین گرد و تخت‌سر چترال که در بخش افغانستان دربارهٔ نورستانی‌ها به آن پرداختیم – در سراسر منطقه پوشیده می‌شود؛ جنس آن پشم دست‌ریس

قهوه‌ای، خاکستری یا کرم است. در بلتستان، مردان کلاه «فارتسون» را که به‌عنوان کلاه‌های احترام‌آمیز شناخته می‌شود، به‌همراه ردا و کلاه منطقه‌ای خاص می‌پوشند.

زنان: پوشش زنانه از منطقه‌ای به منطقهٔ دیگر شدیداً تفاوت دارد. در هونزا و گیلگیت (اسماعیلی‌نشین)، زنان پیراهن‌های گشاد و رنگارنگ با کلاه‌های گلدوزی‌شده به گل یا پر می‌پوشند؛ کلاه هونزایی – با گلدوزی هندسی ظریف روی مخمل تیره با نخ ابریشمی رنگی – همراه با گیس‌های بافته‌شدهٔ خاص، از نمادهای شناخته‌شدهٔ این منطقه است. کلاه در زبان‌های محلی نام‌های متفاوتی دارد: در شینا و خوار (بالا غذر) «خوی»، در بروشسکی (هونزا، نگر، یاسین) «فارتسون» یا «فارسن»، در وخی «سکید».

«کلاه ایراگی» ظریف‌ترین و پرکارترین نوع است – گلدوزی آن با نخ نقره یا طلا («کالاباتو») روی پارچهٔ دوسوتی یا چارسوتی، همراه با آویز جواهر مخصوص («سیلسیله»)، و تولید هر کلاه سه تا چهار ماه کار روزانه می‌طلبد؛ این هنر امروز به‌واسطهٔ هزینهٔ بالا و بی‌علاقگی نسل جدید رو به فراموشی است.

عنصر دیگری که گیلگیت-بلتستان را با تبت و لاداخ همسایه (نه با بقیهٔ این بخش) پیوند می‌دهد، سربند تشریفاتی مارمانند به‌نام «پراک» است – سنتی که امروز تقریباً منسوخ شده اما در فرهنگ چترال هم، در قالب سربند «کوپاس» کالاش، ردپای مشابهی دارد.

در بلتستان، زنان پیراهن‌های رنگارنگ با حاشیهٔ نقره یا طلا می‌پوشند؛ سرآستین‌ها عمداً بازشو طراحی شده‌اند تا شست‌وشوی دست بدون درآوردن لباس ممکن باشد – نمونه‌ای ظریف از اینکه طراحی لباس سنتی، کارکرد عملی زندگی روزمره را هم در نظر می‌گیرد.

کالاش – تنها پوشش غیراسلامی این بخش. قوم

کالاش، در سه درهٔ رومبور، بیریر و بومبوره در چترال، تنها جامعهٔ باقی‌ماندهٔ «کافر‌ها»ی سابق است (نورستانی‌ها پیش از اسلامی‌شدن هم بخشی از همین جامعهٔ فرهنگی بودند – همان‌طور که در بخش افغانستان دیدیم). کالاش‌ها دینی جان‌گرایانه و پیش‌اسلامی دارند و برخلاف تقریباً همهٔ گروه‌های دیگر این بخش، زنانشان صورت خود را نمی‌پوشانند – تفاوتی که آنان را از همسایگان مسلمانشان بلافاصله متمایز می‌کند.

زنان: ردای بلند و سیاه («پیران») با گلدوزی رنگارنگ نئونی گل و کمربند دست‌باف – رنگ سیاه در باور کالاشی نماد برابری اجتماعی است، در جامعه‌ای که به‌طور آگاهانه سلسله‌مراتب طبقاتی رسمی ندارد. روی این لباس، رشته‌های فراوان گردنبند مهرهٔ قرمز و زیورآلات فلزی آویخته می‌شود.

عنصر مرکزی و هویت‌ساز پوشش زنان کالاش، دو سربند است: شوشوت (سربند روزمره، نواری از پارچهٔ پشمی دست‌بافت با روبانی تزئینی آویزان از پشت، پوشیده‌شده با صدف‌های کوچک دریایی) و کوپاس (سربند تشریفاتی و مهم‌تر، فقط برای اعیاد و جشن‌ها، سنگین‌تر و پرکارتر). صدف‌های دریایی روی این سربندها – که از دریای هند وارد می‌شوند و گران‌قیمت‌اند – در باور کالاشی نماد باروری و دعای بچه‌دار شدن‌اند؛ ردیف‌های صدف در کوپاس بزرگ‌سالان هفت ردیف و در کودکان چهار ردیف است؛ اندازه و تعداد صدف، جایگاه اجتماعی و ثروت خانواده را نشان می‌دهد. دختران در حدود پنج‌سالگی، طی آیینی، اولین کوپاس را از دایی خود دریافت می‌کنند – نشانهٔ گذار از «کودک بی‌جنسیت» به «دختر»؛ از این نقطه، موی آنان دیگر کوتاه نمی‌شود و در پنج گیس بلند («چوی») بافته می‌شود، یکی جلو و یکی بلندتر پشت که تا کمر می‌رسد و با زنگوله بسته می‌شود. کوپاس معمولاً در جشن «چائوموس» (بزرگداشت بالومین، نیم‌خدای اسطوره‌ای کالاش) پوشیده می‌شود.

مردان: امروز عمدتاً شلوار کمیض پاکستانی می‌پوشند، اما با کلاه پشمی چترالی که پر یا

زنگولهٔ فلزی به آن اضافه می‌کنند – تنها نشانهٔ باقی‌ماندهٔ تمایز پوششی مردانهٔ کالاشی. کفش سنتی از پوست بز، معمولاً بدون واسطه به پا بسته می‌شد؛ امروز به‌دلیل فقر روزافزون این جامعهٔ کوچک، بسیاری از کالاش‌ها یا پابرهنه‌اند یا صندل ساده می‌پوشند.





ساده («میان‌بند») می‌بستند؛ ثروتمندان کمربند مخملی طلادوزی‌شده («کمربند») می‌پوشیدند که هم‌زمان کارکرد جیب هم داشت. کلاهک («توقی/کلاپوش») دو نوع اصلی دارد: «چوستی» – کلاهک سیاه‌وسفید متراکم با نقش بادام یا فلفل گلدوزی‌شده روی ابریشم سفید (مشهورترین نوع، از شهر چوست در فرغانه)، و «آراخچین» – کلاهک نیم‌کروی نازک‌تر و ماشین‌دوز که در مناطق بیشتری رایج است. روی کلاهک، عمامه یا کلاه مخصوص «کلاخ» بسته می‌شد. کفش سنتی شامل چکمه چرمی نرم و گالش چرمی نوکتیز بود؛ در مناطق کوهستانی، مردان کفش‌های چوبی با سه میخ زیر پاشنه برای عبور از مسیرهای صخره‌ای سنگلاخی می‌پوشیدند.

زنان: پیراهن بلند («کورتا») با آستین‌های گشاد و گلدوزی‌شده. نکته ظریف و کمتر شناخته‌شده: شکل یقه پیراهن، وضعیت تأهل زن را نشان می‌داد – یقه افقی برای دختران مجرد، و یقه عمودی برای زنان متأهل؛ زیر پیراهن اصلی، پیراهنی سفید به‌عنوان زیرپوش پوشیده می‌شد که یقه سفیدش باید همیشه از زیر پیراهن رنگی نمایان می‌ماند. زیر آن، شلوار گشاد («ازور»، «لُزیمی» یا «پویجاما») پوشیده می‌شد. روی پیراهن، ردای لایی‌دار («چوما»، شبیه چین مردانه) یا نسخه سبک‌تر و ابریشمی آن («مونیساک») می‌آمد. کلاهک زنانه معمولاً چهارگوش با نقش‌های «گلدار» و گلدوزی صلیبی رنگارنگ بود؛ روی سر، یکی از سه پوشش – عمامه، کلاه یا شال «لچک» – به‌تنهایی یا ترکیبی پوشیده می‌شد؛ دختران کوچک نیز گاه کلاهک ساده می‌پوشیدند.

از نظر منطقه‌ای، پوشش ختلان به‌واسطه اقتصاد کشاورزی‌اش رنگ‌های گرم‌تر و پارچه سنگین‌تر دارد و گلدوزی‌اش نقش‌مایه‌های روستایی و کشاورزی را بازتاب می‌دهد – زمینه‌ای که چکان (که پیش‌تر به‌تفصیل درباره آن گفته شد) از دل همان ریشه می‌گیرد.



طراحی تاجیکی (نقش‌مایه‌ها، فرم چین) هنوز در دوخت لباس‌های محلی مشهود است. طبق توصیف‌های محلی، در گذر بدخشان (که خود بخشی از کوهستان بدخشان است)، لباس مردانه شامل ردای بلندی به‌نام «قلای» و کلاه‌های ساده («شپکای») است؛ لباس زنانه پیراهن‌های پشمی سنگین با رنگ‌های روشن و نقش‌های هندسی است – طراحی‌ای که مستقیماً از اقلیم کوهستانی سرد و از سنت هنری خاص خود پامیری‌ها (نه از سنت اطلس/آدراس دشت‌های تاجیکستان) می‌آید.

یغناپی‌ها – آخرین بازماندگان زبان سغدی. یغناپی‌ها، با جمعیتی بین ۵ تا ۱۵ هزار نفر، از نظر زبان‌شناسی شگفت‌انگیزترین گروه این بخش‌اند: زبانشان تنها بازمانده زنده زبان سغدی باستان – زبان تمدن بزرگ جاده ابریشم پیش از ورود اسلام – است. آنان تاریخاً در دره‌های منزوی رود یغناپ زندگی می‌کردند، اما در دهه ۱۹۷۰ توسط دولت شوروی به‌اجبار به مناطق دیگر تاجیکستان کوچانده شدند. پوشش سنتی یغناپی امروز تقریباً کاملاً در پوشش عمومی تاجیکستانی محو شده – نمونه‌ای غم‌انگیز از آنچه در بخش «موزه یا زندگی؟» درباره خطر گم‌شدن دانش فرهنگی هنگام از میان رفتن جامعه حامل آن گفته شد.

پوشش «تاجیک دشت» – سلسله‌مراتب کلاه، کمربند و یقه. در مناطق سنتی‌تر تاجیک‌نشین (سُغد، ختلان، مناطق تابع مرکز)، نظام پوششی دقیقی وجود دارد که – درست مثل قزاقستان – سن، جنسیت، وضعیت تأهل و طبقه اجتماعی را هم‌زمان روایت می‌کند.

مردان: پیراهن تونیک‌مانند، شلوار گشاد («ایشتون»)، و ردای باز و راه‌راه («چین») که یقه، سرآستین و لبه‌اش با حاشیه‌دوزی تزئین می‌شود – امروز عمدتاً از مخمل، در مناطق کوهستانی هنوز از پشم دست‌ریس، و نسخه زمستانی‌اش لایی‌دار و گرم است. کمربند مردانه نشانه طبقه بود: مردان کم‌درآمد روسری‌ای پیچیده با گلدوزی

تاجیکستان؛ فراتر از تاجیک – پامیری‌ها و یغناپی‌ها

جمعیت تاجیکستان حدود ۶۵ تا ۸۰ درصد تاجیک (فارسی‌زبان، اکثریت سنی حنفی) است؛ ازبک‌ها بزرگ‌ترین اقلیت‌اند (عمدتاً در سُغد شمالی و دره فرغانه)، و روس‌ها، قرقیزها، ترکمن‌ها و یهودیان بخارایی دیگر گروه‌های کوچک‌تر. اما نکته مهم‌ترین این بخش، دو گروهی است که رسماً «تاجیک» شمرده می‌شوند اما از نظر زبانی، مذهبی و پوششی کاملاً متفاوت‌اند: پامیری‌ها و یغناپی‌ها.

پامیری‌ها – اسماعیلیان کوهستان، همسایه فراموش‌شده تاجیک سنی. در منطقه خودمختار کوهستان بدخشان (GBAO) – نیمی از مساحت تاجیکستان اما تنها ۲ تا ۳ درصد جمعیتش – اقوامی به‌نام‌های شغنانی، روشانی، وخی، ایشکاشمی، درواز و یزغلامی زندگی می‌کنند که هرکدام زبان ایرانی شرقی مستقل (و بی‌خط نوشتاری) خود را دارند و در زندگی روزمره از تاجیکی به‌عنوان زبان مشترک استفاده می‌کنند.

مارکوپولو در قرن سیزدهم، از کوهستانی‌های شغنان و بدخشان نوشت که هم مردان و هم زنان شلوارهای گشاد از پارچه کاغذمانند می‌پوشیدند و از پوست حیوانات نیز استفاده می‌کردند. در قرن نوزدهم، کنت الکسی بابرینسکی از «روبند» – نقاب صورت عروسان پامیری – نوشته است؛ سنتی که نشان می‌دهد پوشش زنان پامیری، مثل بسیاری از فرهنگ‌های این نوشتار، در مراسم عروسی نمادین‌ترین شکل خود را پیدا می‌کرد. در جامعه سنتی پامیری، تقسیم‌کار جنسیتی در تولید پارچه دقیق بود: مردان عمدتاً بافندگی می‌کردند و زنان نخ‌ریسی؛ پشم ضخیم و نازک، گاه مخلوط با ابریشم، تولید می‌شد.

امروز لباس سنتی پامیری در زندگی روزمره تقریباً به‌طور کامل جای خود را به پوشش مدرن داده – بیش از هر منطقه دیگر تاجیکستان – اما تأثیر

ترکیه؛ آناتولی به‌عنوان تقاطع هفت اقلیم فرهنگی

ترکیه رسماً شهروندانش را بر اساس قومیت طبقه‌بندی نمی‌کند، اما برآوردها از دست‌کم ۳۵ گروه قومی غیرترک خبر می‌دهند. کردها بزرگ‌ترین‌اند (بیش از ۱۰ میلیون نفر، عمدتاً جنوب‌شرق)، پس از آنان اعراب (نزدیک مرز سوریه)، لازها (سواحل شرقی دریای سیاه، حدود ۳۰۰ هزار نفر)، چرکس‌ها (۲ تا ۳ میلیون نفر، بازماندگان کوچ اجباری قفقاز در قرن نوزدهم)، گرجی‌ها، ارمنی‌ها و یونانی‌ها (امروز جمعیتی بسیار کوچک، اما میراث پوششی تاریخی غنی در استانبول و آناتولی شرقی). این تنوع مستقیماً روی نقشه پوششی ترکیه اثر گذاشته: پوشش آناتولی شرقی عناصر کردی، ارمنی و ایرانی/آذری را در خود دارد (پارچه‌های گلداز، پوشش سر پیچیده برای زنان، کمربندهای پهن مردانه با شلوار گشاد گلداز)؛ در حالی که جنوب ترکیه سبکی سبک‌تر و مدیترانه‌ای‌تر دارد.

بیلاق‌نشینان کوچ‌نشین - یورک‌ها و زیبک‌ها
یورک‌ها، بازماندگان کوچ‌نشینان ترکمن اوغوز که هزار سال پیش وارد آناتولی شدند، هنوز در برخی مناطق شیوه زندگی نیمه‌کوچ‌نشینی خود را حفظ کرده‌اند - کوچ فصلی بین بیلاق و قشلاق. آنان به تولید قالی و کیلیم دستباف مشهورند؛ در فرهنگ امروزی ترکیه، یورک‌ها و زیبک‌ها اغلب یک جامعه شمرده می‌شوند.

زیبک‌ها گروهی از جنگجویان نامنظم منطقه‌اژه بودند (قرن هفدهم تا اوایل قرن بیستم) که به‌عنوان نوعی «رابین‌هود» محلی شناخته می‌شدند - از ثروتمندان می‌گرفتند و به فقیران می‌دادند، و گاه در برابر مهاجمان از روستاها دفاع می‌کردند. لباسشان مستقیماً از شیوه زندگی‌شان می‌آمد: شلوار کوتاه گشاد آبی («چاشیر منورک») تا زانو، جلیقه دوروی مخملی بنفش («جامادان») روی پیراهن ابریشمی گلدوزی‌شده، ژاکت کوتاه

آستین‌بلند («چپکن») که آستین‌هایش گاه آزادانه از شانه آویزان می‌شد، کلاه قرمزماپل («کابالاک») با روبان گلدوزی‌شده به‌دست دختران جوان («پوسو») دور آن، کمربند پهن نیم‌متری که گاه اسلحه در آن جای می‌گرفت، و منگوله‌های بلند («کوزا»). رهبر هر گروه زیبک، «افه» نام داشت. رقص «زیبک» امروز - با حرکات آهسته، بازوان گشوده و زانوزدن نمادین - میراث مستقیم همین فرهنگ جنگاورانه است؛ نقش‌مایه‌های گلدوزی روی روسری‌های عروسی زیبکی، حتی نمادهای باروری (گل و نمادهای زن و مرد) را در خود دارد - ریشه‌ای که برخی پژوهشگران آن را به آیین‌های دیونیزوسی/پیریک آسیای صغیر باستان پیوند می‌دهند.

لازها - دریای سیاه، رقص هورون و پوشش کوهستان مرطوب. لازها، بومیان سواحل شرقی دریای سیاه (استان‌های آرتوین و ریزه)، زبان لازی مستقل خودشان (از خانواده زبان‌های قفقاز جنوبی، خویشاوند گرجی) و سنی‌مذهب‌اند. اقلیم مرطوب و کوهستانی دریای سیاه، پوششی عملی‌تر و کم‌آذین‌تر از زیبک‌های اژه ساخته: شلوار کوتاه تا زانو (شبیه شلوار سوارکاری)، فسی تزئین‌شده با گل‌های قلاب‌بافته که نماد کوهستان‌هاست، منگوله و کمربند ابریشمی که می‌توان اسلحه در آن جای داد، و چکمه بلند سیاه - پوششی که همراه رقص پرشور «هورون» (رقص جمعی دست‌درست دریای سیاه) شناخته می‌شود.

چرکس‌ها - مهاجران قفقاز که پوشش خود را نگه داشتند. چرکس‌های ترکیه (آدیغه و قبردی)، پس از کوچ اجباری از قفقاز شمالی در قرن نوزدهم (پیامد جنگ‌های روسیه-قفقاز)، در نواحی مرمره، آناتولی مرکزی و دریای سیاه اسکان یافتند. برخلاف بسیاری از اقلیت‌های ترکیه، چرکس‌ها زبان و بخشی از پوشش سنتی‌شان را - به‌ویژه در مراسم و جشن‌ها - حفظ کرده‌اند: لباس مردانه شامل «چرکسکا» (ردای بلند تنگ با جیب‌های فشنگ روی سینه، همان لباسی که در سراسر قفقاز، از

گرجستان تا چین، رایج بوده) و کلاه بلند پوستی است؛ لباس زنانه شامل ردای بلند و تنگ با کمربند نقره‌ای فلزی و کلاه استوانه‌ای بلند است. این پوشش، از نظر ریشه، با «چوخا»یی که در بخش آذربایجان دیدیم هم‌خانواده است - یادآور اینکه پوشش قفقازی یک نظام منطقه‌ای مشترک است که از مرزهای امروزی عبور می‌کند، دقیقاً همان نکته‌ای که در بخش «لباس مشترک؛ میراثی فراتر از مرزها» به آن پرداخته می‌شود.

کردهای ترکیه - همان الگو، مرز دیگر. پوشش کردهای جنوب‌شرق ترکیه (دیاربکر، وان، حکاری، شرناخ) اساساً همان نظام پوششی است که در بخش ایران به‌تفصیل توضیح داده شد - پیراهن گشاد، شلوار پانتول، کمربند پهن پارچه‌ای، کلاهک با عمامه پیچیده - با تفاوت‌های جزئی محلی؛ حضورشان در سه کشور همسایه (ایران، عراق، ترکیه) بار دیگر یادآور همان اصل تکرارشونده این نوشتار است: مرزهای سیاسی، مرزهای واقعی فرهنگ پوشاک نیستند.

پوشش عمومی روستایی - عناصر مشترک در هفت اقلیم. فراتر از این هویت‌های مشخص قومی، ترکیه هفت منطقه جغرافیایی رسمی دارد که هرکدام سبک پوششی روستایی خاص خود را حفظ کرده، اما با عناصر مشترکی که در سراسر کشور تکرار می‌شوند: شلوار گشاد («شلوار»), پیراهن یا بلوز («گو‌ملک»), کفش پارچه‌ای پنجه‌بالا («چاریک»), کمربند یا شال‌کمر («کوشاک»), دستمال گردن («مندیل») و جلیقه («یلک»). راه‌راه‌های رنگی، لباس‌های گلداز گشاد، لایه‌های متعدد و رنگ‌های زنده، در تقریباً همه این هفت سبک منطقه‌ای دیده می‌شوند - تنوعی در عین وحدت، که دقیقاً همان چیزی است که درباره آناتولی گفته شد: «پوشش سنتی آناتولی یک لباس واحد نیست، بلکه مجموعه‌ای از نظام‌های پوششی منطقه‌ای است.»



ترکمنستان؛ پنج قبیله، یک پرچم، یک زبان مشترک نقش

ترکمنستان از نظر پوشاک، شاید منسجم‌ترین کشور این نوشتار از نظر ساختار قومی باشد: جامعه ترکمن به پنج قبیله بزرگ تاریخی تقسیم می‌شود - تکه (مرکز و جنوب، قدرتمندترین و اکثریت امروز)، یموت (غرب، حاشیه خزر و همسایگی گلستان ایران - که پیش‌تر در بخش ایران دیدیم)، ارساری (شرق، حاشیه آمودریا و افغانستان)، سالور (باستانی‌ترین قبیله) و چودور. اهمیت این تقسیم‌بندی چنان است که پرچم ملی ترکمنستان - نمونه‌ای منحصربه‌فرد در جهان - نواری عمودی از پنج نقش قالی («گل») متعلق به این پنج قبیله را در خود جای داده: از بالا به پایین، گل‌های تکه، یموت، ارساری، چودور و سالور (که در برخی روایات، به‌نام قبیله ساریق نیز شناخته می‌شود).

نکته کلیدی این‌جاست: همین نقش‌های قومی که روی قالی بافته می‌شوند، دقیقاً همان نقش‌هایی‌اند که روی گلدوزی لباس و قاب کیف‌ها هم دیده می‌شوند - یعنی زبان بصری تشخیص قومیت در ترکمنستان یکسان است، چه روی زمین زیر پا باشد چه روی تن انسان. لباس عروس قبیله تکه، در جزئیات گلدوزی، با لباس عروس قبیله یموت فرق دارد - هرچند برش کلی هر دو شبیه است.

مردان - دون، تلپک و کمر بند ابریشمی. لباس مردانه از پیراهن و شلوار گشاد نخی یا پشمی (برای سهولت حرکت هنگام سوارکاری و کار) و رویش ردای بلند («دون» یا «چاپان») تشکیل می‌شد که با کمر بند ابریشمی («کتنه») بسته می‌شد - نسخه زمستانی‌اش گرم و ضخیم، نسخه تابستانی سبک‌تر. اما نماد اصلی هویت مردانه ترکمن، بی‌شک تلپک است: کلاه بزرگ و پرپشم از پوست گوسفند، که هم گرمای سر را در برابر سرمای بیابانی حفظ می‌کند و هم - به‌گفته خود

ترکمن‌ها - نشانه غرور و وقار مرد است. زنان - پوشش هفت‌کیلویی جواهر. لباس اصلی زنانه از شلوار زیرین («بلاق»)، پیراهن راست‌بر («کوینک») و سربندی متناسب با وضعیت تأهل تشکیل می‌شد؛ برخی طوایف روبند صورت («یاشماق»)، کمر بند («سال قوساق»/«بیل قوساک»)، ردای داخلی («کبیت» یا «کورت»ه) و برای بیرون، ردای دوم («چیرپی») نیز می‌پوشیدند. رنگ‌های غالب - یاقوتی، لعلی و تمشکی - در باور ترکمنی نماد قدرت و انرژی حیاتی طبیعت‌اند؛ الگوی گلدوزی روی یقه و سرآستین، بسته به منطقه و طایفه فرق می‌کرد و هر خیاط سبک منحصربه‌فرد خودش را داشت.

اما ویژگی برجسته‌ترین پوشش زنانه ترکمن، حجم جواهرات نقره‌ای است - که تقریباً تمام سر، جلو و پشت بالاتنه، و بازو و دست را می‌پوشاند و به‌وضوح جایگاه اجتماعی-اقتصادی خانواده را اعلام می‌کند. این جواهرات صرفاً تزئینی نیستند؛ در باور سنتی ترکمن، نقره محافظ در برابر شر است و عقیق (سنگ قرمز نشانده‌شده در بسیاری از جواهرات) نماد شجاعت و انرژی. هر نقش روی جواهرات معنای خاص خود را دارد: «یگیت» (نقش قهرمان) نماد شجاعت، «گوکچا» (شاخ قوچ) نماد فراوانی و برکت، «آسیک» (آویز قلبی‌شکل پشت گیس) نماد باروری و مادری، و «ایغمه» (تاج خمیده) که مخصوص عروسان است و گذار از دخترانگی به زنانگی را نشان می‌دهد.

عروسی - از تخیای رنگی تا سربند زنان متأهل. مراسم عروسی ترکمن، به‌طور فشرده، همه نمادهای پوششی این قوم را در یک روز به نمایش می‌گذارد. عروس ردای بلند و سنگین گلدوزی‌شده قرمز یا لعلی («کورت»ه) از ابریشم دست‌بافت («کتنه») می‌پوشد - رنگ قرمز باور به خاصیت جادویی محافظتی و خوش‌یمنی دارد. روی این لباس، مجموعه‌ای از جواهرات نقره‌ای که می‌تواند وزنش به چند کیلوگرم برسد آویخته می‌شود؛ مهم‌ترینشان تومار، طلسم مثلثی یا استوانه‌ای بزرگ روی سینه، و گوپیا، زینتی گنبدی‌شکل روی

سربند. عروس همچنین دستمالی روی صورت و شنلی گلدوزی‌شده به‌نام «کورت»ه می‌پوشد؛ به‌دلیل سنگینی این سربند و جواهرات، عروسان اغلب توسط دو عروس‌خواهر بزرگ‌تر همراهی می‌شوند تا بتوانند راه بروند.

آیینی به‌نام «باش‌سالماک» (تعویض سربند) چند روز پس از عروسی برگزار می‌شود: کلاhek رنگی دخترانه («تخیا») که عروس تا آن روز پوشیده، برای همیشه کنار گذاشته می‌شود و با سربند زن متأهل جایگزین می‌شود - مراسمی که با کشمکش نمایشی و شوخ‌طبعانه میان زنان خانواده عروس و داماد همراه است. چهار گیس دخترانه عروس نیز به دو گیس بافته و با آویز «آسیک» به هم وصل می‌شود؛ از این پس، زن هرگز اجازه ندارد کلاhek رنگی دخترانه بپوشد یا گیس‌هایش را باز بگذارد - نشانه‌ای دائمی و برگشت‌ناپذیر از وضعیت تأهل، دقیقاً مانند تفاوت یقه افقی/عمودی در پوشش زنان تاجیک که پیش‌تر دیدیم. داماد در همین مراسم، چپان تیره و تلپک بلند می‌پوشد؛ هر دو دست‌لباس، نماد شانس و خوشبختی برای زندگی مشترک تلقی می‌شوند.





راست‌بر («کویلاک»)، شلوار گشاد باریک‌شونده («ایشتون»)، و ردای لایی‌دار («چپان») بسته با شال کمر («کییکچا») تشکیل می‌شد؛ کمر بند در دست‌لباس رسمی از مخمل یا گلدوزی با تخته‌های نقره‌ای تزئین می‌شد – نشانهٔ دیگری از تفاوت طبقاتی. کلاه‌های دیگر مردانه شامل «چوغورما» (کلاه پوستی)، «قلپاق» و «قره‌قل» (پوست برهٔ آستراخان) بود. جالب اینکه در دوران کارزار ضد حجاب شوروی (از دههٔ ۱۹۲۰)، توجه دولت عمدتاً معطوف پوشش زنان بود؛ کلاه و عمامهٔ مردانه کمتر هدف قرار گرفت – برخی رهبران حزبی ازبک همچنان عمامه می‌پوشیدند، در حالی که برخی جدیدگرایان (جدیدیان) کت‌وشلوار غربی را نماد پیشرفت می‌دانستند و مخالفانشان آن را نشانهٔ روسی‌سازی می‌خواندند.

پوشش زنانه از پیراهن سادهٔ تونیک‌مانند خان‌اطلس و شلوار زیرین تشکیل می‌شد؛ لباس‌های جشن از ساتن با گلدوزی طلایی غنی دوخته می‌شد. سربند زنانه سه‌لایه بود: کلاهِک، روسری و عمامه – که می‌توانستند جداگانه یا هم‌زمان پوشیده شوند. طلا یا نقره، مکمل ثابت پوشش زنان ازبک در هر سنی بود. نقش‌های گلدوزی هرگز اتفاقی انتخاب نمی‌شدند: هر نقش یا معنایی جادویی-محافظتی داشت یا کارکردی عملی، و از روی آن می‌شد جایگاه اجتماعی صاحبش را خواند.



طلایی سنگین. از دل همین سنت، زرچپان – «ردای طلایی» تشریفاتی مرتبط با دربار امیران بخارا – پدید آمد؛ نمونه‌ای دیگر از الگوی تکرارشوندهٔ این نوشتار که پوشاک، جایگاه طبقاتی و قدرت سیاسی را هم‌زمان روایت می‌کند.

قرقلپاقستان – پارچهٔ نخی، رنگ سرخ، و جواهراتی به‌سنگینی زره. پوشش سنتی قرقلپاق از نظر مواد و رنگ کاملاً از ازبک شهری متمایز است: به‌دلیل اقلیم بیابانی و متغیر منطقه، پارچهٔ نخی و پشمی بر ابریشم و مخمل ترجیح داده می‌شد؛ نقش‌های هندسی جسورانه و پالت رنگی غالباً سرخ، امضای بصری پوشاک قرقلپاق است. جواهرات زنانه – درشت، لایه‌لایه و سنگین – گاه چنان حجیم بودند که کل پوشش را به‌شکل «زره‌مانند» درمی‌آوردند. سربند عروس قرقلپاق، ساوکلِه، مانند نمونهٔ قزاقی، کلاهی مخروطی-استوانه‌ای است؛ اما ترکیب دقیق آن پیچیده‌تر است: زیر آن پارچهٔ نرم («توماک») و رویش کلاه فلزی استوانه‌ای («توبلیک»، با صفحات فلزی محدب و سنگ‌های رنگی، فقط برای خانواده‌های ثروتمند) قرار می‌گرفت. روی همهٔ این‌ها، ردای بلند («جیپک-جگده») پوشیده می‌شد – پارچه‌ای ابریشمی راه‌راه قرمز که آستین‌های کاذب بلندش از پشت به هم بسته می‌شد؛ این جگده بخشی از جهیزیۀ عروس بود.

نکتهٔ ظریف و مهم فرهنگی: جگده، برخلاف چادری ازبکی یا چیرپی ترکمنی، هرگز با «چاپوان» (توری روی صورت) همراه نبود – یعنی زنان قرقلپاق، برخلاف بسیاری از همسایگان‌شان، صورت خود را نمی‌پوشاندند؛ جگده صرفاً کارکرد حفاظتی در برابر آفتاب سوزان، باد و باران داشت، نه پوشش صورت. عمامهٔ زنان متأهل قرقلپاق نیز نماد مادری بود و رنگش هم‌زمان با بزرگ‌شدن فرزندان‌شان تغییر می‌کرد – الگویی که یادآور کیمشک قزاقی و مراحل رنگی مشابه در سایر فرهنگ‌های این نوشتار است.

زنان و مردان ازبک – سه‌لایهٔ سر و کمر بند طبقاتی. پوشش مردانهٔ عمومی ازبک از پیراهن

ازبکستان؛ شش مکتب کلاه‌دوزی و قرقلپاق‌های صحرا

جمعیت ازبکستان حدود ۸۰ درصد ازبک است؛ تاجیک‌ها بزرگ‌ترین اقلیت‌اند (رقم رسمی ۵ تا ۸ درصد، اما برآوردهای غیررسمی به‌مراتب بالاتر است) و عمدتاً در دو کانون تاریخی و فرهنگی بخارا و سمرقند تمرکز دارند.

شش مکتب دوپی – کلاهی که آدرس صاحبش را می‌دهد. اگر بخواهیم یک عنصر واحد را نماد کل تنوع منطقه‌ای ازبکستان بدانیم، آن عنصر «دوپی» یا «توبیتیکا» – کلاهِک گرد یا چهارگوش سنتی – است. کارشناسان صنایع‌دستی ازبکستان شش مکتب اصلی دوپی‌دوزی را از هم متمایز می‌کنند: فرغانه، تاشکند، قشقاداریا-سرخان‌داریا، سمرقند، بخارا و خوارزم-قرقلپاق – هرکدام با فرم، نقش و پالت رنگی خاص خودشان، به‌گونه‌ای که یک ناظر آگاه، تنها با نگاه به کلاه فرد، می‌تواند منطقهٔ اصلی او را حدس بزند. مشهورترین و شناخته‌شده‌ترین نوع، دوپی چوست از درهٔ فرغانه است: کلاهِکی چهارگوش سیاه با چهار نقش بادامی‌شکل سفید گلدوزی‌شده – همان نقشی که پیش‌تر، در بخش «سنت در مد معاصر»، دربارهٔ ازبکستان به آن اشاره شد.

نکتهٔ ظریف دیگر: کلاهِک مردانه («توبیتیکا») نقش‌مایهٔ ساده و مشخص دارد؛ کلاهِک زنانه و کودکانه از ابریشم، مخمل یا زربفت با نقش‌های رنگارنگ‌تر و گاه با مهره، پولک یا سکه تزئین می‌شود؛ و زنان مسن‌تر معمولاً دیگر دوپی نمی‌پوشند، بلکه سرشان را با روسری می‌پوشانند – گاه با دو روسری هم‌زمان: یکی روی سر و دومی به‌شکل مورب تا به‌عنوان پیشانی‌بند.

بخارا – طلا روی مخمل. بخارا، به‌واسطهٔ تاریخ طولانی‌اش به‌عنوان پایتخت امارت بخارا و کانون علم و تجارت آسیای مرکزی، سبک پوششی خاص خودش را دارد: مخمل تیره («بمخل») و گلدوزی

۷. لباس مشترک؛ میراثی فراتر از مرزها

یکی از مهم‌ترین نکاتی که بررسی ده کشور اکو نشان می‌دهد، این است که بسیاری از عناصر فرهنگی منطقه در چارچوب مرزهای امروزی قابل توضیح نیستند – و ابریشم تنها نمونهٔ آن نیست. پرورش کرم ابریشم و تولید سنتی ابریشم برای بافندگی، میراثی است که هفت کشور منطقه – افغانستان، جمهوری آذربایجان، ایران، ترکیه، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان – در سال ۲۰۲۲ مشترکاً در فهرست یونسکو ثبت کردند [۸]. اما این تنها نمونهٔ عبور یک سنت پوششی از مرزهای سیاسی نیست: نقش‌مایه‌های قبیله‌ای ترکمن («گل») که در بخش ترکمنستان دیدیم، محدود به سرزمین ترکمن‌ها نمانده‌اند؛ همان نقش‌ها را قبایل افشار، بلوچ، کرد، لر، قشقایی و شاهسون در ایران نیز، از سده‌ها پیش، در گلدوزی و بافندگی خود به کار برده‌اند – نشانه‌ای از پیوند تاریخی این اقوام با سرزمین‌های ترکستان. گلدوزی چهارپانلی زنانه و کلاه آینه‌کاری‌شدهٔ مردانهٔ بلوچی را دقیقاً به همین شکل در سه کشور ایران، افغانستان و پاکستان دیدیم – چون قوم بلوچ خودش از مرزهای امروزی عبور می‌کند. همین اتفاق برای کردها افتاد: پوشش کردهای ایران، عراق و ترکیه از یک نظام واحد ریشه می‌گیرند، فقط با جزئیات محلی متفاوت. «چوخا» – ردای شانه‌دوز قفقازی – را هم زیر نام‌های محلی‌اش («چوخا» در آذربایجان، «چرکسکا» در میان چرکس‌های ترکیه) در سراسر قفقاز، از گرجستان تا چچن، می‌بینیم. و حتی خودِ واژهٔ «کلاغی» که برای روسری بزرگ زنانه در آذربایجان به کار می‌رود، در کردستان ایران نیز – با همان تلفظ نزدیک – برای روسری مشابه به‌کار می‌رود.

پارچه ممکن است در یک منطقه بافته شود، ماده اولیه از منطقه‌ای دیگر بباید، نقش‌ها از سنتی قدیمی‌تر الهام گرفته باشند، و محصول نهایی در مناسبت‌های مختلف مورد استفاده قرار گیرد. در چنین شرایطی، پرسش دیگر این نیست که

«این لباس متعلق به کدام کشور است؟» بلکه می‌توان پرسید: «این لباس چه داستانی دربارهٔ ارتباط میان ملت‌ها روایت می‌کند؟» این نگاه با مفهوم میراث مشترک در منطقهٔ اکو نیز سازگارتر است.

۸. آیا سنت باید بدون تغییر باقی بماند؟

آیا اگر یک لباس سنتی تغییر کند، دیگر سنتی نیست؟ پاسخ لزوماً مثبت نیست. اگر سنت را چیزی کاملاً ثابت بدانیم، بسیاری از سنت‌های زندهٔ امروز دیگر نمی‌توانند سنت محسوب شوند. آق‌کالپاک قرقیزستان در طول زمان تکامل یافته و بیش از هشتاد گونه دارد [۵]. کلاغایی آذربایجان در کنار رنگ‌ها و کاربردهای سنتی، همچنان در قالب فرآیندهای معاصر تولید می‌شود [۱]. چَکان تاجیکستان همچنان تولید و آموزش داده می‌شود و حتی به حوزهٔ طراحی و مد الهام می‌بخشد [۷]. Antep İşi ترکیه، که به‌شکل سنتی فقط سفید بود، امروز در رنگ‌های متنوع و روی اقلام مدرن نیز تولید می‌شود [۱۴]. در قزاقستان، عناصر پوشش سنتی وارد طراحی‌های معاصر شده‌اند [۱۹]؛ و حتی در جایی مثل سند پاکستان، کلاه و اجرک سنتی، از یک لباس روزمره، به نمادی تشریفاتی برای هدیه‌دادن به مهمان بدل شده‌اند – بدون آنکه معنایشان را از دست بدهند. پس شاید تعریف دقیق‌تر این باشد: سنت چیزی نیست که تغییر نکند؛ سنت چیزی است که در جریان تغییر، هویت خود را حفظ می‌کند.

۹. موزه یا زندگی؟

یک لباس تاریخی در موزه ارزش زیادی دارد. موزه می‌تواند آن را از نابودی حفظ کند، دربارهٔ آن تحقیق کند، آن را مستند کند و به نسل‌های آینده نشان دهد. اما اگر هیچ‌کس دیگر نداند چگونه آن را ببافد، چگونه بدوزد، چه زمانی ببوشد، چه معنایی دارد و چرا این نقش روی آن قرار گرفته

است، بخشی از دانش فرهنگی از بین رفته است – همان اتفاقی که امروز برای میراث یغناپی‌های تاجیکستان در حال وقوع است: جامعه‌ای که هویت پوششی مستقلش تقریباً به‌طور کامل در پوشش عمومی تاجیکستان محو شده است.

به همین دلیل، در پرونده‌های یونسکو دربارهٔ آق‌کالپاک [۴]، چَکان [۶]، کلاغایی [۱]، اطلس و آدراس تاجیکستان [۱۰] و Antep İşi [۱۳]، تأکید اصلی تنها بر نگهداری اشیا نیست؛ بلکه بر انتقال دانش و مهارت، آموزش، جامعهٔ حاملان و ادامهٔ استفاده قرار دارد. موزه می‌تواند حافظ شیء باشد؛ جامعه حافظ میراث است.

۱۰. لباس آینده چه شکلی خواهد داشت؟

شاید مهم‌ترین پرسش این نوشتار این نباشد که «لباس سنتی امروز چه شکلی است؟» بلکه این باشد: نسل آینده چه چیزی از لباس سنتی امروز را انتخاب خواهد کرد؟

ممکن است فرم لباس تغییر کند، پارچهٔ دیگری جایگزین شود، نقش سنتی روی یک لباس شهری ظاهر شود، یک گلدوزی از لباس جدا و روی کیف یا کفش قرار گیرد، کلاه سنتی فقط در مراسم پوشیده شود، یا یک فناوری قدیمی با ابزارهای جدید تولید شود. اما اگر معنا، مهارت و رابطهٔ فرهنگی همچنان باقی بماند، آیا هنوز می‌توان از تداوم سنت سخن گفت؟ تجربهٔ کشورهای اکو – از کالاشِ چترال که هنوز کوپاس صدف‌دوزی‌شده را به دختران پنج‌ساله می‌بخشد، تا صنعتگر مرغلانی که همان نقش قرن‌ها پیش را امروز با نخ ماشینی می‌بافد – پاسخ مثبتی به این پرسش می‌دهد.

ده کشور، ده روایت؛ کشور و روایت محوری

وقتی دربارهٔ میراث فرهنگی صحبت می‌کنیم، معمولاً به بناهای تاریخی، موزه‌ها، نسخه‌های

خطی و آثار هنری فکر می‌کنیم. اما برخی از مهم‌ترین میراث‌های فرهنگی، چیزهایی هستند که انسان‌ها هر روز با بدن خود حمل می‌کنند. لباس یکی از آن‌هاست.

در یک لباس سنتی ممکن است تاریخ یک منطقه، شرایط اقلیمی، مهارت یک بافنده، هنر یک گلدوز، خاطرهٔ یک خانواده، آیین یک جامعه و هویت یک نسل کنار هم قرار گرفته باشد. از کلاغایی جمهوری آذربایجان تا دوپی چوستِ فرغانه، از گلدوزی چهارپانلی بلوچ که سه کشور را به هم وصل می‌کند تا کوپاسِ صدف‌دوزی‌شدهٔ دختری پنج‌سالهٔ کالاش، یک موضوع مشترک دیده می‌شود: میراث زمانی زنده می‌ماند که نه‌فقط در وبترین، بلکه در دست بافنده، سوزن گلدوز، و انتخاب یک عروس برای لباسش حضور داشته باشد.

اگر یک لباس فقط در وبترین باقی بماند، ما یک شیء تاریخی را حفظ کرده‌ایم. اما اگر نسل جدید هنوز پارچه را بشناسد، نقش را بفهمد، مهارت را یاد بگیرد، لباس را در مراسم ببوشد و حتی آن را برای زندگی امروز بازطراحی کند، چیزی فراتر از یک شیء حفظ‌شده باقی می‌ماند: یک فرهنگ ادامه پیدا کرده است.

شاید بنابراین، بهترین پرسش دربارهٔ لباس سنتی این نباشد که «آیا این لباس هنوز همان لباسی است که اجداد ما می‌پوشیدند؟» بلکه باید پرسید: «آیا هنوز کسی هست که بداند چرا آن را می‌پوشیدند؟» و شاید پاسخ به همین پرسش، تفاوت میان حفظ یک لباس و زنده نگه‌داشتن یک میراث باشد. منابع

Turkmen People in Iran.”	
Advantour. “Kazakh National Dress.”	قزاقستان
Astana Times. “Kazakh Amulets: Guardians of Luck, Blessings and Ancient Traditions.”	
Astana Times. “Nauryz Celebration Spotlights Kazakh Traditional Attire.”	
e-history.kz. Materials on Kazakh traditional clothing and ethnographic heritage.	
National Museum of the Republic of Kazakhstan. Ethnographic collection and materials on traditional Kazakh clothing.	
Qazinform. “Threads of Tradition: The Symbolism and Craftsmanship of Kazakh Attire.”	ایران
Advantour. “Kyrgyz National Clothing.”	قرقیزستان
Central Asia Guide. “Kyrgyz Clothing.”	
Encyclopedia of Crafts in WCC-Asia Pacific Region. “Traditional Dress: Kyrgyzstan.”	
Minority Rights Group International. Kyrgyzstan.	
Tamga Travel. “Kyrgyz Women’s Headwear.”	
UNESCO. “Ak-kalpak Craftsmanship, Traditional Knowledge and Skills in Making and Wearing Kyrgyz Men’s Headwear.” ۲۰۱۹.	
Askari, Nasreen, and Rosemary Crill. Colours of the Indus: Costume and Textiles of Pakistan. London: M. Holberton in association with the Victoria and Albert Museum, ۱۹۹۷.	پاکستان
Pitt Rivers Museum. “Girl’s Headdress (Kalash).” Body Arts Collection.	
SAARC Culture. Malik, Shabnam Bahar. “Traditional Costumes of the Kalasha Kafirs of Chitral, Pakistan.”	
ResearchGate. “An Anthropological Study of Dress and Adornment Pattern Among Females of Kalash, District Chitral.”	
AZERTAC. Reports on the history, production centres and cultural significance of Kelaghayi.	
Azernews. Reports on Kelaghayi, including its production centres in Shaki and Basgal and its presentation at the ۱۸۶۲ London International Exhibition.	
Google Arts & Culture. “Karabakh Costumes.” Visions of Azerbaijan Magazine. “Azerbaijani National Costume.”	
UNESCO. “Traditional Art and Symbolism of Kelaghayi, Making and Wearing Women’s Silk Headscarves.” ۲۰۱۴.	
Encyclopaedia Iranica. “Clothing xxiv. Clothing of the Qaşqā’ī Tribes.” By Lois Beck.	
Encyclopaedia Iranica. “Clothing xviii. Clothing of the Baluch in Persia.” By Iran Ala Firouz and Mehr Monir Jahanbani.	
Encyclopaedia Iranica. “Clothing xvi. Kurdish Clothing in Persia.”	
Encyclopaedia Iranica. “Clothing xx. Clothing of Khorasan.”	
Encyclopaedia Iranica. “Clothing xxi. Turkic and Kurdish Clothing of Azarbaijan.”	
Encyclopaedia Iranica. “Clothing xxii. Clothing of the Caspian Area.”	
Encyclopaedia Iranica. “Clothing xxv. Clothing of the Baḳtīārīs and Other Lori-Speaking Tribes.”	
Encyclopaedia Iranica. “Clothing xxvi. Clothing and Jewelry of the Turkmen.”	
Encyclopaedia Iranica. “Clothing xxvii. Historical Lexicon of Persian Clothing.”	
Islamic Culture and Relations Organization (ICRO). “Traditional Clothing of Iranian Zoroastrians.”	
Textile Research Centre (TRC), Leiden. Beyond the Chador: Regional Dress from Iran.	
Tehran Times. “Men’s Costumes in Qashqai Tribe.” ۲۰۱۷.	
Tehran Times. “An In-Depth Look at Garments of	

Research Centre.	منابع اصلی و بین‌المللی
UNESCO. “Traditional Art and Symbolism of Kelaghayi, Making and Wearing Women’s Silk Headscarves.” Intangible Cultural Heritage. Inscribed in ۹) ۲۰۱۴.COM).	Askari, Nasreen, and Rosemary Crill. Colours of the Indus: Costume and Textiles of Pakistan. London: M. Holberton in association with the Victoria and Albert Museum, ۱۹۹۷.
UNESCO. “Ak-kalpak Craftsmanship, Traditional Knowledge and Skills in Making and Wearing Kyrgyz Men’s Headwear.” Intangible Cultural Heritage. Inscribed in ۱۴) ۲۰۱۹.COM).	Encyclopaedia Iranica. “Clothing.” Encyclopaedia Iranica, Vol. V, Fascs. ۸–۷. Published December ,۱۵ ۱۹۹۲; updated June ۲۰۱۳,۲۰.
UNESCO. “Chakan, Embroidery Art in the Republic of Tajikistan.” Intangible Cultural Heritage. Inscribed in ۱۳) ۲۰۱۸.COM).	Encyclopaedia Iranica. “Clothing xiii. Clothing in Afghanistan.” Encyclopaedia Iranica.
UNESCO. “Sericulture and Traditional Production of Silk for Weaving.” Intangible Cultural Heritage. Inscribed in ۱۷) ۲۰۲۲.COM).	Encyclopaedia Iranica. “Clothing xv. Clothing of Tajikistan.” Encyclopaedia Iranica.
UNESCO. “Traditional Knowledge and Skills of Production of the Atlas and Adras Fabrics.” Intangible Cultural Heritage. Inscribed in ۱۸) ۲۰۲۳.COM).	Encyclopaedia Iranica. “Clothing xvi. Kurdish Clothing in Persia.” Encyclopaedia Iranica.
UNESCO. “Margilan Crafts Development Centre, Safeguarding of the Atlas and Adras Making Traditional Technologies.” Register of Good Safeguarding Practices. Selected in ۱۲) ۲۰۱۷.COM).	Encyclopaedia Iranica. “Clothing xviii. Clothing of the Baluch in Persia.” By Iran Ala Firouz and Mehr Monir Jahanbani. Encyclopaedia Iranica.
UNESCO. “Antep İşi, Drawn Thread Embroidery of Gaziantep.” Intangible Cultural Heritage. Inscribed in ۲۰) ۲۰۲۵.COM).	Encyclopaedia Iranica. “Clothing xx. Clothing of Khorasan.” Encyclopaedia Iranica.
European Union Agency for Asylum (EUAA). EUAA Country Guidance: Afghanistan. ۲۰۲۴.	Encyclopaedia Iranica. “Clothing xxi. Turkic and Kurdish Clothing of Azarbaijan.” Encyclopaedia Iranica.
Minority Rights Group International. Afghanistan. Textile Research Centre (TRC), Leiden. Afghan Dress. Digital exhibition, Willem Vogelsang.	Encyclopaedia Iranica. “Clothing xxii. Clothing of the Caspian Area.” Encyclopaedia Iranica.
Encyclopaedia Iranica. “Clothing xiii. Clothing in Afghanistan.”	Encyclopaedia Iranica. “Clothing xxiv. Clothing of the Qaşqā’ī Tribes.” By Lois Beck. Encyclopaedia Iranica.
Azerbaijan.az. “Azerbaijani Traditional Clothing.” Official Portal of Azerbaijan.	Encyclopaedia Iranica. “Clothing xxv. Clothing of the Baḳtīārīs and Other Lori-Speaking Tribes.” Encyclopaedia Iranica.
	Encyclopaedia Iranica. “Clothing xxvi. Clothing and Jewelry of the Turkmen.” Encyclopaedia Iranica.
	Encyclopaedia Iranica. “Clothing xxvii. Historical Lexicon of Persian Clothing.” Encyclopaedia Iranica.
	Textile Research Centre (TRC), Leiden. Afghan Dress. Digital exhibition, Willem Vogelsang.
	Textile Research Centre (TRC), Leiden. Beyond the Chador: Regional Dress from Iran. Leiden: Textile

ازبکستان

Government of Uzbekistan. “National Clothes.”
Advantour. “Traditional Uzbek Clothing: History, Dress, Fabrics and Regional Styles.”
Legacy.uz. “What Was Included in the Clothing Set of Karakalpak Women?”
San'at Magazine Archive. “Wedding Costume of Karakalpak Woman.”
San'at Magazine Archive. “Archetypes and Aesthetics of the Karakalpak Costume of the XIX Century.”
UNESCO. “Margilan Crafts Development Centre, Safeguarding of the Atlas and Adras Making Traditional Technologies.” ۲۰۱۷.
UNESCO. “Traditional Knowledge and Skills of Production of the Atlas and Adras Fabrics.” ۲۰۲۳.
Uzbekistan Travel. Materials on women’s clothing, khan-atlas and adras fabrics.

Pamir Times. “My Cap, My Pride: The Women’s Caps from Gilgit-Baltistan.”

تاجیکستان

Advantour. “Tajik National Clothing.”
Asia-Plus. Reports on Tajik Chakan embroidery and traditional textile production.
ADC Memorial. Nationless Ethnic Groups of Tajikistan: Pamiri, Jugh, Yaghnobi.
Fashiongton Post. “Complete Guide to Tajik Clothing.”
Minority Rights Group International. Pamiris in Tajikistan.
Voices on Central Asia. “The History of the Tajik Costume: An Interview with Guzel Maitdinova.”
UNESCO. “Chakan, Embroidery Art in the Republic of Tajikistan.” ۲۰۱۸.
UNESCO. “Traditional Knowledge and Skills of Production of the Atlas and Adras Fabrics.” ۲۰۲۳.

ترکیه

Every Culture. “Culture of Turkey.”
Folkdance Footnotes. “Zeybek Costume.”
Society of Folk Dance Historians. “Turkish Folk Dance.”
UNESCO. “Antep İşi, Drawn Thread Embroidery of Gaziantep.” ۲۰۲۵.
UNESCO. “Sericulture and Traditional Production of Silk for Weaving.” ۲۰۲۲.

ترکمنستان

Government of Turkmenistan. “The National Robe as a Part of the Culture of the Turkmen People.”
Google Arts & Culture. “Traditional Turkmen Women’s Jewelry of the Teke Tribe.”
TRC Leiden – Textile Research Centre. “Turkmen Traditional Dress.”
Advantour. “Turkmen Clothing and Jewelry.”
UNESCO. “Sericulture and Traditional Production of Silk for Weaving.” ۲۰۲۲.

فصل دوم

رویدادها و تازه‌های فرهنگی موسسه اکو (گزارش
فعالیت‌ها، نشست‌ها، نمایشگاه‌ها و همکاری‌های اخیر)





ترکیه (RTÜK)، ساختار نظارتی این شورا را در سه سطح نظارت حاکمیتی، تحلیل بازخوردهای مردمی و تقویت خودنظارتی رسانه‌ها تشریح کرد.

سخنران اصلی نشست، خانم فیزا گیزلیگیدر، رئیس اداره توسعه راهبردی شورای عالی رادیو و تلویزیون ترکیه (RTÜK)، با واکاوی تکنیک‌های روان‌شناختی رسانه‌ها برای تأثیرگذاری بر ذهن مخاطب، بر ضرورت آموزش مهارت‌های تحلیلی برای مصون ماندن از جهت‌دهی‌های ناخودآگاه رسانه‌ای تأکید کرد.

این نشست که به دبیری جناب آقای دکتر احمد آکالین، دستیار مدیر مؤسسه فرهنگی اکو، اجرا شد، با تأکید بر هم‌افزایی تجربیات منطقه‌ای، بستری برای تبادل دیدگاه‌های علمی جهت دستیابی به الگوی بومی سواد رسانه‌ای در کشورهای عضو اکو فراهم آورد.



کنفرانس بین‌المللی «سواد رسانه‌ای» در مؤسسه فرهنگی اکو برگزار شد

کنفرانس بین‌المللی «سواد رسانه‌ای» در تاریخ ۲۷ مردادماه ۱۴۰۵ در محل مؤسسه فرهنگی اکو، با حضور صاحب‌نظران و هیئت اعزامی شورای عالی رادیو و تلویزیون ترکیه (RTÜK) در محل مؤسسه فرهنگی اکو برگزار شد.

در این رویداد که با استقبال خبرگزاری‌ها و اهالی رسانه همراه بود، ظرفیت‌های منطقه‌ای برای مقابله با چالش‌های عصر اطلاعات بررسی شد. جناب آقای سفیر محمد حسن، رئیس مؤسسه فرهنگی اکو، در افتتاحیه این رویداد، سواد رسانه‌ای را نه صرفاً کار با ابزارهای دیجیتال، بلکه مهارتی برای درنگ، پرسشگری و صحت‌سنجی دانست و تأکید کرد: در عصر هوش مصنوعی و اخبار جعلی، باید نسل جوان را به ابزارهای فکری مجهز کنیم تا نه مصرف‌کنندگان منفعل، بلکه متفکرانی مستقل باشند. وی با اشاره به فرامرزی بودن تهدیدات دیجیتال، خواستار تبدیل این کنفرانس به آغازی برای همکاری‌های پایدار منطقه‌ای شد.

در این نشست جناب آقای پروفسور دکتر هیکابی کیلانگیچ، سفیر جمهوری ترکیه در ایران، نیز با اشاره به عبور رسانه از چارچوب‌های سنتی، بیان داشت: فضای رسانه‌ای امروز بسیار پیچیده شده و تفکیک حقیقت از دروغ، به‌ویژه برای کودکان و نوجوانان، به چالشی حیاتی تبدیل شده است که نیازمند رویکردی هوشمندانه و جمعی است.

در ادامه، پیام جناب آقای مهمت دانیش، رئیس شورای عالی رادیو و تلویزیون ترکیه (RTÜK)، توسط خانم فاطمه گولچ، معاون اداره توسعه راهبردی شورای عالی رادیو و تلویزیون ترکیه (RTÜK)، قرائت شد. در این پیام، سواد رسانه‌ای ابزاری کلیدی برای تقویت تاب‌آوری جوامع خوانده شد. همچنین جناب آقای احمد یوجل، معاون اداره توسعه راهبردی شورای عالی رادیو و تلویزیون

بازدید هیأت شورای عالی رادیو و تلویزیون ترکیه از مرکز پخش برنامه‌های کودک و نوجوان ایران

تهران - ۲۹ مرداد ۱۴۰۵: هیأتی از شورای عالی رادیو و تلویزیون ترکیه (RTÜK) که برای شرکت در «کنفرانس بین‌المللی سواد رسانه‌ای» به تهران سفر کرده بود، از مرکز پخش برنامه‌های کودک و نوجوان سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران بازدید کرد.

این بازدید در ادامه برنامه‌های هیأت شورای عالی رادیو و تلویزیون ترکیه در تهران و با هدف آشنایی با ظرفیت‌های ایران در حوزه تولید محتوای رسانه‌ای برای کودکان و نوجوانان انجام شد.

در این دیدار، خانم فیزا گیزلی‌گی‌در، رئیس اداره توسعه راهبردی شورای عالی رادیو و تلویزیون ترکیه، به همراه هیأت ترکیه حضور داشت. همچنین دکتر احمد آکالین، دستیار مدیر مؤسسه فرهنگی اکو، و الهه سادات موسوی‌نژاد، کارشناس فرهنگی مؤسسه در این نشست حضور داشتند.

محمدصادق باطنی، رئیس مرکز کودک و نوجوان صداوسیما، ضمن معرفی فعالیت‌های این مرکز، گزارشی از برنامه‌های تلویزیونی، محتوای دیجیتال و تولیدات پویانمایی، از جمله فعالیت‌های شبکه پویا، ارائه کرد.

در ادامه، دو طرف درباره اهمیت تولید محتوای فرهنگی و آموزشی برای کودکان و نوجوانان، سواد رسانه‌ای و رویکردهای نوین در تولید محتوای رسانه‌ای برای مخاطبان کودک و نوجوان گفت‌وگو کردند.

خانم گیزلی‌گی‌در نیز ضمن معرفی اقدامات شورای عالی رادیو و تلویزیون ترکیه در زمینه ارتقای سواد رسانه‌ای کودکان و نوجوانان، بر نقش خانواده در تقویت سواد رسانه‌ای و کمک به کودکان برای مواجهه آگاهانه و نقادانه با محتوای رسانه‌های

دیجیتال تأکید کرد.

این دیدار فرصتی برای تبادل تجربیات ایران و ترکیه در زمینه رسانه کودک، تولیدات پویانمایی و سواد رسانه‌ای و زمینه‌سازی برای همکاری‌های فرهنگی و رسانه‌ای میان دو کشور فراهم کرد.



زمینه‌های همکاری میان نهادهای تنظیم‌گر رسانه‌ای ایران و ترکیه بررسی شد

تهران - زمینه‌های توسعه همکاری و تبادل تجربیات میان نهادهای تنظیم‌گر رسانه‌ای ایران و ترکیه، با تمرکز بر ارتقای سواد رسانه‌ای، مقابله با اخبار جعلی و اطلاعات نادرست و ترویج مصرف مسئولانه محتوای رسانه‌ای، در دیدار هیأت شورای عالی رادیو و تلویزیون ترکیه (RTÜK) با مسئولان سازمان تنظیم مقررات رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر (ساترا) بررسی شد.

هیأت شورای عالی رادیو و تلویزیون ترکیه (RTÜK) که به منظور شرکت در «کنفرانس بین‌المللی سواد رسانه‌ای» به میزبانی مؤسسه فرهنگی اکو (ECI) به تهران سفر کرده بود، در جریان این سفر با شماری از نهادهای رسانه‌ای و فرهنگی ایران دیدار و گفت‌وگو کرد.

در همین چارچوب، روز ۲۸ مرداد ۱۴۰۵ (۱۹ اوت ۲۰۲۶)، خانم فیزا گیزلی‌گی‌در، رئیس اداره توسعه راهبردی شورای عالی رادیو و تلویزیون ترکیه، به

همراه هیأت اعزامی این شورا با مسئولان سازمان تنظیم مقررات رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر (ساترا) دیدار کرد. دکتر احمد آکالین، دستیار مدیر مؤسسه فرهنگی اکو، نیز در این نشست حضور داشت.

در این دیدار، تحولات اخیر و چالش‌های حوزه رسانه مورد بحث و بررسی قرار گرفت و بر اهمیت ارتقای سواد رسانه‌ای به‌عنوان ابزاری مؤثر برای افزایش توانمندی افراد در مواجهه با اخبار جعلی و اطلاعات نادرست تأکید شد.

همچنین، طرفین درباره راه‌های تقویت همکاری و تبادل تجربیات میان نهادهای رسانه‌ای ایران و ترکیه در زمینه سواد رسانه‌ای گفت‌وگو کردند و بر اهمیت توسعه برنامه‌های سواد رسانه‌ای در منطقه اکو تأکید شد.

از دیگر محورهای این نشست، موضوع مصرف مسئولانه محتوای رسانه‌ای و ضرورت تقویت مهارت‌های تحلیلی و تفکر انتقادی برای ارزیابی اطلاعات، تشخیص منابع معتبر و مقابله با اطلاعات نادرست بود.

این دیدار در راستای تقویت تعاملات رسانه‌ای و تبادل تجربیات میان نهادهای تخصصی دو کشور و با تأکید بر نقش همکاری‌های منطقه‌ای در ارتقای سواد رسانه‌ای و مقابله با اطلاعات نادرست برگزار شد.



هیئت شورای عالی رادیو و تلویزیون ترکیه از موزه سینمای ایران بازدید کرد

هیئت شورای عالی رادیو و تلویزیون ترکیه (RTÜK) در ادامه برنامه‌های خود در تهران و در چارچوب کنفرانس بین‌المللی سواد رسانه‌ای که به همت مؤسسه فرهنگی اکو (ECI) برگزار شد، از موزه سینمای ایران بازدید کرد.

در روز ۲۰ اوت ۲۰۲۶، فیضه گیزلی‌گی‌در، رئیس اداره توسعه راهبردی شورای عالی رادیو و تلویزیون ترکیه (RTÜK)، به همراه هیئت این شورا از موزه سینمای ایران بازدید کرد. دکتر احمد آکالین، دستیار مدیر مؤسسه فرهنگی اکو (ECI) نیز هیئت را در این بازدید همراهی کرد.

در ابتدای این بازدید، هیئت در جریان گزارشی جامع درباره تاریخچه و روند شکل‌گیری و توسعه سینمای ایران و جایگاه آن در عرصه بین‌المللی قرار گرفت. همچنین اطلاعاتی درباره کارگردانان برجسته و شناخته‌شده سینمای ایران و آثار آنان، به‌ویژه عباس کیارستمی، ارائه شد. در این بخش، نقش سینمای ایران در معرفی و ترویج میراث فرهنگی کشور و تقویت حضور و شناخت بین‌المللی ایران نیز مورد توجه قرار گرفت.

اعضای هیئت در ادامه از مجموعه‌ای از اسناد و آثار سینمایی مرتبط با روند تاریخی تحول سینمای ایران و همچنین وسایل شخصی و اسناد آرشیوی متعلق به کارگردانان و هنرمندان برجسته سینمای ایران بازدید کردند.

در جریان این بازدید، درباره دستاوردهای بین‌المللی سینماگران ایرانی و نحوه پرداخت سینمای ایران به موضوعات مختلف اجتماعی از جمله جامعه، خانواده، کودکان و جوانان نیز گفت‌وگو شد. در این مباحث، بر نقش سینما در انتقال ارزش‌های فرهنگی، افزایش آگاهی اجتماعی و تقویت تعاملات فرهنگی میان جوامع مختلف تأکید شد.

ادبی حکیم آبای، او را بنیان‌گذار ادبیات نوین قزاقی و متفکری در تراز جهانی معرفی کرد که اندیشه‌هایش درباره آموزش، علم، کار و عدالت همچنان راهگشای جامعه امروز است. وی با اشاره به منابع معنوی اثرگذار بر اندیشه آبای، تأکید کرد که میراث این فیلسوف بزرگ، گنجینه‌ای مشترک برای تمام بشریت و پلی استوار برای تقویت پیوندهای فرهنگی و انسانی به شمار می‌رود. بخش علمی این نشست با ارائه دیدگاه‌های تخصصی صاحب‌نظران ادامه یافت. پروفسور اسلام چمنی، رئیس مرکز تحقیقات علمی توران-ایران دانشگاه ملی فارابی قزاقستان، در سخنرانی خود برپایی مکتب فکری آبای را بر پایه خردگرایی و پیوند عقل و اخلاق دانست و تأکید کرد که از منظر وی، بنیاد دین بر عشق به خداوند، انسان و عدالت استوار است. همچنین خانم دکتر مهرم قربانبک قیزی کولبایووا، مدیر گروه فولکلور و شعر در انستیتوی چنگیز آیتماتوف آکادمی ملی علوم قرقیزستان، به بررسی جایگاه حکیم آبای در تحکیم پیوندهای ادبی قزاق و قرقیز و نقش اثرگذار مجموعه «کلمات حکمت» در بیداری آگاهی اجتماعی پرداخت.

در ادامه، دکتر محمدمین شاهجوئی، استادیار پژوهشگاه علوم انسانی، میراث فکری آبای را از منظر اخلاق همدلی و مفهوم «دیگری» واکاوی کرد و سعادت بشری را در گرو گشودگی به سوی حقیقت دانست. سپس پروفسور نوربای جباروف، معاون آموزشی دانشگاه دولتی زبان و ادبیات ازبکی علیشیر نوایی، با بررسی سنت علیشیر نوایی در آثار آبای، تصریح کرد که هر دو متفکر با ارج نهادن به رسالت سخن، تکامل اخلاقی و معنوی نسل آینده را هدف خود قرار داده بودند. در بخش پایانی این مراسم که با دبیری خانم دکتر زهرا اصلانی اجرا شد، پس از پخش فیلم مستند معرفی زندگی و اندیشه‌های حکیم آبای به همت سفارت قزاقستان، آیین اهدای هدایای فرهنگی برگزار گردید. در این بخش، «چپن قزاقی» (جامه سنتی قزاقستان) از سوی سفیر این کشور به رئیس مؤسسه فرهنگی اکو اهدا شد. همچنین

کشور در حوزه سواد رسانه‌ای انجام شد.



نشست بین‌المللی «سیمای اندیشه آبای در آئینه اکو» برگزار شد

مؤسسه فرهنگی اکو با همکاری سفارت جمهوری قزاقستان در ایران، مراسمی را با عنوان «سیمای اندیشه آبای در آئینه اکو»، در تاریخ دوشنبه ۲ شهریورماه ۱۴۰۵، در تالار همایش‌های بین‌المللی این مؤسسه و با حضور سفرای کشورهای عضو اکو، مقامات و جمعی از پژوهشگران برگزار کرد. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی مؤسسه فرهنگی اکو، آقای سفیر محمد حسن، رئیس مؤسسه فرهنگی اکو، در ابتدای بخش سخنرانی‌ها، با تأکید بر اینکه حکیم آبای قونانبای فراتر از مرزهای جغرافیایی قزاقستان، متفکری در سطح منطقه اکو و جهان است، اندیشه‌های او را پاسخی زنده به پرسش‌های انسان امروز دانست. وی با اشاره به مفهوم بنیادین «انسان کامل» و اهمیت تمایز میان دانش و خرد در نگاه آبای، تصریح کرد که احیای راستین جامعه نیازمند نوسازی درون انسان، تقویت اخلاق و پیوند میان سنت و تجدد است تا همگرایی میان ملت‌های برادر در منطقه اکو بیش از پیش تقویت شود.

در ادامه، آقای دکتر اونتالاپ اونالبایف، سفیر جمهوری قزاقستان، با تجلیل از مقام علمی و

هیئت شورای عالی رادیو و تلویزیون ترکیه از دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران بازدید کرد

هیئت شورای عالی رادیو و تلویزیون ترکیه (RTÜK) در ادامه برنامه‌های خود در تهران و در چارچوب کنفرانس بین‌المللی سواد رسانه‌ای که به همت مؤسسه فرهنگی اکو (ECI) برگزار شد، از دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران بازدید کرد.

در روز ۱۹ اوت ۲۰۲۶، فیضه گیزی‌گیدر، رئیس اداره توسعه راهبردی شورای عالی رادیو و تلویزیون ترکیه (RTÜK)، به همراه هیئت این شورا از دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران بازدید کرد. دکتر احمد آکالین، دستیار مدیر مؤسسه فرهنگی اکو (ECI) نیز هیئت را در این بازدید همراهی کرد.

در جریان این بازدید، هیئت شورای عالی رادیو و تلویزیون ترکیه با دکتر سعیدرضا عاملی، استاد ارتباطات، دکتر رضا دهقانی، رئیس گروه مطالعات ترکی دانشکده مطالعات جهان، و جمعی از اعضای هیئت علمی دیدار و گفت‌وگو کرد.

در این دیدار، هیئت ترکیه در جریان فعالیت‌ها و مطالعات دانشکده تهران در حوزه سواد رسانه‌ای قرار گرفت.

همچنین، زمینه‌های احتمالی همکاری میان شورای عالی رادیو و تلویزیون ترکیه (RTÜK) و دانشگاه تهران در حوزه سواد رسانه‌ای مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

در ادامه این دیدار، توافق شد زمینه لازم برای اشتراک‌گذاری و دسترسی گروه مطالعات ترکی دانشکده مطالعات جهان به انتشارات شورای عالی رادیو و تلویزیون ترکیه (RTÜK)، به‌ویژه در حوزه سواد رسانه‌ای، فراهم شود.

این دیدار در راستای تقویت تعاملات علمی و تبادل تجربیات میان نهادهای دانشگاهی و تخصصی دو

در پایان این بخش از برنامه، فیضه گیزی‌گیدر، رئیس هیئت شورای عالی رادیو و تلویزیون ترکیه (RTÜK)، برای ثبت یادبود این بازدید، دفتر یادبود ویژه بازدیدکنندگان موزه را امضا کرد.

در ادامه، هیئت با دکتر فاطمه محمدی، مدیر موزه سینمای ایران، دیدار و گفت‌وگو کرد. دکتر محمدی در این دیدار توضیحاتی درباره جایگاه بین‌المللی سینمای ایران، تجربه کشور در معرفی ارزش‌های فرهنگی خود به مخاطبان بین‌المللی از طریق سینما و اقدامات انجام‌شده در این زمینه ارائه کرد.

در این دیدار همچنین تأثیر سینما بر خانواده، کودکان و جوانان مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت. دکتر محمدی با اشاره به شیوه پرداخت سینمای ایران به این موضوعات، این تجربه را ارزشمند دانست و آن را دارای ظرفیت‌هایی برای بهره‌گیری در برنامه‌ها و ابتکارات مرتبط با سواد رسانه‌ای عنوان کرد.





«کتاب یک‌صفحه‌ای»، اثر آقای مهدی میرعظیمی، به سفرای حاضر و مهمانان این نشست تقدیم شد.

هنرهای مردمی گرفته تا ادبیات، موسیقی و فرهنگ شفاهی، بخشی ارزشمند از تنوع فرهنگی منطقه اکو را شکل می‌دهد. این میراث مشترک و متنوع، ظرفیت بزرگی برای گسترش گفت‌وگوی فرهنگی و تقویت همکاری‌های منطقه‌ای فراهم کرده است. مؤسسه فرهنگی اکو در این مناسبت فرخنده، برای دولت و ملت جمهوری قرقیزستان صلح، ثبات، پیشرفت، رفاه و شکوفایی روزافزون آرزو می‌کند و امیدوار است روابط و همکاری‌های فرهنگی میان قرقیزستان و دیگر کشورهای عضو اکو بیش از پیش گسترش یابد. روز استقلال جمهوری قرقیزستان مبارک باد.

بهره گرفت. به گفته وی، این رویکرد نشان می‌دهد که تنوع فرهنگی می‌تواند زمینه‌ساز گفت‌وگو، غنای متقابل و همکاری میان ملت‌ها باشد.

دکتر محمد حسن در پایان سخنان خود، میراث آبای را برای منطقه اکو همچنان الهام‌بخش دانست و تأکید کرد که با وجود گذشت بیش از یک قرن از درگذشت این متفکر، بسیاری از چالش‌هایی که او درباره آنها هشدار داده بود همچنان در جوامع انسانی وجود دارد.

وی پیام ماندگار آبای را در این ایده خلاصه کرد که «احیای جامعه از احیای انسان آغاز می‌شود» و خاطرنشان کرد که تلاش برای گسترش دانش، خرد، عدالت، کرامت انسانی و اخلاق می‌تواند مهم‌ترین راه برای زنده نگه داشتن میراث فکری این اندیشمند بزرگ منطقه باشد.

پیام تبریک مؤسسه فرهنگی اکو به مناسبت روز استقلال جمهوری قرقیزستان

تهران – مؤسسه فرهنگی اکو فرارسیدن روز استقلال جمهوری قرقیزستان را به دولت و ملت شریف این کشور صمیمانه تبریک و شادباش می‌گوید.

۳۱ اوت (۹ شهریور)، یادآور استقلال جمهوری قرقیزستان و یکی از مهم‌ترین نقاط عطف در تاریخ معاصر این کشور است؛ روزی که نمادی از هویت ملی، حاکمیت و اراده مردم قرقیزستان برای ساختن آینده‌ای مستقل و شکوفا به شمار می‌رود. مؤسسه فرهنگی اکو با تأکید بر جایگاه ارزشمند جمهوری قرقیزستان در میان کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی، بر پیوندهای تاریخی و فرهنگی عمیق میان ملت‌های منطقه و نقش این پیوندها در تقویت تفاهم، دوستی و همکاری میان کشورهای عضو تأکید دارد.

میراث غنی قرقیزستان، از سنت‌های دیرینه و



کمال انسانی در پیوند میان ذهن، قلب و اراده شکل می‌گیرد؛ ذهن برای دانش و درک، قلب برای شفقت و انسانیت و اراده برای تبدیل باورها به عمل.

رئیس مؤسسه فرهنگی اکو همچنین با اشاره به پیشرفت‌های شتابان علمی و فناوری و ظهور هوش مصنوعی، این پرسش را مطرح کرد که آیا افزایش قدرت و دسترسی انسان به اطلاعات، الزاماً به معنای افزایش خرد و انسانیت او نیز هست. وی تأکید کرد که همین پرسش‌هاست که اندیشه آبای را برای جهان امروز همچنان زنده و معنادار نگه می‌دارد.

دکتر محمد حسن در بخش دیگری از سخنان خود، «کلمات حکمت» (قارا سوزدر) را از مهم‌ترین آثار آبای برای شناخت اندیشه‌های او دانست و خاطرنشان کرد که پرسش‌های مطرح‌شده در این اثر درباره اخلاق، دانش، رفتار انسانی، ثروت، کار و ضعف‌های فردی و اجتماعی، همچنان با زندگی انسان معاصر ارتباط دارند.

وی همچنین با اشاره به پیوند اندیشه آبای با معارف اسلامی و عرفان، اظهار داشت که از دیدگاه او، ایمان حقیقی باید در رفتار انسان و در قالب عدالت، مهربانی و مسئولیت‌پذیری نسبت به دیگران نمود پیدا کند. در ادامه، رئیس مؤسسه فرهنگی اکو بر اهمیت نگاه باز آبای به فرهنگ‌ها و سنت‌های فکری مختلف تأکید کرد و گفت که آبای با حفظ ریشه‌های خود در فرهنگ قزاق، از معارف اسلامی، ادبیات شرق و جریان‌های فکری روسی و اروپایی

دکتر محمد حسن: احیای جامعه از احیای انسان آغاز می‌شود

دکتر محمد حسن، رئیس مؤسسه فرهنگی اکو (ECI)، در سخنرانی خود در نشست بین‌المللی بزرگداشت حکیم آبای قونانبایو-لی، با تشریح ابعاد فکری و فلسفی این شاعر و اندیشمند برجسته قزاق، بر ماندگاری اندیشه‌های آبای و ارتباط عمیق آن با مسائل انسان معاصر تأکید کرد.

دکتر محمد حسن در این نشست، آبای را از جمله متفکرانی دانست که اندیشه‌هایشان فراتر از زمان و جغرافیای زندگی‌شان تداوم یافته است و گفت دغدغه اصلی او، چگونگی بهتر شدن انسان و نقش انسان‌های بهتر در ساختن جامعه‌ای بهتر بود.

رئیس مؤسسه فرهنگی اکو با اشاره به شرایط اجتماعی دوران آبای، از جمله جهل، فساد، حسادت، جاه‌طلبی و رقابت‌های ناسالم، اظهار داشت که آبای صرفاً به توصیف مشکلات جامعه خود نپرداخت، بلکه ریشه‌های این مسائل را مورد پرسش قرار داد و بر این باور بود که اصلاح پایدار جامعه باید از ذهن، قلب و وجدان انسان آغاز شود.

وی دانش و آموزش را یکی از پایه‌های اصلی اندیشه آبای برشمرد و تأکید کرد که از نگاه او، دانش صرفاً به معنای انباشت اطلاعات نیست، بلکه زمانی ارزشمند است که موجب تحول انسان، تقویت قدرت تفکر، افزایش مسئولیت‌پذیری و توانایی خدمت به دیگران شود.

دکتر محمد حسن همچنین با اشاره به ارتباط آبای با ادبیات روسی و ترجمه آثار نویسندگانی همچون پوشکین، لرمانتوف و کریلوف، این رویکرد را نمونه‌ای از گفت‌وگوی میان‌فرهنگی دانست و خاطرنشان کرد که گشودگی به روی فرهنگ‌ها و اندیشه‌های دیگر، لزوماً به معنای از دست دادن هویت نیست.

وی در ادامه، مفهوم «انسان کامل» در اندیشه آبای را مورد توجه قرار داد و گفت که در نگاه این متفکر،



هدف این نشست، معرفی ابعاد مختلف فرهنگ و میراث فرهنگی ترکیه و فراهم کردن زمینه‌ای برای شناخت بیشتر پیوندها و اشتراکات فرهنگی میان کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی بود.

دکتر گوکهان چتین‌کایا، رایزن فرهنگی و امور رسانه‌ای سفارت جمهوری ترکیه در تهران، در سخنرانی خود با عنوان «حافظه فرهنگی ترکیه»، این حافظه را گنجینه‌ای کم‌نظیر برخاسته از تاریخی ریشه‌دار، میراث تمدنی چندلایه و تنوع فرهنگی این سرزمین توصیف کرد که به گفته او، به‌واسطه میراث ملموس و ناملموس خود، یکی از مهم‌ترین حاملان حافظه تاریخی و فرهنگی جوامع انسانی به شمار می‌رود.



او با استناد به سخن شاعر یحیی کمال بیاتلی -«آینده‌ای که ریشه در گذشته دارد»- این عبارت را یکی از گویاترین توصیف‌ها از هویت فرهنگی ترکیه دانست؛ نگرشی که نه حسرت بازگشت به گذشته دارد و نه آینده‌ای بریده از گذشته، بلکه از گذشته نیرو می‌گیرد و آن را به آینده منتقل می‌کند.

چتین‌کایا در ادامه به سیر تاریخی شکل‌گیری فرهنگ ترک پرداخت و از جوامع نخستین ترک در آسیای مرکزی سخن گفت که با نظام سازمان‌دهی، سنت دولت‌داری، ساختار حقوقی، توان نظامی و فرهنگ شفاهی غنی خود، بنیان‌های تمدنی ویژه‌ای پدید آوردند. او گفت این میراث با پذیرش اسلام از سوی ترکان و به‌ویژه در دوران سلجوقیان بزرگ، در علم، هنر و معماری به شکوفایی رسید و ترکان از این پس تنها بخشی از تمدن اسلامی نبودند، بلکه در گسترش و انتقال آن به سرزمین‌های دیگر نیز نقش‌آفرین شدند.

ترکی با فرهنگ‌های منطقه‌ای وسیع‌تر تعامل داشت.

رئیس مؤسسه فرهنگی اکو همچنین جهان ترک را از ترکیه تا آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان و ترکمنستان، جلوه‌های گوناگونی از یک میراث مشترک ترکی دانست که همزمان با سنت‌های فارسی، عربی، اسلامی، روسی، چینی، قفقازی و بسیاری سنت‌های دیگر منطقه اوراسیا نیز در تعامل بوده است. او تصریح کرد مؤسسه فرهنگی اکو می‌کوشد در سلسله‌نشست‌های معرفی کشورهای عضو، نه‌تنها بناها و دستاوردهای تاریخی، بلکه فرهنگ زنده مردمان -موسیقی، ادبیات، سنت‌ها، خلاقیت و جلوه‌های معاصر فرهنگی آنان- را نیز به معرض دید بگذارد.



سفیر ترکیه: اشتراکات فرهنگی، زمینه‌ساز نزدیکی جوامع منطقه

پروفسور دکتر حجابی کرلانگیچ، سفیر جمهوری ترکیه در جمهوری اسلامی ایران، در بخش دیگری از نشست درباره اهمیت پاسداشت و معرفی فرهنگ کشورها صحبت کرد. او بر نقش معرفی فرهنگی در شناخت بهتر ملت‌ها تأکید و توجه به اشتراکات فرهنگی را یکی از زمینه‌های مهم برای نزدیک‌تر شدن جوامع منطقه عنوان کرد.

حافظه فرهنگی ترکیه؛ روایت گوکهان چتین‌کایا از میراثی چندلایه

تاریخی، از دید او، در آن است که این سنت‌ها تنها در کنار یکدیگر قرار نگرفتند، بلکه در تعامل با هم به شکل‌گیری جلوه‌های فرهنگی جدید انجامیدند.

رئیس مؤسسه فرهنگی اکو همچنین بر اهمیت تنوع فرهنگی، تعامل و گشودگی در شکل‌گیری پویایی فرهنگی منطقه تأکید کرد و افزود هدف مؤسسه، ایجاد یکدستی فرهنگی نیست، بلکه کشف، ثبت و پاسداشت پیوندهایی است که میان ملت‌های منطقه وجود دارد. او گستره این پهنه فرهنگی را از آناتولی تا آسیای مرکزی، فلات ایران، قفقاز، افغانستان و پاکستان دانست و گفت شناخت مسیرهای فرهنگی یکدیگر می‌تواند به درک بهتر تاریخ مشترک و ترسیم آینده‌ای مشترک کمک کند.

حسن در بخش دیگری از سخنانش، فرهنگ ترکیه را چینه‌ای از لایه‌های فرهنگی توصیف کرد که طی قرن‌ها به دست مردمان، سنت‌ها، ادیان، زبان‌ها و اندیشه‌های گوناگون شکل گرفته است و توانایی این فرهنگ در جذب، انطباق و آفرینش صورت‌های تازه را یکی از نقاط قوت اصلی آن دانست؛ ویژگی‌ای که به گفته او در معماری، موسیقی، ادبیات، آشپزی، صنایع‌دستی، شهرها و زندگی روزمره ترکیه قابل مشاهده است.

او افزود تأثیرات فرهنگی ترک و عثمانی از مرزهای آناتولی فراتر رفته و در سراسر منطقه اکو، از آسیای مرکزی و قفقاز تا ایران، افغانستان و پاکستان، ردپایی برجای گذاشته است. حسن با اشاره به پیوندهای تاریخی میان آناتولی و ترک‌زبانان آسیای مرکزی گفت طی قرون متمادی، مسیرهای ارتباطی میان آسیای مرکزی، ایران و آناتولی بستر جابه‌جایی مردمان، دانشمندان، شاعران، صنعتگران و اندیشه‌ها بوده و تجربه سلجوقی نمونه‌ای از پیوند میان جهان ترک آسیای مرکزی، حوزه فرهنگی ایران و آناتولی است. به گفته او، امپراتوری عثمانی نیز بعدها به یکی دیگر از کانون‌های مهمی تبدیل شد که در آن سنت‌های ادبی، هنری و معماری



تعمیق شناخت فرهنگی، هدف اصلی سلسله نشست ها

دکتر محمد حسن، رئیس مؤسسه فرهنگی اکو، در آغاز برنامه ضمن خیرمقدم به سفیر جمهوری ترکیه، سخنرانان، پژوهشگران و حاضران، درباره اهداف برگزاری سلسله نشست‌های فرهنگی معرفی کشورهای عضو اکو صحبت کرد.

او با اشاره به این‌که کشورهای عضو اکو پیش‌تر نیز از طریق روابط تاریخی و دیپلماتیک شناختی از یکدیگر داشته‌اند، خاطرنشان کرد هدف این مجموعه نشست‌ها، تعمیق این شناخت و فراتر رفتن از آشنایی‌های معمول دیپلماتیک و تاریخی است. به گفته او، مؤسسه فرهنگی اکو در این برنامه‌ها می‌کوشد فرهنگ کشورهای عضو را در تنوع، سرزندگی و جلوه‌های معاصر آن بازشناسی کند و فرصت‌هایی برای پیوند عمیق‌تر ملت‌های منطقه فراهم آورد.

حسن در ادامه، ترکیه را نمونه‌ای قابل‌توجه از پویایی و تکامل فرهنگ‌ها دانست و با اشاره به تاریخ فرهنگی آناتولی، از حضور و تأثیر لایه‌های مختلف تمدنی در شکل‌گیری فرهنگ امروز ترکیه سخن گفت. به گفته او، آناتولی طی هزاران سال محل تلاقی تمدن‌های گوناگون بوده و فرهنگ امروز ترکیه میراث‌دار تمدن‌ها و سنت‌های متعددی از جمله هیتی‌ها، فریگی‌ها، لیدی‌ها، جهان یونانی و هلنیستی، روم و بیزانس، سلجوقیان و سپس امپراتوری عثمانی است. اهمیت این روند

پروژه‌های دیجیتال مرکز در زمینه هویت پوشش ترک، تاریخ هنر و اسطوره‌شناسی ترکیه، و نیز پروژه‌ای درباره فرهنگ آشپزی ترکیه و تأثیر آن بر فرهنگ آشپزی جهان اشاره کرد.



نسخه‌های خطی؛ حافظه‌ی مکتوب مشترک
پروفسور دکتر گولر دوغان آوربک، استاد دانشگاه مرمره ترکیه، در بخش دیگری از نشست، نقش میراث فرهنگی در حفاظت از حافظه مشترک را محور سخنان خود قرار داد و بر مجموعه آثار و نسخه‌های خطی در ترکیه تمرکز کرد.

او به پیدایش و گسترش سنت نسخه‌های خطی اسلامی پرداخت و توضیح داد فعالیت‌های مرتبط با حفظ، فهم و تبیین قرآن کریم در سرزمین‌های اسلامی، به شکل‌گیری و گسترش سنت نسخه‌نویسی و کتابت انجامید. این سنت، به گفته آوربک، در حوزه‌هایی چون کاغذ، جلدسازی، خوشنویسی، تذهیب و تصویرگری نیز توسعه یافت و میراث ارزشمندی برجای گذاشت؛ میراثی که هزاران نسخه خطی در مجموعه‌های رسمی و خصوصی ترکیه از آن حکایت دارد.

او در ادامه به روند تاریخی فهرست‌برداری و ثبت نسخه‌های خطی در ترکیه پرداخت و از پروژه «فهرست جامع نسخه‌های خطی ترکیه» (TÜYATOK) و تأسیس مؤسسه نسخه‌های خطی ترکیه در سال ۲۰۱۰ به‌عنوان مراحل مهم این روند نام برد. این مؤسسه وظایفی همچون



پروژه‌های مرکز فرهنگی آتاتورک؛ از داستان‌های ترکی تا هویت پوشش

دانشیار دکتر زکی ارسلان، رئیس مرکز فرهنگی آتاتورک ترکیه، فعالیت‌ها و پروژه‌های این مرکز را معرفی کرد. او از برگزاری سمپوزیوم‌ها، کنگره‌ها، کارگاه‌ها و نشست‌های تخصصی ملی و بین‌المللی به‌عنوان بخشی از فعالیت‌های این نهاد یاد کرد و گفت مرکز فرهنگی آتاتورک تاکنون ۱۰ دوره کنگره بین‌المللی فرهنگ ترک را برگزار کرده است.

او همچنین به پروژه‌های علمی و نوآورانه مرکز اشاره کرد، از جمله معرفی آثار و اندیشه شخصیت‌های برجسته ترک و ترجمه و انتشار بین‌المللی این آثار. یکی دیگر از موضوعات مطرح‌شده، گردآوری داستان‌های ترکی از دوره پیش از اسلام تا امروز در پایگاه اطلاعاتی masal.gov.tr بود. در همین راستا، ارسلان پروژه «ماسال، ماسال، ترکیه» را معرفی کرد که در قالب یک اپلیکیشن تلفن همراه، این داستان‌ها را در اختیار مخاطبان قرار می‌دهد؛ داستان‌هایی که به هشت زبان ترجمه شده‌اند و اپلیکیشن مربوطه در بیش از ۱۵۰ کشور جهان دانلود شده است.

به گفته او، در قالب پروژه «ماسال، ماسال، دنیای ترک»، داستان‌های جمهوری آذربایجان نیز با همکاری سفارت این کشور به این مجموعه افزوده شده و همکاری با قزاقستان، ازبکستان، ترکمنستان و قرقیزستان نیز در این زمینه ادامه خواهد داشت. ارسلان در پایان سخنانش به

دوستی و مهربانی میان انسان‌ها، عشق به انسان، مدارا و غنای معنوی را از ارکان اصلی هویت فرهنگی ترکیه برشمرد که جلوه‌های آن را می‌توان در استکان چای‌خانه‌های محلی، سفره‌های روستایی و سنت مهمان‌نوازی مردم مشاهده کرد. او همچنین معماری آتاتولی، موسیقی سنتی ترکی -از آثار ایتری و دده‌افندی تا آیین‌های مولویه و ترانه‌های محلی بوزلاق و هوران- و هنرهای سنتی همچون خوشنویسی، ابرو، تذهیب، نگارگری، کاشی‌کاری، مسگری و بافت قالی و گلیم را از حاملان اصلی این حافظه فرهنگی دانست.

او آشپزی ترکیه را نیز سنتی غنی برخاسته از تعامل فرهنگ‌ها و جغرافیاهای گوناگون توصیف کرد که از غذاهای روغن‌زیتونی و انواع کباب تا باقلوا و خوراک‌های دریای سیاه و اژه را دربرمی‌گیرد؛ میراثی که با عضویت شهرهای غازآنتپ و هاتای در شبکه شهرهای خلاق یونسکو در سطح بین‌المللی نیز به رسمیت شناخته شده است.

چتین‌کایا در بخش پایانی سخنانش با اشاره به ثبت ۲۲ اثر ترکیه در فهرست میراث جهانی یونسکو و ۳۰ عنصر در فهرست میراث فرهنگی ناملموس، این سرمایه فرهنگی را بخشی جدایی‌ناپذیر از میراث مشترک بشریت دانست. او پاسداری از این حافظه فرهنگی و انتقال آن به نسل‌های آینده را یکی از مهم‌ترین مسئولیت‌های جمهوری ترکیه خواند و به کاوش‌های باستان‌شناختی، موزه‌ها، کتابخانه‌ها، پژوهش‌های نسخ خطی و طرح‌های میراث فرهنگی دیجیتال در سراسر ترکیه به‌عنوان نمونه‌هایی از این تلاش اشاره کرد.

او در پایان تأکید کرد بخش مهمی از میراث فرهنگی ناملموس ترکیه با میراث فرهنگی کشورهای عضو مؤسسه فرهنگی اکو مشترک است و پاسداری از این میراث مشترک می‌تواند به گسترش همکاری‌های فرهنگی میان کشورهای عضو یاری رساند. چتین‌کایا سخنان خود را با نقل‌قولی از مصطفی کمال آتاترک، بنیان‌گذار جمهوری ترکیه، به پایان برد: «پایه و اساس جمهوری ترکیه، فرهنگ است».

به گفته او، پیروزی ملازگرد در سال ۱۰۷۱ میلادی صرفاً یک پیروزی نظامی نبود، بلکه آتاتولی را به عرصه‌ای بدل کرد که در آن تجربه دولت‌داری آسیای مرکزی با سنت علمی و هنری تمدن اسلامی درآمیخت و یکی از مهم‌ترین حوزه‌های فرهنگی جهان اسلام را پدید آورد. حیات شهری شکل‌گرفته در دوره سلجوقیان آتاتولی، به گفته چتین‌کایا، در دوران عثمانی به بلوغ رسید و در دوره جمهوری نیز از طریق نهادهای نوین حفظ و به نسل‌های بعد منتقل شد.

او تأکید کرد آنچه امروز «ترکیه» خوانده می‌شود، محصول یک دوره یا جغرافیای محدود نیست، بلکه حاصل تلاقی میراث ملت‌ها و تمدن‌های گوناگون از آسیای مرکزی تا بالکان است که در آتاتولی به هم رسیده‌اند؛ سرزمینی که در آن تفاوت‌ها نه عامل جدایی، بلکه سرچشمه غنای تمدنی بوده‌اند. به گفته او، تمدن‌های متعددی از هیتی‌ها و روم و بیزانس گرفته تا سلجوقیان و عثمانیان در این سرزمین اثر برجای گذاشته‌اند و این دوره‌های گوناگون، نه با حذف یکدیگر بلکه غالباً با تأثیر و تعامل متقابل، غنای فرهنگی امروز ترکیه را رقم زده‌اند.

رایزن فرهنگی سفارت ترکیه با اشاره به سخن نویسنده احمد حمدی تانپینار -«با تداوم، دگرگون شدن؛ و با دگرگونی، تداوم یافتن»- گفت این نگرش را می‌توان در شهرها، معماری، موسیقی، ادبیات، هنرهای سنتی و فرهنگ غذای ترکیه مشاهده کرد. او در همین چارچوب به چند شهر آتاتولی اشاره کرد: استانبول به‌عنوان محل تداوم تمدن‌های روم، بیزانس و عثمانی؛ قونیه به‌عنوان نماد عرفان؛ آنکارا به‌عنوان نماد آرمان‌نوسازی جمهوری؛ ماردین به‌عنوان جلوه‌ای از تنوع فرهنگی؛ و شانلی‌اورفا با میراثی که از گوبکلی‌تپه تا حران را دربرمی‌گیرد و یکی از ایستگاه‌های مهم تاریخ تمدن بشری به شمار می‌آید. طبیعت دریای سیاه و میراث سواحل اژه و مدیترانه را نیز از دیگر جلوه‌های این تلاقی تاریخ و طبیعت دانست.

چتین‌کایا با اشاره به بیتی از یونس امره درباره



فراهم کرد. در پایان این برنامه که با مدیریت دکتر احمد آکالین، دستیار مدیر مؤسسه فرهنگی اکو، برگزار شد، بر اهمیت شناخت و پاسداشت میراث فرهنگی، توجه به عناصر مشترک میان ملت‌های منطقه و تداوم گفت‌وگوهای فرهنگی میان کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی تأکید شد.



یوسوف، ملانصرالدین را یکی از نمونه‌های مهم میراث فرهنگی مشترک منطقه دانست؛ شخصیتی که در کشورهای مختلف با نام‌های متفاوت شناخته می‌شود: «نصرالدین هوجا» در ترکیه، «ملا نصرالدین» در جمهوری آذربایجان، «نصرالدین افندی» در بسیاری از مناطق آسیای مرکزی، و در ایران با «ملامشفق» پیوند خورده است.

او با مروری بر روایت‌های تاریخی و محلی مرتبط با این شخصیت، توضیح داد در آسیای مرکزی بسیاری او را اهل بخارا می‌دانند، در حالی که در آناتولی او را شخصیتی تاریخی متعلق به دوره سلجوقیان می‌شناسند. نخستین منابع مکتوب درباره ملانصرالدین به قرن سیزدهم میلادی بازمی‌گردد.

یوسوف همچنین به پیوند این میراث با دو شهر بخارا و آق‌شهر اشاره کرد: در سال ۱۹۷۰ مجسمه‌ای از ملانصرالدین در بخارا نصب شد و هر سال جشنواره ملانصرالدین در این شهر برگزار می‌شود؛ در ترکیه نیز جشنواره بین‌المللی ملانصرالدین در آق‌شهر برپا می‌شود. به گفته او، بخارا و آق‌شهر هر دو از شهرهایی هستند که بخشی از این میراث مشترک را حفظ کرده‌اند و می‌توانند نمونه‌ای از میراث فرهنگی مشترک منطقه اکو باشند.

جمع‌بندی: تنوع فرهنگی، بستری برای پیوند نه فاصله

نشست فرهنگی «معرفی ترکیه» در مؤسسه فرهنگی اکو، دیدگاه‌های متنوعی درباره فرهنگ، تاریخ، میراث مکتوب و عناصر فرهنگی مشترک میان کشورهای منطقه را در کنار هم قرار داد. بر پایه آنچه در این نشست مطرح شد، تنوع فرهنگی نه تنها مانعی برای پیوند میان ملت‌ها نیست، بلکه می‌تواند زمینه‌ساز شناختی عمیق‌تر و غنی‌تر شدن روابط فرهنگی باشد.

معرفی فرهنگ ترکیه در همین چارچوب، فرصتی برای توجه به مسیرهای تاریخی و فرهنگی مشترک میان آناتولی و دیگر بخش‌های حوزه تمدنی اکو

فهرست‌نگاری، دیجیتال‌سازی و انتشار آثار را دنبال می‌کند و در سال ۲۰۲۳ داده‌های حاصل از یک قرن فعالیت فهرست‌نگاری را از طریق یک پورتال در اختیار جهانیان قرار داده است

آوربک بر ضرورت تکمیل فهرست‌های نسخه‌های خطی و دسترسی به اطلاعات این مجموعه‌ها تأکید کرد و پیشنهاد داد پورتالی مرکزی با قابلیت اتصال به پایگاه‌های داده کشورهای مختلف ایجاد شود؛ اقدامی که از نظر او می‌تواند در ترسیم حافظه مشترک فکری جوامع مسلمان و جایگاه آنان در هنر، علم و فرهنگ مؤثر باشد. او دیجیتال‌سازی و در دسترس قرار دادن نسخه‌های خطی برای عموم را از روش‌های مناسب حفاظت از این آثار دانست و همچنین بر ضرورت نگهداری نسخه‌های خطی در محل اصلی و جلوگیری از خروج غیرقانونی آن‌ها تأکید کرد.



ملانصرالدین، نمادی از میراث مشترک منطقه

آقای انور یوسوف، پژوهشگر و نویسنده مستقل ازبکستان، در ادامه نشست درباره جایگاه میراث فرهنگی مشترک در منطقه اکو صحبت کرد. او با اشاره به مأموریت سازمان همکاری اقتصادی و مؤسسه فرهنگی اکو، یادآور شد پیوند میان کشورهای منطقه تنها به همکاری‌های اقتصادی محدود نمی‌شود، بلکه تاریخ، فرهنگ و میراث فرهنگی مشترک نیز از عناصر مهم این ارتباط هستند.

چهارمین شماره خبرنامه مؤسسه فرهنگی اکو منتشر شد

تهران - اوت ۲۰۲۶، چهارمین شماره خبرنامه مؤسسه فرهنگی اکو با عنوان ECI Newsletter – August ۲۰۲۶ منتشر شد. این شماره، مروری بر مهم‌ترین فعالیت‌ها، برنامه‌های فرهنگی و علمی، و تعاملات دیپلماتیک و نهادی مؤسسه فرهنگی اکو در ماه اوت ۲۰۲۶ ارائه می‌کند و بازتاب‌دهنده تلاش‌های مستمر مؤسسه در جهت تقویت گفت‌وگوی فرهنگی و گسترش همکاری‌های منطقه‌ای است.

در پیام آغازین این شماره، سفیر محمد حسن، رئیس مؤسسه فرهنگی اکو، بر نقش رو به گسترش مؤسسه در ایجاد پیوند میان مردم، نهادها و فرهنگ‌های منطقه تأکید کرده است. وی همچنین بر اهمیت بهره‌گیری از میراث فرهنگی مشترک منطقه به‌عنوان سرمایه‌ای زنده برای تعمیق تفاهم متقابل و تقویت همکاری میان ملت‌های منطقه تأکید می‌کند.

یکی از مطالب اصلی این شماره به برنامه فرهنگی و علمی «اندیشه آبی از منظر اکو» اختصاص دارد که با همکاری سفارت جمهوری قزاقستان در ایران برگزار شد. این برنامه با حضور سفرا، مقامات، استادان و پژوهشگران، به بررسی میراث فکری و فرهنگی آبی قونان‌بای‌اولی، متفکر و شاعر برجسته قزاق، و جایگاه اندیشه‌های وی در گستره فرهنگی و تمدنی منطقه اکو پرداخت.

همچنین، کنفرانس بین‌المللی سواد رسانه‌ای که در مؤسسه فرهنگی اکو برگزار شد، از دیگر محورهای مهم این شماره است. این کنفرانس با حضور کارشناسان، فعالان حوزه رسانه و هیأتی از شورای عالی رادیو و تلویزیون ترکیه (RTÜK)، به بررسی چالش‌های عصر اطلاعات و اهمیت سواد رسانه‌ای، تفکر انتقادی و همکاری منطقه‌ای در مواجهه با تحولات فضای اطلاعاتی پرداخت. بخش دیگری از خبرنامه به دیدارها و تعاملات

مؤسسه با نمایندگان کشورهای مختلف اختصاص دارد. دیدار با مسئول امور مطبوعاتی و آموزشی سفارت پاکستان، سفیر جمهوری قرقیزستان، سفیر مجارستان و سفیر کوبا، و همچنین دیدار با دکتر سید عسکر موسوی، پژوهشگر، نویسنده و شاعر افغان، از جمله این برنامه‌هاست که بر توسعه همکاری‌های فرهنگی، تبادل دانش و تجربه و شکل‌گیری ابتکارات مشترک تأکید داشتند.

در بخش دیگری از این شماره، حضور رئیس مؤسسه فرهنگی اکو در کنفرانس علمی «رابعه بلخی؛ چهره درخشان عصر سامانی» که در سفارت جمهوری تاجیکستان در تهران برگزار شد، مورد توجه قرار گرفته است. این برنامه فرصتی برای تأکید بر جایگاه رابعه بلخی در میراث ادبی و تمدنی مشترک منطقه و ضرورت معرفی و گسترش این میراث در سطح گسترده‌تر فراهم کرد.

خبرنامه مؤسسه فرهنگی اکو در این شماره، تصویری از تداوم فعالیت‌های مؤسسه در مسیر تقویت پیوندهای فرهنگی، توسعه گفت‌وگوی میان‌فرهنگی، تسهیل تبادل علمی و فکری و گسترش ارتباطات مردمی میان کشورهای منطقه اکو ارائه می‌دهد.

چهارمین شماره خبرنامه مؤسسه فرهنگی اکو، اوت ۲۰۲۶، اکنون منتشر شده و در دسترس علاقه‌مندان قرار دارد.



نمایشگاه عکس «تاجیکستان در مسیر رشد و شکوفایی» در مؤسسه فرهنگی اکو افتتاح شد

نمایشگاه عکس «تاجیکستان در مسیر رشد و شکوفایی» در مؤسسه فرهنگی اکو افتتاح شد. نمایشگاه عکس «تاجیکستان در مسیر رشد و شکوفایی» روز دوشنبه ۷ سپتامبر ۲۰۲۶ با حضور جمعی از چهره‌های برجسته دیپلماتیک، دانشگاهی، فرهنگی و هنری در مؤسسه فرهنگی اکو گشایش یافت.

تهران - ۱۶ شهریور ۱۴۰۵ - آیین افتتاح این نمایشگاه با حضور دکتر نظام‌الدین زاهدی، سفیر جمهوری تاجیکستان در تهران، سفیران و نمایندگان دیپلماتیک، اندیشمندان، هنرمندان و جمعی از فعالان حوزه فرهنگ برگزار شد.

در آغاز این مراسم، جناب سفیر محمد حسن، رئیس مؤسسه فرهنگی اکو، ضمن خوشامدگویی به میهمانان، بر اهمیت برگزاری این نمایشگاه در معرفی چهره معاصر تاجیکستان و تقویت پیوندهای فرهنگی میان کشورهای منطقه تأکید کرد.

وی نمایشگاه «تاجیکستان در مسیر رشد و شکوفایی» را فراتر از مجموعه‌ای از تصاویر دانست و اظهار داشت که آثار ارائه‌شده، روایتگر مردم، میراث فرهنگی، هویت و چشم‌اندازهای این کشور و همچنین حرکت تاجیکستان در مسیر توسعه و پیشرفت است.

رئیس مؤسسه فرهنگی اکو با اشاره به حضور سفیر محترم جمهوری تاجیکستان در این مراسم، حضور وی را نشانه‌ای از اهمیت همکاری‌های فرهنگی و تعهد تاجیکستان به تقویت روابط میان ملت‌های منطقه دانست.

سفیر محمد حسن همچنین بر تلاش تاجیکستان برای حرکت همزمان در مسیر توسعه و حفظ و ترویج هویت و میراث فرهنگی این کشور تأکید

کرد و افزود که این نمایشگاه تصویری از پیوند میان گذشته، حال و آینده تاجیکستان را در برابر مخاطبان قرار می‌دهد؛ تصویری که در آن معماری معاصر در کنار آثار تاریخی، پوشاک و رسوم سنتی در کنار زندگی امروز و چشم‌اندازهای طبیعی در کنار شهرهای رو به توسعه قرار گرفته‌اند.

وی با اشاره به پیوندهای تاریخی و فرهنگی عمیق تاجیکستان با تمدن منطقه، از رودکی، غنای شعر فارسی و میراث فرهنگی مشترک به عنوان بخشی از پیوندهای دیرینه میان ملت‌های منطقه یاد کرد و بر نقش فرهنگ و هنر در نزدیک‌تر کردن ملت‌های منطقه تأکید نمود.

رئیس مؤسسه فرهنگی اکو در ادامه اظهار امیدواری کرد که برگزاری این نمایشگاه زمینه‌ساز شناخت عمیق‌تر، دوستی بیشتر و شکل‌گیری پیوندهای فرهنگی مستحکم‌تر میان ملت‌های منطقه اکو باشد.

پس از آن، دکتر نظام‌الدین زاهدی، سفیر جمهوری تاجیکستان در تهران، به ایراد سخنرانی پرداخت. وی در سخنان خود با اشاره به سی‌وپنجمین سالگرد استقلال جمهوری تاجیکستان که در ۹ سپتامبر ۲۰۲۶ برگزار خواهد شد، به مسیر تاریخی این کشور طی سه دهه گذشته و دستاوردها و تحولات تاجیکستان در مسیر توسعه و شکوفایی پرداخت.

سفیر تاجیکستان همچنین با اشاره به موضوع نمایشگاه، آن را فرصتی برای ارائه تصویری از تاجیکستان امروز و معرفی ظرفیت‌های فرهنگی، تاریخی و طبیعی این کشور دانست. به گفته وی، آثار این نمایشگاه در بخش‌های مختلفی از جمله آداب و رسوم، سنت‌ها، معماری، طبیعت و جاذبه‌های گردشگری تاجیکستان ارائه شده‌اند و مجموعه این تصاویر می‌تواند مخاطبان را به سفری تصویری و مجازی در گوشه‌های مختلف این کشور ببرد.



در ادامه، آیین گشایش رسمی نمایشگاه برگزار شد و حاضران از مجموعه آثار به نمایش درآمده بازدید کردند.



نمایشگاه عکس «تاجیکستان در مسیر رشد و شکوفایی» با ارائه تصاویری از جلوه‌های مختلف زندگی، فرهنگ، میراث، معماری، طبیعت و ظرفیت‌های گردشگری تاجیکستان، تصویری از این کشور در مسیر حفظ هویت فرهنگی و حرکت به سوی توسعه و آینده را به مخاطبان ارائه می‌کند. برگزاری این نمایشگاه در مؤسسه فرهنگی اکو در آستانه سی‌وپنجمین سالگرد استقلال تاجیکستان، فرصتی برای معرفی فرهنگ و ظرفیت‌های این کشور و همچنین گامی در جهت تعمیق روابط فرهنگی و تقویت تعامل میان کشورهای عضو



پیام تبریک موسسه فرهنگی اکو به مناسبت استقلال تاجیکستان

۹ سپتامبر ۲۰۲۶ | ۱۸ شهریور ۱۴۰۵ - مؤسسه فرهنگی اکو، فرارسیدن سی‌وپنجمین سالگرد استقلال جمهوری تاجیکستان را صمیمانه به دولت و ملت فرهنگ‌دوست این کشور تبریک می‌گوید.

استقلال جمهوری تاجیکستان، نماد هویت ملی، اراده و همبستگی مردم این سرزمین و دستاوردی ارزشمند در مسیر توسعه و پیشرفت آن است. تاجیکستان با برخورداری از پیشینه‌ای غنی در حوزه‌های فرهنگ، تمدن و ادب، جایگاهی ممتاز در میراث فرهنگی منطقه اکو دارد.

مؤسسه فرهنگی اکو با تأکید بر پیوندهای دیرینه تاریخی، فرهنگی و تمدنی میان کشورهای عضو، بر اهمیت توسعه و تعمیق همکاری‌های فرهنگی و گسترش تعاملات میان ملت‌های منطقه تأکید می‌کند. بی‌تردید، ظرفیت‌های فرهنگی و تمدنی جمهوری تاجیکستان می‌تواند نقش مؤثری در تقویت این همکاری‌ها و تحکیم پیوندهای فرهنگی میان کشورهای عضو اکو ایفا کند.

مؤسسه فرهنگی اکو ضمن گرامیداشت این مناسبت فرخنده، برای جمهوری تاجیکستان و مردم آن، صلح، ثبات، سربلندی و توفیق روزافزون، و برای جامعه فرهنگی این کشور، آینده‌ای روشن و سرشار از شکوفایی آرزومند است.



حضور رئیس مؤسسه فرهنگی اکو در بیست‌ونهمین کنفرانس کایفور در ازبکستان

اندیجان، ازبکستان - ۲۴ شهریور ۱۴۰۵ - دکتر محمد حسن، رئیس مؤسسه فرهنگی اکو، در بیست‌ونهمین کنفرانس کایفور (KAYFOR) که در دانشگاه خوقند در اندیجان ازبکستان برگزار شد، شرکت کرد. این نشست با حضور جمعی از استادان دانشگاه، پژوهشگران، اندیشمندان و سیاست‌گذاران منطقه برگزار شد و موضوعات مرتبط با مدیریت دولتی، فرهنگ و همکاری‌های منطقه‌ای مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت. نشست علمی کایفور ۲۰۲۶ توسط کمیته برگزاری به ریاست پروفسور دکتر ارجان اوکتای برگزار شد و استادان و پژوهشگرانی از کشورهای مختلف، به‌ویژه ازبکستان، ترکیه و قرقیزستان، در آن حضور داشتند.

این نشست در پردیس اندیجان دانشگاه خوقند و با همکاری دانشگاه کارامان‌اوغلو محمدبیگ ترکیه و دانشگاه خوقند ازبکستان برگزار شد. دکتر محمد حسن در سخنرانی خود در این نشست، به ارتباط میان دیپلماسی فرهنگی و دیپلماسی عمومی پرداخت و تأکید کرد که دیپلماسی فرهنگی را نمی‌توان از فعالیت‌های عادی و مسئولیت‌های دولت‌ها جدا دانست. وی خاطرنشان کرد که دولت‌ها مسئولیت دارند ایده‌ها و دیدگاه‌های مطرح‌شده از سوی کارشناسان و نهادهای فرهنگی را در قالب سیاست‌ها و برنامه‌های عملی به اجرا درآورند.

در جریان این نشست، استادانی از جمله پروفسور دکتر زبو قوبیلوا، دکتر اکرام ماماجانوف، آقای اوتکیربک محمد صابر و دکتر دکتر معروف رسولوف نیز با رئیس مؤسسه فرهنگی اکو درباره فرصت‌های همکاری علمی و فرهنگی در منطقه اکو گفت‌وگو و تبادل نظر کردند. رئیس مؤسسه فرهنگی اکو همچنین با اشاره

به تنوع چشمگیر فرهنگی در منطقه اکو، بر وجود پیوندهای عمیق تاریخی و فرهنگی میان کشورهای این منطقه تأکید کرد. وی اظهار داشت که مؤسسه فرهنگی اکو در تلاش است این پیوندهای مشترک فرهنگی را شناسایی، تقویت و معرفی کند و در شکل‌گیری منطقه‌ای با ارتباطات فرهنگی بیشتر میان کشورهای عضو اکو نقش داشته باشد. دکتر محمد حسن همچنین تأکید کرد که تقویت ارتباط میان کشورهای منطقه به معنای از میان رفتن هویت و ویژگی‌های منحصربه‌فرد کشورهای عضو نیست، بلکه همکاری فرهنگی می‌تواند زمینه‌ای برای تکمیل ظرفیت‌های یکدیگر، در عین حفظ و پاسداشت هویت مستقل هر کشور، فراهم کند. حضور رئیس مؤسسه فرهنگی اکو در این نشست در راستای تلاش‌های مستمر مؤسسه برای تقویت گفت‌وگوی فرهنگی، گسترش شناخت متقابل و توسعه همکاری‌های علمی و فرهنگی در منطقه اکو صورت گرفت.



رایزنی مؤسسه فرهنگی اکو و ازبکستان برای توسعه همکاری‌های فرهنگی

تاشکند - رئیس مؤسسه فرهنگی اکو در جریان سفر به ازبکستان با مسئولان مرکز معنویت و روشنگری این کشور دیدار و درباره زمینه‌های گسترش همکاری‌های فرهنگی و معنوی گفت‌وگو



کرد.

محمدحسن، رئیس مؤسسه فرهنگی اکو، روز چهارشنبه ۲۵ شهریور ۱۴۰۵ (۱۶ سپتامبر ۲۰۲۶) در جریان سفر خود به ازبکستان از مرکز معنویت و روشنگری جمهوری ازبکستان در تاشکند بازدید کرد.

در این دیدار، وی با عباس یونسوف، معاون اداره امور اجتماعی و معنوی ازبکستان، و بختیار خسانوف، رئیس انجمن روشنگری ازبکستان، دیدار و درباره ظرفیت‌های همکاری میان دو نهاد گفت‌وگو کرد.

دکتر احمد آکالین، معاون مؤسسه فرهنگی اکو، نیز رئیس این مؤسسه را در این دیدار همراهی کرد.

طرفین در این نشست، زمینه‌های احتمالی همکاری فرهنگی و معنوی میان مؤسسه فرهنگی اکو و مرکز معنویت و روشنگری ازبکستان را مورد بررسی قرار دادند.

از جمله محورهای مطرح‌شده در این نشست، اجرای برنامه‌های مشترک در حوزه فرهنگ، ارزش‌های معنوی و میراث تمدنی مشترک کشورهای منطقه اکو بود.

تبادل نظر کردند.

در ادامه، ظرفیت‌های غنی تاریخی و فرهنگی منطقه اکو به‌عنوان بستری مهم برای توسعه گردشگری فرهنگی و معرفی این میراث به مخاطبان بین‌المللی مورد توجه قرار گرفت. همچنین، فرصت‌های بهره‌گیری از ظرفیت رسانه‌های اجتماعی و اینفلوئنسرها برای معرفی میراث فرهنگی منطقه و افزایش دیده‌شدن آن در میان مخاطبان گسترده‌تر بررسی شد.

در پایان، طرفین بر اهمیت تقویت همکاری‌های مشترک در حوزه گردشگری فرهنگی و بررسی ابتکارات عملی برای معرفی و ارتقای جایگاه میراث فرهنگی و تمدنی مشترک منطقه اکو در عرصه بین‌المللی تأکید کردند.



همچنین در این دیدار درباره راهکارهای تقویت همکاری‌های فرهنگی، برگزاری رویدادها و طرح‌های مشترک، افزایش تبادل دانش و تجربه و ایجاد سازوکارهای پایدار برای همکاری‌های نهادی میان دو مجموعه تبادل نظر شد.

این دیدار در چارچوب برنامه‌های مؤسسه فرهنگی اکو برای توسعه تعاملات فرهنگی با نهادهای کشورهای عضو و بهره‌گیری از ظرفیت‌های مشترک فرهنگی و تمدنی منطقه برگزار شد.

رایزنی مؤسسه فرهنگی اکو و ازبکستان درباره گردشگری فرهنگی

تاشکند، ۱۶ سپتامبر ۲۰۲۶ – آقای دکتر محمد حسن، رئیس مؤسسه فرهنگی اکو (ECI)، در چارچوب سفر خود به ازبکستان، روز ۱۶ سپتامبر از اداره محصولات گردشگری کمیته گردشگری ازبکستان در تاشکند بازدید کرد و درباره زمینه‌های همکاری در حوزه گردشگری فرهنگی به گفت‌وگو پرداخت.

در جریان این دیدار، آقای دکتر محمد حسن با آقای میرتولپ میرزا خیدوف، رئیس دفتر کنوانسیون ازبکستان، دیدار و گفت‌وگو کرد. دکتر احمد آکالین، معاون مؤسسه فرهنگی اکو، نیز ایشان را در این دیدار همراهی کرد.

در این نشست، زمینه‌های همکاری مشترک میان مؤسسه فرهنگی اکو و کمیته گردشگری ازبکستان با محوریت گردشگری فرهنگی و معرفی میراث مشترک فرهنگی و تمدنی منطقه اکو مورد بررسی قرار گرفت.

طرفین همچنین درباره ابتکارات و طرح‌هایی برای معرفی میراث فرهنگی مشترک منطقه، از جمله میراث تاریخی و فرهنگی شخصیت‌های برجسته‌ای همچون علی‌شیر نوایی و ظهیرالدین محمد بابر،

پیوند هنر و دیپلماسی فرهنگی در قلب تهران؛ آغاز هفته فیلم اکو با چشم‌اندازی به تکرر و یگانگی انسان

تهران – آئین افتتاحیه «هفته فیلم اکو» روز دوشنبه ۲۱ سپتامبر ۲۰۲۶ با حضور دکتر رائد فریدزاده، رئیس سازمان سینمایی جمهوری اسلامی ایران، دکتر مهرداد رخشنده، مدیر اجرایی مؤسسه فرهنگی اکو، دیپلمات‌ها و نمایندگان کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی (اکو)، مدیران فرهنگی، سینماگران، هنرمندان، استادان و دانشجویان در مؤسسه فرهنگی اکو برگزار شد. این رویداد فرهنگی با افتتاح نمایشگاه پوسترهای منتخب فیلم‌های کشورهای عضو اکو همراه بود؛ نمایشگاهی که تا پایان هفته ادامه دارد و بخشی از تاریخ بصری، تنوع هنری و حافظه سینمای کشورهای منطقه را در کنار یکدیگر به نمایش می‌گذارد.

در ابتدای مراسم، مریم شایگان، مجری و دبیر برنامه، ضمن خوشامدگویی به مهمانان، «هفته فیلم اکو» را فرصتی برای تماشای آثار سینمایی و آشنایی با تنوع فرهنگی و هنری کشورهای منطقه دانست و به نمایشگاه پوسترهای منتخب سینمای کشورهای عضو اکو اشاره کرد. وی همچنین بر اهمیت این رویداد در ایجاد فضایی برای تعامل میان سینماگران، هنرمندان و مخاطبان کشورهای منطقه تأکید کرد.



سینما؛ فرصتی برای دیدن فرهنگ‌های یکدیگر

در ادامه، دکتر مهرداد رخشنده، مدیر اجرایی مؤسسه فرهنگی اکو، در سخنان خود بر اهمیت برگزاری رویدادهای فرهنگی مشترک در میان کشورهای عضو اکو تأکید کرد.

وی «هفته فیلم اکو» را فرصتی برای تماشای روایت‌های سینمایی کشورهای منطقه و آشنایی نزدیک‌تر با تنوع فرهنگی و هنری این کشورها دانست. همچنین نمایشگاه پوسترهای سینمایی را بخشی مکمل از این رویداد عنوان کرد که در کنار نمایش فیلم‌ها، امکان مواجهه با جلوه‌های بصری و هنری سینمای کشورهای عضو اکو را فراهم می‌کند.



دکتر فریدزاده: سینما، پیش از آنکه توضیح دهد، امکان دیدن را فراهم می‌کند

در بخش اصلی سخنرانی‌های افتتاحیه، دکتر رائد فریدزاده، رئیس سازمان سینمایی جمهوری اسلامی ایران، با نگاهی به ظرفیت سینما در ایجاد شناخت و گفت‌وگو میان فرهنگ‌ها، سخنان خود را با این تأمل آغاز کرد که سینما پیش از آنکه چیزی را برای مخاطب توضیح دهد، امکان «دیدن» را فراهم می‌کند؛ دیدنی که می‌تواند نخستین گام برای شناختن باشد.

وی با اشاره به تفاوت‌های زبانی، تاریخی و جغرافیایی میان ملت‌ها گفت که سینما می‌تواند پیش از ترجمه، امکان مواجهه با دیگری را فراهم کند؛ مخاطب ممکن است زبان یک شخصیت را

نداند، اما می‌تواند چهره او، خانه‌اش، خیابانی که در آن زندگی می‌کند و تجربه انسانی او را ببیند و با آن ارتباط برقرار کند.

به گفته دکتر فریدزاده، «سینما پیش از آنکه درباره دیگری با ما سخن بگوید، دیگری را به ما نشان می‌دهد» و همین ویژگی می‌تواند سینما را به یکی از مهم‌ترین امکان‌های گفت‌وگو میان فرهنگ‌ها تبدیل کند.

وی در ادامه به اشتراکات تاریخی و فرهنگی کشورهای عضو اکو اشاره کرد و گفت که این منطقه طی قرن‌ها محل رفت‌وآمد انسان‌ها، اندیشه‌ها و فرهنگ‌ها بوده است و آثار این پیوند را می‌توان در ادبیات، قصه‌ها، اسطوره‌ها، آیین‌ها، موسیقی، معماری و تجربه‌های تاریخی مشاهده کرد.

با این حال، دکتر فریدزاده تأکید کرد که «اشتراک، هرگز به معنای یکسانی نیست» و یکی از ویژگی‌های مهم منطقه اکو را می‌توان در این واقعیت دید که چگونه خاستگاه‌هایی مشترک، به تجربه‌ها و نگاه‌های متفاوت منتهی شده‌اند.

از نگاه وی، سینما این تفاوت را به شکلی ملموس پیش چشم مخاطب قرار می‌دهد؛ زیرا هر فیلم علاوه بر روایت یک داستان، شیوه‌ای از دیدن جهان را نیز با خود همراه می‌آورد.

شش فیلم؛ شش نگاه به انسان و جهان

دکتر فریدزاده در ادامه سخنان خود، به فیلم‌های حاضر در «هفته فیلم اکو» اشاره کرد و گفت که مخاطبان در طول این رویداد با نگاه‌هایی مواجه خواهند شد که از جغرافیایها و تجربه‌های متفاوت آمده‌اند.

در کنار سینمای ایران و فیلم «زیبا صدایم کن»، ساخته رسول صدراعظمی، فیلم‌های «در جست‌وجوی حقیقت» از تاجیکستان، «نایاب» از پاکستان، «مریم» از جمهوری آذربایجان، «روزی

روزگاری در آناتولی» از ترکیه و «طلوع استپ بزرگ» از قزاقستان در این برنامه حضور دارند.

وی تأکید کرد که اهمیت این آثار صرفاً در شباهت یا تفاوت آن‌ها با یکدیگر نیست، بلکه در فرصتی است که هر فیلم برای دیدن جهان از چشم دیگری فراهم می‌کند.

به گفته رئیس سازمان سینمایی جمهوری اسلامی ایران، یک هفته فیلم می‌تواند به جای آنکه صرفاً فرصتی برای سخن گفتن درباره دیگری باشد، فضایی برای دیدن و مواجهه با او ایجاد کند؛ مواجهه‌ای که در آن، امر آشنا می‌تواند در فرهنگی دیگر به شکلی متفاوت روایت شود.

از تفاوت فرهنگی تا تجربه مشترک درد

بخش دیگری از سخنان دکتر فریدزاده به یکی از عمیق‌ترین تجربه‌های مشترک انسانی، یعنی «درد»، اختصاص داشت.

وی درد را شخصی‌ترین تجربه انسان توصیف کرد و با اشاره به فقدان یک عزیز و به‌ویژه فقدان فرزند، بر یگانگی و جبران‌ناپذیری چنین تجربه‌ای تأکید کرد. با این حال، او توضیح داد که گاهی یک فاجعه می‌تواند مجموعه‌ای از دردهای فردی را از مرز فردیت عبور دهد و آن را به تجربه‌ای جمعی و بخشی از حافظه یک جامعه تبدیل کند.

در همین چارچوب، دکتر فریدزاده به آنچه بر کودکان میناب گذشته است اشاره کرد و گفت که این فقدان‌ها، در کنار یگانگی هر تجربه فردی، می‌توانند به بخشی از حافظه و وجدان مشترک انسانی تبدیل شوند.

وی در پیوند با این موضوع، بار دیگر به ظرفیت سینما بازگشت و اظهار داشت که سینما می‌تواند از تجربه یک فرد آغاز کند و از خلال چهره و زندگی او، تجربه‌ای را به نمایش بگذارد که در جغرافیایی دیگر و در زندگی انسانی دیگر نیز برای مخاطب قابل فهم باشد.

به گفته وی، سینما نمی‌تواند درد دیگری را به جای او تجربه کند، اما می‌تواند امکان دیدن آن درد را فراهم آورد و «شاید همین دیدن، آغاز فهم باشد.»

از تبادل فیلم تا تبادل نگاه

دکتر فریدزاده در بخش دیگری از سخنان خود، همکاری سینمایی میان کشورهای عضو اکو را فراتر از تبادل فیلم دانست و بر ظرفیت این همکاری برای تبادل نگاه‌ها، تجربه‌ها و شکل‌گیری گفت‌وگو میان سینماگران کشورهای منطقه تأکید کرد.

وی ابراز امیدواری کرد که این تعاملات در آینده بتواند به همکاری‌های گسترده‌تر و حتی شکل‌گیری تولیدات مشترک سینمایی میان کشورهای عضو اکو منجر شود.

پوستر؛ بخشی از حافظه تصویری سینما

رئیس سازمان سینمایی جمهوری اسلامی ایران همچنین به نمایشگاه پوسترهای منتخب سینمای کشورهای عضو اکو اشاره کرد و پوستر را فراتر از یک نشانه برای معرفی فیلم دانست.

به گفته وی، پوستر بخشی از حافظه تصویری سینماست؛ تصویری که می‌تواند یک فیلم، یک دوره، یک نگاه زیبایی‌شناختی و بخشی از تاریخ سینمای یک جامعه را در خود حفظ کند.

وی افزود که قرار گرفتن این پوسترها در کنار یکدیگر، تنها نمایش سینماهای متفاوت نیست، بلکه فرصتی برای مشاهده شیوه‌های متفاوت نگاه کردن به سینماست.

سینما؛ روایتی مشترک از جهان‌های متفاوت

دکتر فریدزاده در پایان سخنان خود، معنای چنین رویدادی را در امکان دیدن بخشی از خود در آینه دیگری، بازشناسی دیگری در فضایی آشنا، دیدن تفاوت‌ها بدون فراموش کردن اشتراک‌ها و شناختن اشتراک‌ها بدون محو کردن تفاوت‌ها دانست.

وی «همسایگی» را نیز فراتر از همجواری جغرافیایی

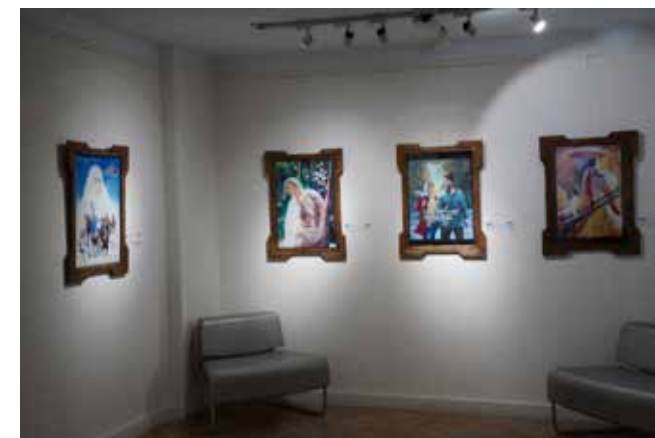
دانست و آن را در راه یافتن تصویر یکدیگر به حافظه ملت‌ها معنا کرد.

«هفته فیلم اکو» با حضور آثار سینمایی شش کشور عضو اکو از ۲۱ تا ۲۴ سپتامبر ۲۰۲۶ در مؤسسه فرهنگی اکو در تهران ادامه دارد و در کنار نمایش فیلم‌ها، نمایشگاه پوسترهای منتخب سینمای کشورهای عضو اکو نیز تا پایان هفته پذیرای علاقه‌مندان خواهد بود.

این برنامه با هدف ایجاد فرصتی برای تماشای روایت‌های متنوع سینمایی، تقویت تعاملات فرهنگی و فراهم کردن زمینه گفت‌وگو میان سینماگران، هنرمندان و مخاطبان کشورهای منطقه برگزار می‌شود.

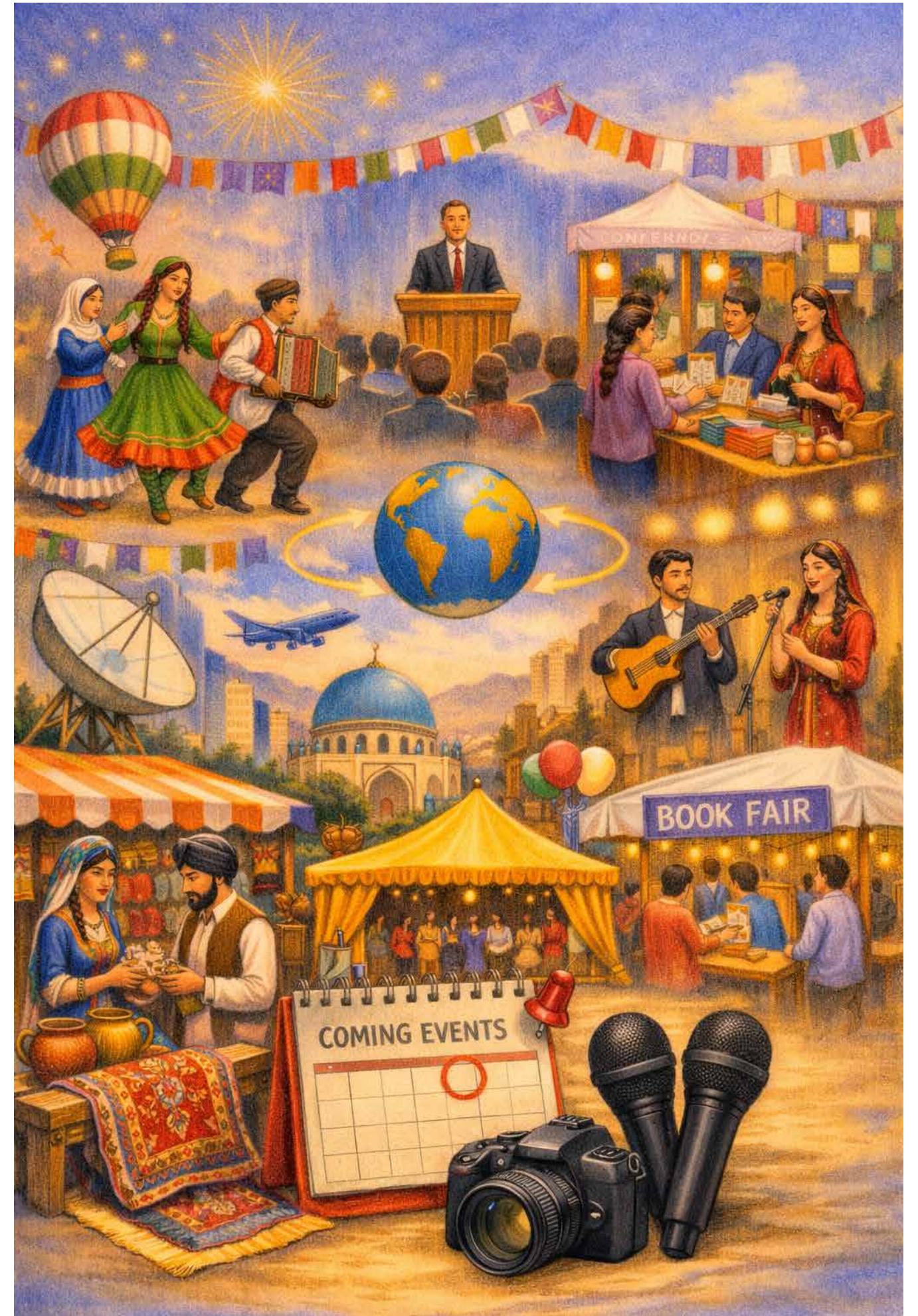






فصل سوم

رویدادها، برنامه‌ها و اخبار فرهنگی منطقه اکو و
مروری بر رویدادهای آتی



بررسی و حفاظت از محوطه‌های تاریخی و باستانی افغانستان

در ۲۲ اوت، کمیته باستان‌شناسی وزارت اطلاعات و فرهنگ افغانستان در جریان سفر به ولایت‌های غزنی، زابل، ارزگان، قندهار، هلمند، نیمروز، فراه و هرات، ۴۴ محوطه باستانی و بنای تاریخی را بررسی کرد و برای تعیین و تثبیت حریم حفاظتی آن‌ها تصمیم‌گیری کرد. در این روند، برنامه‌های آگاهی‌رسانی برای مسئولان محلی و جوامع منطقه نیز برگزار شد. در همان روز، معاون فرهنگ و هنر وزارت اطلاعات و فرهنگ از محوطه تاریخی بالاحصار کابل نیز بازدید کرد و روند حفاظت از حفاری‌های باستان‌شناسی این محوطه را مورد بررسی قرار داد.



توجه به هنرهای تجسمی و تقدیر از هنرمندان افغانستان

در ۲۷ اوت، وزارت اطلاعات و فرهنگ افغانستان از شماری از هنرمندان فعال در زمینه‌های نقاشی، خوشنویسی و نگارگری تقدیر کرد. در این برنامه، ۴۵ اثر هنری پس از ارزیابی استادان دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه کابل به‌عنوان آثار برگزیده انتخاب شدند و به هنرمندان آن‌ها گواهی تقدیر و جوایز نقدی اهدا شد.

برگزاری کارگاه استانداردسازی شیوه نگارش پشتو و دری

در ۲۷ اوت، یک کارگاه پنج‌روزه علمی و فرهنگی درباره استانداردسازی و هماهنگ‌سازی شیوه نگارش زبان‌های پشتو و دری در موزه ملی افغانستان به پایان رسید. در این کارگاه، استادان دانشگاه، پژوهشگران، زبان‌شناسان و نویسندگان درباره ایجاد هماهنگی بیشتر در شیوه‌های نوشتاری این دو زبان بحث کردند و پیشنهادهایی برای ارتقای استانداردهای ادبی و فرهنگی ارائه شد.



گسترش فعالیت‌های کتاب و نشر در افغانستان

در ۲۷ اوت، وبسایت اداره انتشارات و کتابخانه جهادی وزارت اطلاعات و فرهنگ راه‌اندازی شد و هم‌زمان از پنج عنوان کتاب تازه منتشرشده رونمایی شد. در همین روز، کتاب «کاروان حماسه‌ها» نیز در ریاست کتابخانه‌های عمومی معرفی شد و نویسندگان و چهره‌های ادبی در این مراسم حضور یافتند.



برگزاری جشنواره «کتاب کابل»

در اول سپتامبر، وزارت اطلاعات و فرهنگ افغانستان جشنواره «کتاب کابل» را در قصر ملکه در باغ بابر برگزار کرد. این جشنواره با هدف ترویج فرهنگ مطالعه، تشویق جوانان به کتاب‌خوانی و حمایت از نویسندگان، ناشران و کتاب‌فروشان برگزار شد و هم‌زمان نمایشگاه کتاب نیز برپا شد.

تقویت همکاری‌ها برای حفاظت از میراث فرهنگی بامیان

در ۶ سپتامبر، معاون فرهنگ و هنر وزارت اطلاعات و فرهنگ افغانستان با مدیرکل بنیاد Turquoise Mountain دیدار کرد و درباره حفاظت و مرمت میراث فرهنگی کشور گفت‌وگو شد. در این دیدار، به‌طور مشخص درباره پروژه مرمت کاروانسرای شش‌پل در بامیان و گسترش همکاری‌های مشترک در زمینه میراث فرهنگی بحث شد.

برگزاری نمایشگاه صنایع‌دستی قزاق‌های افغانستان در بلخ

در ۴ سپتامبر، نمایشگاهی از صنایع‌دستی جامعه قزاق افغانستان در ولایت بلخ برگزار شد. این نمایشگاه به معرفی صنایع‌دستی و قالی‌بافی این جامعه و کمک به حفظ و معرفی میراث فرهنگی آن اختصاص داشت. این رویداد توسط TOLONews در بخش فرهنگ و هنر گزارش شد.

ادامه مرمت مناره تاریخی جام

در ۱۳ سپتامبر، مسئول اطلاعات و فرهنگ ولایت غور از روند مرمت و استحکام‌بخشی مناره تاریخی جام بازدید کرد. این پروژه با همکاری یونسکو و بنیاد فرهنگی آقاخان در حال اجرا بود و هم‌زمان ساخت پلی هوایی بر فراز رودخانه هریرود برای تسهیل دسترسی گردشگران به مناره نیز ادامه

داشت.

تأکید بر حفاظت از میراث باختری افغانستان

در ۸ سپتامبر، وزارت اطلاعات و فرهنگ افغانستان در واکنش به گزارش‌هایی درباره احتمال انتقال یا قاچاق گنجینه باختر اعلام کرد که این مجموعه تاریخی در محل امن و تحت کنترل دولت قرار داشت. این مجموعه که از مهم‌ترین گنجینه‌های باستان‌شناسی افغانستان محسوب می‌شود، به‌عنوان بخشی مهم از هویت تاریخی و فرهنگی کشور مورد تأکید قرار گرفت.

نگرانی درباره وضعیت برخی آثار تاریخی افغانستان

در ۱۲ سپتامبر، TOLONews از درخواست ساکنان بدخشان برای حفاظت از یک کتیبه تاریخی ۶۰۰ ساله خبر داد. در همان روز، این رسانه درباره وضعیت ارگ تاریخی زرنج در نیمروز نیز گزارش داد و نسبت به خطر تخریب بخش‌هایی از این بنای تاریخی هشدار داد.



برگزاری نخستین جشنواره بین‌المللی فیلم لاپچین



نخستین جشنواره بین‌المللی فیلم لاپچین از ۲۴ تا ۲۷ اوت در شهر لاپچین برگزار شد و به‌عنوان نخستین جشنواره بین‌المللی فیلم در منطقه قره‌باغ و زنگزور شرقی، فیلمسازان و فعالان صنعت سینما از آذربایجان و کشورهای مختلف را گرد هم آورد. از میان نزدیک به ۳۰۰ فیلم ارسالی از ۴۷ کشور، ۳۸ فیلم شامل ۲۰ فیلم بین‌المللی و ۱۸ فیلم آذربایجانی برای بخش رسمی انتخاب شدند. برنامه جشنواره علاوه بر نمایش فیلم، شامل نشست‌های تخصصی و برنامه‌هایی درباره همکاری‌های سینمایی آذربایجان و ترکیه بود.

برگزاری پنجمین جشنواره بین‌المللی فیلم کودکان و نوجوانان «سلام»



پنجمین جشنواره بین‌المللی فیلم کودکان و نوجوانان «سلام» از ۲۴ تا ۲۷ اوت در مرکز سینمایی نظامی باکو برگزار شد. این رویداد حدود ۴۴۰ کودک و نوجوان، فعالان صنعت سینما، چهره‌های فرهنگی و مهمانان بین‌المللی را گرد هم آورد و شامل نمایش فیلم‌های معاصر، دیدار با کارگردانان و بازیگران، کارگاه‌های آموزشی، گفت‌وگوهای خلاقانه و برنامه عملی فیلم‌سازی بود. مراسم اختتامیه و اهدای جوایز در اول سپتامبر برگزار شد.

برگزاری جشن روز شهر لاپچین با برنامه‌های فرهنگی و هنری



در ۲۶ اوت، روز شهر لاپچین با مجموعه‌ای از برنامه‌های فرهنگی برگزار شد. این برنامه‌ها شامل نمایشگاه‌های هنری، اجراهای نمایشی برای کودکان، کنسرت و برنامه‌هایی با محوریت موسیقی ملی و رقص سنتی آذربایجان بود. این مراسم با حضور مسئولان، ساکنان بازگشته لاپچین و چهره‌های فرهنگی برگزار شد و بر میراث فرهنگی منطقه تأکید داشت.

برگزاری جشنواره انجیر گالا و معرفی میراث فرهنگی آبشرون



در ۳۰ اوت، جشنواره انجیر گالا در محوطه ذخیره‌گاه تاریخی و مردم‌شناسی گالا برگزار شد. این رویداد با هدف معرفی میراث طبیعی و فرهنگی آبشرون و سنت‌های مرتبط با کشت انجیر برگزار شد و شامل نمایش صنایع‌دستی، قالی‌بافی، کارگاه‌های هنری، غذاهای محلی، اجرای موسیقی و برنامه‌های خانوادگی بود.

حضور آذربایجان در ششمین بازی‌های جهانی عشایر



از ۳۱ اوت تا ۶ سپتامبر، آذربایجان در ششمین بازی‌های جهانی عشایر در قرقیزستان حضور یافت و بخشی از میراث فرهنگی، سنت‌ها و هنرهای ملی خود را در این رویداد بین‌المللی معرفی کرد. این بازی‌ها علاوه بر مسابقات سنتی، بستری برای معرفی فرهنگ و میراث کشورهای شرکت‌کننده فراهم کرده بود.

افتتاح نمایشگاه «بازتاب‌های گذشته» درباره میراث باستان‌شناختی آذربایجان



نمایشگاه «Echoes of the Past» از ۸ تا ۱۱ سپتامبر در موزه و سالن نمایشگاهی شهر قدیم باکو برگزار شد. این نمایشگاه که توسط مؤسسه باستان‌شناسی و انسان‌شناسی آکادمی ملی علوم آذربایجان برگزار شد، میراث باستان‌شناختی کشور را از طریق آثار هنرمندان جوان با هنر معاصر پیوند داد و با هدف افزایش توجه عمومی به میراث تاریخی و فرهنگی آذربایجان برگزار شد.

افتتاح سومین جشنواره بین‌المللی اپرای فیدان حاجی‌یوا

سومین جشنواره بین‌المللی اپرای فیدان حاجی‌یوا در ۷ سپتامبر در باکو افتتاح شد. این جشنواره قرار بود تا ۷ دسامبر ادامه داشته باشد و حدود ۳۰ برنامه موسیقایی و فرهنگی را در باکو، دیگر مناطق آذربایجان و همچنین پاریس، لندن، میلان و مینسک دربرگیرد.



برگزاری نمایشگاه «افسانه انار» در موزه ملی فرش آذربایجان

نمایشگاه انفرادی «The Legend of the Pomegranate» از آثار هنرمند نارمین نجف در موزه ملی فرش آذربایجان افتتاح شد و تا ۱۳ سپتامبر ادامه داشت. این نمایشگاه نماد انار را که جایگاه مهمی در فرهنگ و هنر سنتی آذربایجان دارد، از منظر هنر معاصر بررسی کرد و ارتباط میان نقاشی و هنر فرش را به نمایش گذاشت.

معرفی فرهنگ و میراث آذربایجان در مالزی

در ۹ سپتامبر، فرهنگ آذربایجان در جشنواره بین‌فرهنگی «Heritage in Harmony – Celebrating Cultures Together» در کوالالامپور معرفی شد. در غرفه آذربایجان، کلاهدک ابریشمی سنتی گلغایی (Kelaghayi)، صنایع‌دستی، سوغات و غذاهای ملی معرفی شد و بازدیدکنندگان با بخشی از میراث فرهنگی کشور آشنا شدند.

معرفی میراث فرهنگی و هنر مراکش در باکو

از ۱۰ تا ۱۴ سپتامبر، «روزهای میراث مراکش» در باکو برگزار شد. این برنامه، که با همکاری سفارت مراکش و انجمن هنری Jousour des Arts et de la Créativité برگزار شد، شامل معرفی پوشاک سنتی، عکاسی، موسیقی، صنایع‌دستی، غذا و گردشگری مراکش بود و به تقویت تبادلات فرهنگی میان دو کشور کمک کرد.



برگزاری رویدادهای فرهنگی و هنری در آستانه روز ملی سینما

هم‌زمان با روز ملی سینما در ۱۲ سپتامبر (۲۱ شهریور)، مجموعه‌ای از برنامه‌های سینمایی در نقاط مختلف کشور برگزار شد. در همدان، مجموعه برنامه‌های سینمایی با برگزاری نخستین جشنواره فیلم و عکس «هگمتانه» همراه شد و سینماهای استان نیز از ۲۰ تا ۲۴ شهریور با طرح بلیت نیم‌بها از علاقه‌مندان میزبانی کردند.

در همین مناسبت، هفته سینما در تهران نیز آغاز شد و برنامه بزرگداشت سینما از ۲۱ شهریور تا مراسم پایانی در ۲۶ شهریور ادامه یافت. در نشست خبری این برنامه، از برگزاری مراسم نکوداشت چهره‌های سینمایی نیز خبر داده شد.

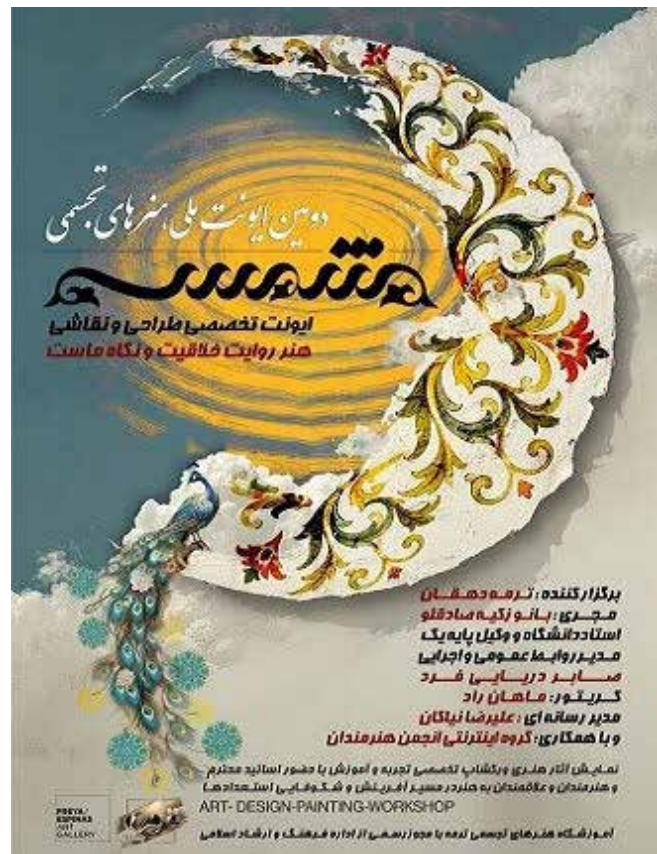
ثبت رکورد جدید در مخاطبان سینما

هم‌زمان با روز ملی سینما، هفته منتهی به ۲۰ شهریور به پرمخاطب‌ترین هفته سینمای ایران در سال ۱۴۰۵ تا آن زمان تبدیل شد. بر اساس آمار منتشرشده از روابط عمومی مؤسسه سینماشهر، سینماهای کشور در این هفته ۴۸۵ هزار و ۷۱۲ مخاطب داشتند و فروش گیشه به بیش از ۵۳ میلیارد تومان رسید.



برگزاری دومین رویداد ملی گالری ترمه

دومین رویداد ملی گالری ترمه با حضور بیش از ۱۲۰ اثر هنری و جمعی از هنرمندان هنرهای تجسمی کشور در ۱۱ سپتامبر (۲۰ شهریور) در تهران برگزار شد. این رویداد با هدف حمایت از هنرمندان، معرفی ظرفیت‌های هنرهای تجسمی و ایجاد ارتباط میان هنرمندان و جامعه هنری برگزار شد.



برگزاری نمایشگاه سی‌وسومین دوره فرش دستباف ایران

سی‌وسومین نمایشگاه فرش دستباف ایران از ۸ تا ۱۲ سپتامبر در محل دائمی نمایشگاه‌های بین‌المللی تهران برگزار شد. این رویداد به عرضه و معرفی فرش دستباف و ظرفیت‌های هنر و صنعت فرش ایران اختصاص داشت.

حضور هنرمندان قزاقستان در چهلمین جشنواره صنایع دستی بوداپست

۲۰ تا ۲۳ اوت ۲۰۲۶، هنرمندان و استادان صنایع دستی قزاقستان در چهلمین دوره جشنواره صنایع دستی در قلعه بودا در بوداپست شرکت کردند. چهار هنرمند قزاق با حمایت سفارت قزاقستان در این رویداد حضور یافتند و صنایع دستی سنتی این کشور را به مخاطبان مجارستانی و بین‌المللی معرفی کردند. این رویداد از مهم‌ترین برنامه‌های سالانه فرهنگی مجارستان در حوزه هنرهای سنتی و صنایع دستی بود.



افتتاح نودوسومین فصل تئاتر ملی اپرا و باله آبی با اجرای باله «آق‌بالا»

۱۲ سپتامبر ۲۰۲۶، تئاتر ملی اپرا و باله آبی در آلمانی فصل نودوسوم خود را با نخستین اجرای باله ملی «آق‌بالا» افتتاح کرد. این اثر بر اساس سه‌گانه «خون و عرق» نوشته عبدالجمیل نورپیسوف ساخته شده بود و برای نخستین‌بار این اثر ادبی کلاسیک قزاقستان را با زبان باله معاصر روی صحنه برد. در این اجرا گروه باله، ارکستر سمفونیک، خوانندگان اپرا و گروه کر حضور داشتند.

برگزاری جشنواره کتاب «جشن کتاب شرق ۲۰۲۶»

۱۱ سپتامبر ۲۰۲۶، جشنواره کتاب «جشن کتاب شرق ۲۰۲۶» در شهر اوسکمن برگزار شد. این رویداد با محوریت ترویج فرهنگ مطالعه و کتاب‌خوانی و با برنامه‌های فرهنگی و ادبی در محل آربات شهر برگزار شد.

برگزاری جشنواره بین‌المللی قومی «نوای ژاییک» در اورال

۱۲ سپتامبر ۲۰۲۶، نخستین دوره جشنواره بین‌المللی قومی «نوای ژاییک» در شهر اورال برگزار شد. این جشنواره با حضور هنرمندانی از چند کشور و با اجرای موسیقی سنتی، سازهای ملی و برنامه‌های هنری برگزار شد و بیش از ۵۰ هزار نفر از آن بازدید کردند.

برگزاری پنجمین جشنواره سراسری کتاب ۲۰۲۶

در سپتامبر ۲۰۲۶، پنجمین جشنواره سراسری کتاب «KitapTime-۲۰۲۶» در سراسر قزاقستان برگزار شد. در چارچوب این جشنواره، ۱۷۹۵ برنامه فرهنگی و آموزشی در مناطق مختلف کشور برگزار شد و ۵۵,۷۲۶ نفر در آن مشارکت کردند. نمایشگاه کتاب، دیدارهای ادبی، کتاب‌گردانی، کارگاه‌های آموزشی و برنامه‌های ترویج مطالعه از جمله بخش‌های این جشنواره بود.

برنامه‌های روز سینمای قزاقستان و بزرگداشت صدمین سالگرد عبدالله قارصاقبایف

۱۲ سپتامبر ۲۰۲۶، هم‌زمان با روز سینمای قزاقستان، برنامه گسترده‌ای برای بزرگداشت صدمین سالگرد تولد کارگردان برجسته قزاقستانی، عبدالله قارصاقبایف، آغاز شد. در آلمانی نمایشگاه «در گذر زمان و پرده سینما» و نمایش ویژه فیلم «نام من قوجا است» برگزار شد و تا ۱۷ سپتامبر،

نمایش آثار این کارگردان در شش شهر قزاقستان برنامه‌ریزی شد. همچنین هشت ستاره یادبود به نام چهره‌های مؤثر سینمای قزاقستان در «خیابان ستارگان» استودیوی ملی «قزاق‌فیلم» نصب شد.

برگزاری ششمین بازی‌های جهانی کوچ‌نشینان و برنامه‌های فرهنگی و میراثی آن

۱ تا ۶ سپتامبر ۲۰۲۶، ششمین دوره بازی‌های جهانی کوچ‌نشینان در قرقیزستان برگزار شد. این رویداد علاوه بر بخش‌های ورزشی، دارای برنامه گسترده فرهنگی و معرفی میراث و سنت‌های جوامع کوچ‌نشین بود. برنامه فرهنگی این دوره پیش‌تر با حضور مورخان و قوم‌نگاران بررسی و تدوین شده بود. مراسم اختتامیه نیز ۶ سپتامبر در چولپون‌آتا برگزار شد. وزارت فرهنگ قرقیزستان بر جنبه فرهنگی و معرفی میراث سنتی این رویداد تأکید کرده بود.

برگزاری جشنواره بین‌المللی فیلم و حضور چهره‌های سینمای جهان در بیشکک

در اوایل سپتامبر، بیشکک میزبان برنامه‌های سینمایی با حضور چهره‌های بین‌المللی از جمله ناتالیا آرینباسارووا، بای لین، دان «دراگون» ویلسون و دیگر فعالان سینما بود. در ۸ سپتامبر نیز نشست خبری با عنوان «ستارگان جهان درباره قرقیزستان» در خبرگزاری ملی «کبار» برگزار شد. این برنامه در چارچوب فعالیت‌های سینمایی و فرهنگی بین‌المللی در بیشکک انجام شد.

معرفی و پاسداشت میراث موسیقی قرقیزستان در آستانه روز استقلال

در روزهای منتهی به ۳۵مین سالگرد استقلال قرقیزستان، مجموعه‌ای از برنامه‌های فرهنگی و هنری با محوریت شخصیت‌های برجسته فرهنگ و موسیقی کشور برگزار شد. خبرگزاری «کبار» در ۱۴ سپتامبر نیز گزارشی درباره تقدیر از خانواده و میراث هنری خواننده فقید ریسبای عبدالکادروف منتشر کرد و بر نقش چهره‌های برجسته فرهنگی در تاریخ معاصر قرقیزستان تأکید شد.





افتتاح ساختمان جدید تئاتر ملی تاجیکستان در دوشنبه

در ۲۴ اوت ۲۰۲۶، ساختمان جدید تئاتر ملی تاجیکستان در دوشنبه پس از ۱۱ سال ساخت افتتاح شد. این مجموعه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین زیرساخت‌های فرهنگی جدید کشور راه‌اندازی شد و افتتاح آن در چارچوب برنامه‌های سی‌وپنجمین سالگرد استقلال تاجیکستان انجام گرفت. خبرگزاری Asia-Plus نیز افتتاح این مجموعه و برنامه‌های مرتبط با آن را گزارش کرد.

برگزاری نمایشگاه «مدرن‌نما» از آثار صبزعلی شریف در موزه ملی تاجیکستان



در ۲ سپتامبر ۲۰۲۶، نمایشگاه آثار صبزعلی شریف (Sabzaali Sharif)، هنرمند مردمی تاجیکستان و برنده جایزه دولتی رودکی، در موزه ملی تاجیکستان افتتاح شد. این نمایشگاه با عنوان «مدرن‌نما» (Modarnoma) به مناسبت سی‌وپنجمین سالگرد استقلال تاجیکستان و هشتادمین سالروز تولد این هنرمند برگزار شد و بیش از ۳۰ اثر از مجموعه موزه و مجموعه شخصی هنرمند را دربر گرفت. این خبر در وبسایت رسمی موزه ملی تاجیکستان منتشر شده است.

ارائه کتاب «آریایی‌ها و شناخت تمدن آریایی» در دوشنبه



در ۱۱ سپتامبر ۲۰۲۶، مراسم معرفی کتاب «آریایی‌ها و شناخت تمدن آریایی» در وزارت فرهنگ تاجیکستان برگزار شد. این کتاب که به زبان فارسی و با خط فارسی منتشر شده بود، به مناسبت سی‌وپنجمین سالگرد استقلال تاجیکستان و با همکاری سفارت این کشور در ایران و انتشارات «خردادگان» تهیه شده بود. موضوعات مرتبط با تاریخ، فرهنگ، تمدن و ارزش‌های فرهنگی آریایی در این اثر بررسی شده است. خبرگزاری Avesta این رویداد را با استناد به گزارش خبرگزاری ملی خاور (Khovar) منتشر کرده است.



۱. برگزاری جشنواره تئاتر سندی «وس-ذاری» ۲۰۲۶

۲۰ اوت ۲۰۲۶، هشتمین دوره جشنواره تئاتر سندی «وس-ذاری» در شورای هنر پاکستان کراچی (Arts Council of Pakistan Kara-chi) آغاز شد. این جشنواره تا ۲۷ اوت ادامه داشت و شامل اجرای هشت نمایش سندی بود. وزیر فرهنگ، گردشگری و آثار باستانی ایالت سند نیز در مراسم افتتاحیه حضور داشت و بر نقش تئاتر در آموزش و پرورش نسل جدید هنرمندان تأکید کرد.



بازگشت پنجمین جشنواره فیلم اروپا به پاکستان

۱۰ سپتامبر ۲۰۲۶، خبرگزاری رسمی Associated Press of Pakistan (APP) از برگزاری پنجمین جشنواره فیلم اروپا در پاکستان خبر داد. این دوره از ۱۲ سپتامبر آغاز شد و در اسلام‌آباد، سیالکوت و جمشورو/حیدرآباد برگزار می‌شود. جشنواره شامل نمایش فیلم‌های اروپایی و پاکستانی، مستند و فیلم کوتاه، اجراهای زنده، برنامه‌های تعاملی و بخش ویژه کودکان بود و هدف آن تقویت گفت‌وگوی فرهنگی از طریق سینما عنوان شد.

برگزاری جشنواره تئاتر ترکمنستان و اجرای نمایش‌های جدید

در ۱۱ سپتامبر ۲۰۲۶، مراسم اختتامیه جشنواره تئاتر «بال‌های استقلال من، میهنم - سجده‌گاه من» (Garaşsyzlyk ganatym, Watanyň - seždegähim) در تئاتر اصلی آکادمیک درام ترکمنستان برگزار شد. این جشنواره سالانه با حضور نمایشنامه‌نویسان، کارگردانان، آهنگسازان، طراحان و بازیگران برگزار می‌شود و به معرفی و تقویت هنرهای نمایشی کشور اختصاص دارد.



حضور موسیقی‌دانان ترکمنستان در جشنواره بین‌المللی موسیقی کلاسیک تسیناندالی

۳ تا ۱۳ سپتامبر ۲۰۲۶، هشتمین جشنواره بین‌المللی موسیقی کلاسیک تسیناندالی در گرجستان برگزار شد و موسیقی‌دانان جوان ترکمنستان نیز در قالب ارکستر جوانان پان‌قفقاز در آن شرکت کردند. یکی از موسیقی‌دانان کاخ مقام مرکز فرهنگی دولتی ترکمنستان به‌عنوان کنسرت‌مایستر ارکستر فعالیت داشت. این حضور به‌عنوان بستری برای توسعه همکاری‌های فرهنگی و ارتقای مهارت‌های حرفه‌ای موسیقی‌دانان جوان معرفی شد.



آغاز سی‌وسومین جشنواره بین‌المللی اپرا و باله آسپندوس

۱۲ سپتامبر ۲۰۲۶، سی‌وسومین جشنواره بین‌المللی اپرا و باله آسپندوس در آمفی‌تئاتر تاریخی آسپندوس در آنتالیا آغاز شد. افتتاحیه جشنواره با اجرای اپرای «آتیلا» (Attila) اثر جوزپه وردی توسط اپرا و باله دولتی آنتالیا برگزار شد. این جشنواره تا ۲۶ سپتامبر ادامه خواهد داشت و در مجموع چهار اثر در شش اجرا به روی صحنه می‌رود. همچنین هنرمندان تئاتر ملی اپرا و باله آبای قزاقستان نیز در برنامه اختتامیه جشنواره حضور خواهند داشت.

برگزاری جشنواره هنر و فرهنگ بوزجادا

. این جشنواره برنامه‌هایی از جمله موسیقی، نمایش فیلم، نشست، کارگاه، مسابقه و نمایشگاه را در نقاط مختلف جزیره بوزجادا برگزار کرد و سنت برداشت انگور را با برنامه‌های فرهنگی و هنری پیوند داد.

برگزاری مرحله نهایی رقابت «چالسانا، باغشی»

در ۲۲ اوت ۲۰۲۶، مرحله نهایی رقابت «چالسانا، باغشی!» میان نوازندگان دوتار و بخشی‌ها در کاخ مقام مرکز فرهنگی دولتی ترکمنستان برگزار شد. این رقابت در چارچوب جایزه ریاست‌جمهوری «عصر طلایی ترکمن» (Türkmenin Altyn asyry) برگزار شد و بر حفظ، انتقال و ترویج موسیقی سنتی و هنر بخشی ترکمنستان تمرکز داشت.



برگزاری دومین دوره جشنواره «راه فرهنگ ترکیه» در قیصریه

از ۶ تا ۱۳ سپتامبر ۲۰۲۶، دومین دوره جشنواره «راه فرهنگ ترکیه» در شهر قیصریه برگزار شد. این رویداد طی ۹ روز، ۱۸۵ برنامه فرهنگی و هنری در هشت نقطه شهر ارائه کرد که شامل کنسرت، نمایشگاه، تئاتر، برنامه‌های کودکان و کارگاه‌های هنری بود. از جمله برنامه‌های مرتبط با میراث فرهنگی، کارگاه ابرو و اجرای نمایش عروسکی - سنتی «ترانه کاراگوز» برگزار شد.



برگزاری مراسم سی‌وپنجمین سالگرد استقلال تاجیکستان

در ۹ سپتامبر ۲۰۲۶، مراسم رسمی سی‌وپنجمین سالگرد استقلال تاجیکستان در دوشنبه برگزار شد. این مراسم در تئاتر ملی برگزار شد و رئیس‌جمهور تاجیکستان، امامعلی رحمان، در آن سخنرانی کرد. برنامه‌های سالگرد استقلال در این دوره با مجموعه‌ای از برنامه‌های فرهنگی، هنری و ملی همراه بود.



برگزاری جشنواره فرهنگی - هنری «راه فرهنگ چاناک‌قلعه»

۲۹ اوت تا ۶ سپتامبر ۲۰۲۶، پنجمین دوره جشنواره «راه فرهنگ چاناک‌قلعه» برگزار شد. این جشنواره شامل برنامه‌های متنوع فرهنگی و هنری از جمله نمایشگاه، تئاتر، نشست‌های فرهنگی، برنامه‌های ویژه کودکان، تورهای باستان‌شناسی و کنسرت بود و میراث تاریخی و فرهنگی چاناک‌قلعه را در قالب برنامه‌های مختلف به مخاطبان معرفی کرد. در نخستین روز جشنواره نیز مجموعه‌ای از کارگاه‌ها و برنامه‌های مرتبط با تاریخ شهر برگزار شد.

آغاز مدرسه تابستانی مطالعات ازبک در همکاری با دانشگاه آکسفورد

از ۲۷ اوت ۲۰۲۶، مدرسه تابستانی برنامه «مطالعات ازبک آکسفورد» در دانشگاه دولتی زبان و ادبیات ازبک به نام علی شیر نوایی در تاشکند آغاز شد و تا ۲۳ سپتامبر ادامه داشت. دانشجویان و پژوهشگران دانشگاه آکسفورد در این برنامه به مطالعه زبان‌های ازبکی و جغتایی و موضوعاتی همچون تاریخ، ادبیات، تصوف، جنبش جدیدگرایی، میراث نسخه‌های خطی و فرهنگ ملی ازبکستان پرداختند. برنامه همچنین شامل بازدید از موزه‌ها، بناهای تاریخی، کتابخانه‌ها و مراکز صنایع‌دستی در تاشکند، سمرقند و بخارا بود.



آغاز ساخت موزه ملی ازبکستان و توسعه یک مرکز فرهنگی بزرگ در تاشکند

در ۱۱ سپتامبر ۲۰۲۶، رئیس‌جمهور ازبکستان از روند ساخت موزه ملی ازبکستان در مرکز تاشکند بازدید کرد. این مجموعه قرار است به یک فضای مهم فرهنگی برای معرفی تاریخ و فرهنگ ازبکستان تبدیل شود. طراحی معماری پروژه توسط تادائو آندو (Tadao Ando) انجام شده و طراحی محتوای نمایشگاه‌ها نیز با همکاری شرکت آلمانی Atelier Brückner در حال انجام است.

افتتاح مرکز هنرهای معاصر تاشکند

در ۶ سپتامبر ۲۰۲۶، مرکز هنرهای معاصر تاشکند (CCA Tashkent) رسماً به روی عموم گشوده شد. این مرکز در یک ساختمان تاریخی متعلق به سال ۱۹۱۲ که پیش‌تر ایستگاه تراموا و نیروگاه دیزلی بوده، ایجاد شده و به‌عنوان نخستین مرکز دائمی هنرهای معاصر در ازبکستان فعالیت خود را آغاز کرد. نمایشگاه افتتاحیه با عنوان «حکمت» (Hikmah) آثار هنرمندان ازبک و بین‌المللی را گرد هم آورد و برنامه‌های مرکز شامل نمایشگاه، فیلم، موسیقی، اجرا، سخنرانی و برنامه‌های آموزشی خواهد بود.

برگزاری «هفته موزه‌ها» در ۱۱۴ موزه دولتی ازبکستان

از ۲ تا ۸ سپتامبر ۲۰۲۶، «هفته موزه‌ها» در موزه‌های دولتی، موزه‌های حفاظت‌شده و خانه‌موزه‌های زیرمجموعه آژانس میراث فرهنگی ازبکستان برگزار شد. در جریان این برنامه، امکان بازدید رایگان از ۱۱۴ موزه و موزه‌ذخیره‌گاه دولتی فراهم شد. هدف این برنامه آشنایی بیشتر مردم با تاریخ، هنر و میراث فرهنگی ملی و معرفی آثار و بناهای تاریخی کشور بود.



برگزاری مرحله نهایی مسابقه تلویزیونی «یانلان، دیپاریم!»

در ۱۰ سپتامبر ۲۰۲۶، مرحله نهایی مسابقه تلویزیونی خوانندگان جوان آماتور «یانلان، دیپاریم!» در مرکز موسیقی و ترانه «عشق‌آباد» برگزار شد. این مسابقه که به‌صورت سالانه و در آستانه روز استقلال ترکمنستان برگزار می‌شود، بخشی از رقابت جایزه ریاست‌جمهوری «عصر طلایی ترکمن» بود و با هدف شناسایی و حمایت از استعدادهای جوان در حوزه موسیقی برگزار شد.

برگزاری رقابت مد و هنرهای سنتی «اوربان نومد» و ارائه مجموعه «گناتلی زمان»

در ۱۱ سپتامبر ۲۰۲۶، مجموعه «گناتلی زمان» (Ganatly Zaman) در چارچوب رقابت مد قومی «اوربان نومد» (Urban Nomad) به نمایش درآمد. این برنامه بر پیوند میان پوشاک معاصر، هنرهای کاربردی و میراث فرهنگی جوامع کوچ‌نشین تأکید داشت و جلوه‌هایی از سنت‌های فرهنگی ترکمنستان را در قالب طراحی معاصر ارائه کرد.



نمایشگاه‌های مجازی موزه هنرهای زیبای ترکمنستان

در ۲۱ اوت ۲۰۲۶، موزه دولتی هنرهای زیبای ترکمنستان دو نمایشگاه مجازی را معرفی کرد؛ یکی با موضوع اسب‌های آخال‌تکه و دیگری به مناسبت ۱۰۵مین سالروز تولد نقاش ترکمن، نیازمیرات دودوف (Nyyazmyrat Dovodov). نمایشگاه‌ها با فناوری پانورامای سه‌بعدی ارائه شدند و امکان مشاهده آثار و اطلاعات مربوط به آنها را به مخاطبان خارج از ترکمنستان نیز فراهم کردند.



تقویم رویدادهای فرهنگی کشورهای عضو اگو

مهر تا بهمن ۱۴۰۵ | اکتبر ۲۰۲۶ تا ژانویه ۲۰۲۷

افغانستان

۵ تا ۱۰ اکتبر ۲۰۲۶ | ۱۳ تا ۱۸ مهر ۱۴۰۵
دومین جشنواره بین‌المللی فیلم حقوق بشر افغانستان – کابل
جشنواره‌ای با محوریت سینما و موضوعات حقوق بشری.

۶ تا ۱۵ اکتبر ۲۰۲۶ | ۱۴ تا ۲۳ مهر ۱۴۰۵
سی‌ویکمین جشنواره بین‌المللی فیلم بوسان – بوسان، کره جنوبی

با حضور سینمای افغانستان؛ از جمله فیلم «مردان خوب وجود ندارند» (No Good Men) به کارگردانی شهربانو صادات که پیش‌تر فیلم افتتاحیه هفتادوششمین جشنواره برلیناله (فوریه ۲۰۲۶) نیز بوده است.

۷ تا ۱۳ اکتبر ۲۰۲۶ | ۱۵ تا ۲۱ مهر ۱۴۰۵
پنجمین نمایشگاه ملی و بین‌المللی امام ابوحنیفه (رض) – کابل
نمایش محصولات فرهنگی، صنایع‌دستی و آثار هنری و تاریخی افغانستان.

۷ تا ۱۸ اکتبر ۲۰۲۶ | ۱۵ تا ۲۶ مهر ۱۴۰۵
جشنواره فیلم خنت (Film Fest Gent) – خنت، بلژیک
با نمایش فیلم «مردان خوب وجود ندارند» ساخته شهربانو صادات.

جمهوری آذربایجان

۸ اکتبر ۲۰۲۶ | ۱۶ مهر ۱۴۰۵
باله «هفت پیکر» (Seven Beauties) – باکو
اجرای باله‌ای برگرفته از منظومه «هفت پیکر»

نظامی گنجوی، ساخته قارا قارایف؛ در تئاتر اپرا و باله آکادمیک دولتی آذربایجان.

۲۱ تا ۳۱ اکتبر ۲۰۲۶ | ۲۹ مهر تا ۹ آبان ۱۴۰۵
هفدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم باکو – باکو
با حضور فیلم‌های کوتاه، بلند و مستند از آذربایجان و دیگر کشورها.

۲۸ اکتبر تا ۸ نوامبر ۲۰۲۶ | ۶ تا ۱۷ آبان ۱۴۰۵
دومین جشنواره بین‌المللی هنر باکو (BIAF ۲۰۲۶) – باکو
جشنواره‌ای چندرشته‌ای با بیش از ۲۰ رویداد در حوزه موسیقی، تئاتر، رقص، سینما و هنرهای تجسمی.

۳۰ اکتبر تا ۱ نوامبر ۲۰۲۶ | ۸ تا ۱۰ آبان ۱۴۰۵
آخر هفته‌های هنری «پرواز به باکو» (Fly to Baku Art Weekends) – باکو
مجموعه‌ای از نمایشگاه‌ها، نشست‌ها و رویدادهای هنری در نقاط مختلف شهر.

ایران

۳ تا ۸ اکتبر ۲۰۲۶ | ۱۱ تا ۱۶ مهر ۱۴۰۵
سی‌وهشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان – اصفهان
با بخش‌های رقابتی و جنبی برای فیلم بلند و کوتاه و برنامه‌های آموزشی-پژوهشی.

۱۷ تا ۲۲ اکتبر ۲۰۲۶ | ۲۵ تا ۳۰ مهر ۱۴۰۵
چهل‌وسومین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران – تهران

مهر ۱۴۰۵ | اکتبر ۲۰۲۶
بیست‌ویکمین جشنواره بین‌المللی نمایش عروسکی تهران-مبارک – تهران
۲ اکتبر تا ۲ نوامبر ۲۰۲۶ | پاییز ۱۴۰۵

آیین‌های مهرگان – سراسر ایران

جشن ایرانی برداشت پاییزی؛ در سال ۲۰۲۴ مشترکاً با تاجیکستان در فهرست میراث ناملموس یونسکو ثبت شد.

آبان ۱۴۰۵ | نوامبر ۲۰۲۶
هجدهمین جشنواره ملی موسیقی نواحی ایران – کرمان (با ادامه برنامه‌ها در دی‌ماه)

آبان ۱۴۰۵ | نوامبر ۲۰۲۶
پنجمین جشنواره موسیقی کیش؛ موسیقی بانوان نواحی ایران – جزیره کیش

آبان ۱۴۰۵ | نوامبر ۲۰۲۶
سومین جشنواره ملی فیلم «ایثار» – ایران

۳ تا ۱۶ دسامبر ۲۰۲۶ | ۱۲ تا ۲۵ آذر ۱۴۰۵
سومین رویداد «روایت تصویری ارغوان» – ایران
در دو بخش «روایت خودنگار» و «روایت از نگاه دیگری»، اختصاص‌یافته به روایت تصویری زندگی افراد دارای معلولیت.

۹ تا ۱۴ دسامبر ۲۰۲۶ | ۱۸ تا ۲۳ آذر ۱۴۰۵
بیستمین جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران «سینما حقیقت» – تهران

۱۴ تا ۱۷ دسامبر ۲۰۲۶ | ۲۳ تا ۲۶ آذر ۱۴۰۵
نخستین جشنواره ملی «مونولوگ تهران» – تهران
اجراها در تماشاخانه نوفل‌لوشاتو و تالار محراب.

۲۱ تا ۳۱ ژانویه ۲۰۲۷ | ۱ تا ۱۱ بهمن ۱۴۰۵
چهل‌وپنجمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر – تهران

قزاقستان

۸ تا ۱۱ اکتبر ۲۰۲۶ | ۱۶ تا ۱۹ مهر ۱۴۰۵
جشنواره قومی‌فرهنگی «سالبرین» (Salburyn) –

استان قزاقستان شرقی
اختصاص‌یافته به هنر سنتی شکار با پرندگان شکاری و میراث کوچ‌نشینی قزاقستان.

۱۳ تا ۱۵ اکتبر ۲۰۲۶ | ۲۱ تا ۲۳ مهر ۱۴۰۵
مجمع بین‌المللی صنایع‌دستی و جشنواره «کورپه» (Korpe Fest) – آلماتی
با حضور بیش از ۱۵۰ صنعتگر از قزاقستان، اروپا و آسیای مرکزی.

اکتبر ۲۰۲۶ | مهر ۱۴۰۵
جشنواره جمهوری «به وحدت صدا می‌دهیم» (Бірлікке үн қосқан) – آستانه و سایر مناطق
مرحله پایانی و کنسرت نهایی در آستانه برگزار می‌شود.

۶ دسامبر ۲۰۲۶ تا ۲۷ ژانویه ۲۰۲۷ | ۱۵ آذر تا ۷ بهمن ۱۴۰۵
جشنواره زمستانی «سرزمین شگفتی آستانه» (Wonderland Astana) – آستانه
شامل پیست یخی، سرسره برفی، کاروسل‌های زمستانی و برنامه‌های خانوادگی.

پاکستان

۳ تا ۵ اکتبر ۲۰۲۶ | ۱۱ تا ۱۳ مهر ۱۴۰۵
جشنواره بزرگ گردشگری بلوچستان – اسلام‌آباد، لوک ویرسا

اکتبر ۲۰۲۶ | مهر ۱۴۰۵
نمایشگاه میراث فرهنگی بازگردانده‌شده پاکستان – اسلام‌آباد، گالری ملی هنر (PNCA)

۷ تا ۱۶ نوامبر ۲۰۲۶ | ۱۶ تا ۲۵ آبان ۱۴۰۵
جشنواره ملی فولکلور «لوک میلا» (Lok Mela) – اسلام‌آباد، لوک ویرسا
با حضور کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای

در بخش‌های صنایع‌دستی، موسیقی فولکلور و هنرهای نمایشی.

نوامبر ۲۰۲۶ | آبان ۱۴۰۵ (تاریخ دقیق هنوز اعلام نشده)

برنامه‌های فرهنگی لاهور به مناسبت «پایتخت گردشگری و فرهنگی سازمان همکاری شانگهای ۲۰۲۶-۲۰۲۷» - لاهور

۱۲ تا ۱۳ دسامبر ۲۰۲۶ | ۲۱ تا ۲۲ آذر ۱۴۰۵
جشنواره فرهنگی و تجاری پاکستان-چین (Pak-China Love Festival ۲۰۲۶) - لاهور، مرکز نمایشگاه‌های لاهور

تاجیکستان

۷ تا ۱۲ اکتبر ۲۰۲۶ | ۱۵ تا ۲۰ مهر ۱۴۰۵
سومین جشنواره بین‌المللی فیلم «تاج سومون» (Toji Somon) - دوشنبه

۸ تا ۱۲ اکتبر ۲۰۲۶ | ۱۶ تا ۲۰ مهر ۱۴۰۵
مرحله سوم مسابقه جمهوری «تاجیکستان، سرزمین عزیز من» - دوشنبه

۱۳ تا ۱۸ اکتبر ۲۰۲۶ | ۲۱ تا ۲۶ مهر ۱۴۰۵
هشتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر عروسکی «چوداری خیال» (Chodari Khayol) - دوشنبه
با حضور گروه‌هایی از تاجیکستان، قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان، ترکمنستان، روسیه، بلاروس، هند، چین و مغولستان.

۱۴ تا ۱۶ اکتبر ۲۰۲۶ | ۲۲ تا ۲۴ مهر ۱۴۰۵
چهاردهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب «کتاب دوشنبه» - موزه ملی تاجیکستان، دوشنبه

اکتبر ۲۰۲۶ | مهر ۱۴۰۵
مجمع بین‌المللی «گردشگری پایدار و میراث فرهنگی» به مناسبت مهرگان - دوشنبه

۱۲ تا ۱۴ نوامبر ۲۰۲۶ | ۲۱ تا ۲۳ آبان ۱۴۰۵
نمایشگاه و بازار بین‌المللی «تاجیکستان - ۲۰۲۶»

- مرکز نمایشگاهی دوشنبه اکسپو

ترکیه

۲۶ سپتامبر تا ۴ اکتبر ۲۰۲۶ | ۴ تا ۱۲ مهر ۱۴۰۵
جشنواره مسیر فرهنگی استانبول (Istanbul Culture Route Festival) - استانبول

۹ اکتبر تا ۲ نوامبر ۲۰۲۶ | ۱۷ مهر تا ۲ آبان ۱۴۰۵
فیلمکیمی (Filmekimi) - استانبول و برخی شهرهای دیگر ترکیه
از رویدادهای سالانه بنیاد فرهنگ و هنر استانبول (İKSU).

۲۲ اکتبر تا ۳ دسامبر ۲۰۲۶ | ۳۰ مهر تا ۱۲ آذر ۱۴۰۵
سی‌امین جشنواره تئاتر استانبول - استانبول
افتتاحیه با نمایش «Lacrima» به کارگردانی کارولین گویلا نگوین.

اکتبر تا نوامبر ۲۰۲۶ | مهر تا آبان ۱۴۰۵
برنامه‌های نمایشگاهی و هنری موزه هنر مدرن استانبول - استانبول

ترکمنستان

از ۲۹ اوت ۲۰۲۶ تا ۲۰۲۷ (در جریان مهر-آبان ۱۴۰۵)
فصل فرهنگی و هنری ۲۰۲۶-۲۰۲۷ ترکمنستان - عشق‌آباد و سایر شهرها
شامل اجرای تئاترهای دراماتیک، موسیقی و نمایش‌های عروسکی در تئاترهای اصلی کشور.

مهر ۱۴۰۵ | اکتبر ۲۰۲۶
نمایشگاه آثار هنرمندان ترکمنستان به مناسبت سی‌وپنجمین سالگرد استقلال - عشق‌آباد، مرکز نمایشگاه‌های هنرهای زیبای وزارت فرهنگ ترکمنستان
شامل آثار نقاشی، مجسمه‌سازی، فرش، جواهرسازی، سفالگری و هنرهای کاربردی.

ازبکستان

در جریان تمام سال ۲۰۲۶ (شامل بازه مهر تا بهمن ۱۴۰۵)

«آندیجان - پایتخت فرهنگی جهان ترک ۲۰۲۶» - آندیجان

به موجب مصوبه چهل‌ودومین نشست شورای دائمی ترکسوی (TURKSOY)، شهر آندیجان در سال ۲۰۲۶ عنوان پایتخت فرهنگی جهان ترک را برعهده دارد و میزبان مجموعه‌ای از رویدادهای فرهنگی، هنری و موسیقایی کشورهای ترک‌زبان در طول سال است. آیین افتتاحیه آن در ۲۴ و ۲۵ ژوئن ۲۰۲۶ (۳ و ۴ تیر ۱۴۰۵) برگزار شد.

تاریخ احتمالی: اواخر نوامبر ۲۰۲۶ | اواخر آبان ۱۴۰۵ (هنوز رسماً اعلام نشده)
با توجه به الگوی سال گذشته (آیین اختتامیه «آکتائوی قزاقستان» به‌عنوان پایتخت فرهنگی ۲۰۲۵ در ۲۸ نوامبر ۲۰۲۵ برگزار شد)، انتظار می‌رود آیین اختتامیه و تحویل عنوان از آندیجان به شهر میزبان ۲۰۲۷ نیز در بازه مشابه (آبان/آذر ۱۴۰۵) برگزار شود؛ اما تا زمان این بررسی، تاریخ دقیق آن از سوی ترکسوی یا وزارت فرهنگ ازبکستان اعلام نشده است.

تقویت و توسعه میراث مشترک فرہنگی کے کوششوں کو

ناشر: مؤسسہ فرہنگی اکیو (ECI)
آؤانس تخصصی سازمان همکاری اقتصادی (ECO)



www.ecieco.org

ایران، تہران، اقدسیہ، خیابان شہید موحّد دانش، کوچہ باقرالنمر، پلاک ۱۰

